



www.mahdi313.org

عبد الرحمن بن محمد بن خلف بن أبي طالب

# نذاری اسمائے

سید حسن زمانی





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ندای آسمانی

سید حسن زمانی

زمانی، حسن، -  
ندای آسمانی / مؤلف سید حسن زمانی. - قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی  
موعود علیه السلام؛ مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۹.  
۲۲۰ ص.

ISBN : ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۷۸-۱ ۲۷۰۰۰ ریال:

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه: ص. [۲۱۵] - ۲۲۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
۱. آخرالزمان، ۲. آخرالزمان - جنبه‌های قرآنی، ۳. آخرالزمان - احادیث، ۴. مهدویت، ۵.  
محمد بن حسن علیه السلام امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - الف. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام ب.  
مرکز تخصصی مهدویت، ج. عنوان.

۲۹۷/۴۶۲

BP ۲۲۴/۵ / ۸/۴



مرکز تخصصی مهدویت



مجلس شورای اسلامی

## ندای آسمانی

مؤلف / سید حسن زمانی

ناشر / بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

نوبت چاپ / اول، تابستان ۸۹

شمارگان / دو هزار نسخه

ویراستار / سید جواد میر خلیلی

صفحه آرا / عباس فریدی

بها / ۲۷۰۰ تومان

### مراکز پخش:

۱. قم: مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهدا /

کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان

ص.پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ ○ تلفن: ۰۷۷۳۷۸۰۱ ○ فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام ○ تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹

○ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ ○ ص.پ: ۱۵۶۵۵-۳۵۵

WWW.IMAMMAHDI-۳۱۳.COM

info@imammahdi-s.com

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۷۸-۱



## فهرست مطالب

۱۱	..... تقدیم
۱۲	..... مقدمه
۱۲	..... الف. موضوع نوشتار
۱۲	..... ب. اهمیت ندای آسمانی
۱۴	..... ج. اهداف ندای آسمانی
۱۴	..... ۱. شناساندن حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> به جهانیان
۱۵	..... ۲. ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۶	..... ۳. بشارت و امید برای اهل ایمان
۱۷	..... ۴. اتمام حجتی برای همگان
۱۷	..... د. پیشینه تحقیق درباره ندای آسمانی

## بخش اول

۲۱	..... کلیات
۲۲	..... فصل اول: واژه‌ها و لغات کلیدی ندای آسمانی
۲۷	..... پاسخ به دو سؤال:
۳۵	..... فصل دوم: علامات قیام حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۵	..... یکم. تعریف علامات قیام
۳۶	..... دوم. تقسیم نشانه‌های قیام
۳۷	..... سوم. آثار مطرح شدن نشانه‌های قیام
۳۸	..... الف. امید بخشی
۳۹	..... ب. آماده شدن برای ظهور
۳۹	..... ج. دلیلی بر حقانیت پیشوایان دین
۴۰	..... د. روشی برای شناخت و برنامه‌ریزی درست
۴۰	..... هـ. روشی برای شناخت مدعیان دروغین
۴۰	..... و. جلوگیری از انحرافهای فکری
۴۰	..... ز. احترام به حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> و پیشوازی از آمدن او

- چهارم. نشانه‌های قیام و مشخص نبودن زمان ظهور ..... ۴۱
- پنجم. نشانه‌های حتمی و بداء ..... ۴۵
- آیا ندای آسمانی از نشانه‌های حتمی است؟ ..... ۴۹
- ششم. نمادین یا حقیقی بودن ندای آسمانی ..... ۵۱
- فصل سوم: ندای آسمانی در قرآن کریم ..... ۵۶
- آیه اول: ..... ۵۶
- تفسیر اجمالی آیه ..... ۵۶
- جایگاه آیه در بحث مهدویت ..... ۵۷
- دیدگاه مفسران ..... ۵۹
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ..... ۶۰
- آیه دوم: ..... ۶۴
- تفسیر اجمالی آیه ..... ۶۴
- جایگاه آیه در بحث مهدویت ..... ۶۴
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ..... ۶۶
- آیه سوم: ..... ۶۶
- تفسیر اجمالی آیه ..... ۶۷
- جایگاه آیه در بحث مهدویت ..... ۶۷
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ..... ۶۸
- آیه چهارم: ..... ۶۹
- تفسیر اجمالی آیه ..... ۶۹
- جایگاه آیه در بحث مهدویت ..... ۷۰
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ..... ۷۱
- آیه پنجم: ..... ۷۲
- تفسیر اجمالی ..... ۷۲
- جایگاه آیه در بحث مهدویت ..... ۷۲
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ..... ۷۳
- فصل چهارم: پیشینه ندای آسمانی ..... ۷۵
- الف. پیشینه ندای آسمانی در ادیان قبل از اسلام ..... ۷۵
- ب. پیشینه ندای آسمانی در تاریخ اسلام ..... ۷۸
- اول: ندای آسمانی جبرئیل علیه السلام در بیان شجاعت حضرت علی علیه السلام ..... ۷۸



- ۸۱ ..... دوم: ندای جبرئیل امین در شهادت امیر مؤمنان علی علیه السلام
- ۸۲ ..... سوم: ندای ابلیس در عقبه

### پیش‌دوره

## معرفی ندای آسمانی ..... ۸۵

### فصل اول: ویژگی‌های ندای آسمانی ..... ۸۶

۸۶ ..... الف. منادی «تدادهنده»

۸۶ ..... ب. مکان ندای آسمانی

۸۷ ..... دو برداشت از آسمانی بودن ندای آسمانی

۸۸ ..... ج. زمان ندای آسمانی

۸۸ ..... یکم: زمان مطرح شده در احادیث برای ندای آسمانی

۸۹ ..... سؤال اول، ندای آسمانی در چه ماهی واقع می‌شود؟

۹۰ ..... سؤال دوم، ندای آسمانی در چه روزی واقع می‌شود؟

۹۰ ..... سؤال سوم، ندای آسمانی در چه زمانی از شب یا روز واقع می‌شود؟

۹۵ ..... نظر اندیشمندان در این مورد

۹۷ ..... جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۹۸ ..... دوم: حوادث قبل از ندای آسمانی

۱۰۰ ..... بیان حوادث قبل از ندای آسمانی

۱۰۰ ..... ۱. اختلاف بنی عباس

۱۰۱ ..... ۲. آیه‌ای در ماه رجب

۱۰۲ ..... ۳. سختی، ترس، کشتار و مرگ

۱۰۴ ..... ۴. یأس و ناامیدی

۱۰۶ ..... سوم: حوادث بعد از ندای آسمانی

۱۰۷ ..... سه دسته از احادیث

۱۱۲ ..... جمع‌بندی این سه دسته از روایات

۱۱۳ ..... نظر اندیشمندان

۱۱۶ ..... د. محتوای ندای آسمانی

۱۱۶ ..... یکم: محتوای اخباری

۱۱۷ ..... ۱. معرفی حضرت مهدی علیه السلام به نام و نسب

۱۱۸ ..... ۲. بیان امارت و حکومت برای حضرت مهدی علیه السلام

- ۱۱۹..... ۳. معرفی اهل حق و رهبر آنان به جهانیان
- ۱۲۰..... ۴. معرفی توصیفی حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۲۰..... ۵. خبر دادن ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۲۱..... ۶. خبر از پایان حکومت جباران
- ۱۲۱..... دوم: محتوای انشایی
- ۱۲۱..... ۱. دستور رفتن به مکه
- ۱۲۲..... ۲. دستور به پیروی از حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۲۲..... ۳. دستور قیام به حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۲۳..... ۴. بازداشتن از قتل و خونریزی
- ۱۲۴..... هـ مخاطبان ندای آسمانی
- ۱۲۴..... یکم: بیان همگانی بودن ندای آسمانی
- ۱۲۴..... ۱. شنیدن اهل مشرق و مغرب
- ۱۲۵..... ۲. شنیدن تمام اهل زمین
- ۱۲۵..... ۳. شنیدن تمامی جانداران
- ۱۲۶..... ۴. ندای آسمانی عام است نه خاص
- ۱۲۶..... دوم: شنیدن هر قومی به زبانشان
- ۱۲۷..... سوم: یکنواختی صدا برای همگان
- ۱۲۸..... نکته پایانی
- ۱۲۹..... و. غیر منتظره بودن ندای آسمانی
- ۱۲۹..... یکم: کرنش و ایمان ابتدایی
- ۱۳۱..... دوم: بیرون آمدن دختران پرده نشین
- ۱۳۳..... سوم: بیدار شدن افراد خواب
- ۱۳۴..... چهارم: وحشت افراد بیدار
- ۱۳۴..... پنجم: نشستن افراد ایستاده و ایستادن افراد نشسته
- ۱۳۶..... فصل دوم: پی آمدهای ندای آسمانی
- ۱۳۶..... الف. خروج حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۳۷..... ب. عکس العمل اهل ایمان
- ۱۳۷..... ج. عکس العمل کافران
- ۱۳۷..... د. ندای شیطانی
- ۱۴۱..... یکم: ویژگی های ندای شیطانی



۱. ندادهنده ..... ۱۴۱
۲. مکان ندای شیطانی ..... ۱۴۲
۳. زمان ندای شیطانی ..... ۱۴۴
- دسته اول: احادیثی که زمان ندای شیطانی را آخر روز می‌دانند: ..... ۱۴۴
- دسته دوم: احادیثی که زمان ندای ابلیس را آخر شب معرفی می‌کنند ..... ۱۴۵
- دسته سوم: احادیثی که زمان ندای شیطانی را فردای ندای آسمانی می‌دانند ..... ۱۴۵
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ..... ۱۴۶
۴. محتوای ندای شیطانی ..... ۱۴۷
- دسته اول: احادیثی که بیان‌کننده ادعای مظلومیت است: ..... ۱۴۷
- دسته دوم: احادیثی که بیان‌کننده ادعای حقانیت و رستگاری است ..... ۱۴۸
۵. تشبیه ندای شیطانی ..... ۱۵۲
- دوم: هدف از ندای شیطانی ..... ۱۵۳
- سوم: تأثیر ندای شیطانی ..... ۱۵۴
۱. شک و تردید در ندای آسمانی ..... ۱۵۴
۲. بازگشت از ندای آسمانی ..... ۱۵۵
- فصل سوم: وظیفه مخاطبان ندای آسمانی ..... ۱۵۸
- الف. شناخت ندای آسمانی ..... ۱۵۸
- یکم: اول بودن ندای آسمانی ..... ۱۵۸
- دوم: شناخت قبلی ..... ۱۵۹
- سوم: شناخت از روی محتوا ..... ۱۶۲
- چهارم: پرسش از عالمان دین ..... ۱۶۲
- ب. پیروی از ندای آسمانی ..... ۱۶۳

### بخش سوم:

- نداهای آسمانی دیگر ..... ۱۶۵
- الف. ندای بعد از بیعت ..... ۱۶۶
- ب. ندای درماه رجب ..... ۱۶۹
- ج. ندای خسف پیداء ..... ۱۷۳
- د. ندای باد ..... ۱۷۵

۱۷۶..... ه ندای قبل از پایان دنیا.....

### پنجم چهارم

۱۷۹..... ندای آسمانی از نگاه عامه.....

۱۸۱..... فصل اول: بررسی صوت در ماه مبارک رمضان.....

۱۸۲..... الف. ویژگی‌های صوت ماه مبارک رمضان.....

۱۸۲..... یکم: زمان صوت.....

۱۸۳..... دوم: مکان صوت.....

۱۸۳..... سوم: ندا دهنده.....

۱۸۴..... چهارم: محتوای صیحه.....

۱۸۵..... پنجم: مخاطبان صوت.....

۱۸۶..... ششم: تأثیرات صیحه.....

۱۸۶..... ۱. بیدار شدن افراد خواب.....

۱۸۶..... ۲. وحشت افراد بیدار.....

۱۸۷..... ۳. خارج شدن دختران پرده‌نشین.....

۱۸۷..... ۴. نشستن افراد ایستاده.....

۱۸۸..... ب. حوادث قبل و بعد از صوت.....

۱۸۸..... یکم: حوادث قبل از صیحه.....

۱۸۹..... دوم: حوادث بعد از صیحه.....

۱۹۰..... ج. وظیفه مخاطبان صوت.....

۱۹۲..... فصل دوم: بررسی ندای آسمانی از نگاه عامه.....

۱۹۳..... الف. ویژگی‌های ندای آسمانی.....

۱۹۳..... یکم: زمان ندا.....

۱۹۳..... دوم: مکان ندا.....

۱۹۴..... سوم: ندا دهنده.....

۱۹۴..... چهارم: محتوای ندا.....

۱۹۶..... پنجم: مخاطبان ندای آسمانی.....

۱۹۷..... ب. حوادث قبل از ندای آسمانی.....

۱۹۷..... ۱. ظهور سفیانی و حاکمیت او بر دمشق.....



۲. سلسله حوادثی که از ماه رمضان شروع می‌شود و در ماه محرم ندای آسمانی داده می‌شود..... ۱۹۸
۳. ظهور فتنه و خاموش نشدن آن..... ۱۹۸
۴. وقوع خسف قبل از ندا..... ۱۹۹
۵. هنگام مواجهه سپاه حضرت مهدی علیه السلام و سفیانی..... ۱۹۹
۶. قتل نفس زکیه..... ۲۰۰
- ج. پی آمدهای ندای آسمانی..... ۲۰۱
- یکم: ظهور حضرت مهدی علیه السلام..... ۲۰۱
- دوم: ندای شیطانی..... ۲۰۲
- د. وظیفه مخاطبان ندای آسمانی..... ۲۰۴
- یکم: رفتن به سوی مکه..... ۲۰۴
- دوم: اطاعت و پیروی از حضرت مهدی علیه السلام..... ۲۰۵
- فصل سوم: ندای بعد از خروج حضرت مهدی علیه السلام..... ۲۰۶
- نکته پایانی..... ۲۰۸
- خاتمه**..... ۲۱۱
- الف. اشتراکات شیعه و عامه در مورد ندا و صیحه آسمانی..... ۲۱۲
- ب. افتراقات شیعه و عامه در مورد ندا و صیحه آسمانی..... ۲۱۳
- کتابنامه..... ۲۱۵

## تقدیم

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»  
(انبیاء (۲۱) ۱۰۵)

و به راستی در زبور پس از ذکر (تورات) نوشتیم همانا زمین را بندگان درستکار من به ارث می‌برند.

✓ تقدیم به پیشگاه سکاندار هدایت و یگانه نجات‌دهنده بشر از ظلم و بیداد و لبریز کننده جهان از عدالت و درستی؛ تقدیم به او که با آمدنش، نور و درخشندگی می‌آید و تاریکی‌ها رخت بر می‌بندد؛

✓ تقدیم به او که تمام برگزیدگان خداوند، منتظر قدوم مبارکش بودند و دنیا بدون آمدن او معنا ندارد؛ تقدیم به او که مانند خورشید پشت ابر، مدیریت جهان را بر عهده دارد و تمامی برکات و نعمت‌ها به واسطه او به ما می‌رسد.

✓ و تقدیم به او که این توفیق را به بنده بی‌مقدار داد تا بتوانیم با آن، عرض ادبی خدمت مولایش انجام دهیم.

امید، آن که این مختصر صفحاتی که به عشق و محبت آن یگانه هستی نگاشته شد - که بسان برگ سبزی است تحفه درویش - مورد عنایتشان قرار گیرد.

«ان شاء الله»



## مقدمه

### الف. موضوع نوشتار

موضوع این پژوهش، «ندای آسمانی» است. ندای آسمانی، صدایی است که از آسمان شنیده می‌شود و در آن به معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و بیان نام، نسب و حقانیت او و پیروانش می‌پردازد. این صدا توسط همگان شنیده می‌شود و می‌توان آن را معجزه‌ای دانست که بدون هیچ وسیله ارتباطی، همگان، حتی افراد خواب، نیز آن را می‌شنوند. ندای آسمانی با الفاظ «ندا»، «صیحه»، «صوت»، «اعلان»، «فزعه» و «هده» در احادیث شیعه و عامه مطرح شده است.

### ب. اهمیت ندای آسمانی

انسان‌ها همواره مشتاق دانستن آینده و سرنوشت و فرجام خود و جهان پیرامون خود بوده و هستند. به سبب این میل همگانی، بازار پیشگویان و طالع‌بینان همیشه از رونق برخوردار بوده است. پیش‌گویی و خبر از آینده را می‌توان به انواع آسمانی و زمینی تقسیم کرد. آینده‌بینان آسمانی از طرف

پروردگار، برگزیده شده‌اند و حجت او بر آدمیان هستند. کلام آنان ریشه در وحی آسمانی دارد و از افق بالا به هستی می‌نگرند. و خبر دادن از گذشته، حال یا آینده، برایشان تفاوتی نمی‌کند و اخبار آنان از آینده به میزان گفتارشان در مورد گذشته و حال حقیقت دارد؛ ولی آینده‌نگران زمینی با دید محدود خود، بیشتر سوداگرانی هستند که با استفاده از ساده‌اندیشان و نادانان، بازار خود را رونق می‌دهند.

وعده ظهور نجات‌بخش هستی و برقرارکننده عدالت در گیتی و برچیننده ظلم، از جهان برجسته‌ترین آینده‌بینی حجت‌های پروردگار آفرینش است که تمامی ادیان الهی از آن خبر داده‌اند. این حادثه به قدری باارزش است که آینده‌نگران آسمانی، نشانه‌ها و حوادث پیرامون آن را نیز برای مردم بازگو کرده‌اند. بخش زیادی از روایات اسلامی در بحث مهدویت، مربوط به علامت‌های قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است و حدود صد حدیث از شیعه و عامه در مورد «ندا یا صیحه آسمانی» به دست ما رسیده است که اهمیت و جایگاه آن را می‌رساند، وجوهی که می‌توان برای اهمیت ندای آسمانی برشمرد، به شرح ذیل است:

۱. مطرح شدن آن در قرآن کریم، آیه ۴ سوره شعراء طبق روایات

تفسیری بر آن دلالت دارد؛

۲. روایات زیادی که در مورد آن به دست ما رسیده است؛

۳. مطرح شدن آن در توقیع آخر که برای نایب چهارم، علی بن محمد

سمری فرستاده شد که مشاهده و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در این توقیع؛

منوط به خروج سفیانی و صیحه آسمانی معرفی شده است؛

۴. حتمی بودن ندای آسمانی؛ در روایاتی که علایم حتمی قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، شمرده می‌شود، یکی از آن علایم، «ندای آسمانی» است؛

۵. اعلان جهانی نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و کلید ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه با «ندای آسمانی» زده می‌شود و مردم از زمان ظهور آگاه می‌شوند؛

۶. این ندا، اتمام حجتی برای جهانیان خواهد بود که آیا با شناختن راه حق، باز هم دنباله‌رو راه‌های باطل خواهند بود یا نه؟

### ج. اهداف ندای آسمانی

هر کاری برای مقصود و هدفی صورت می‌گیرد. خواست و هدف پروردگار متعال از معرفی حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه به جهانیان به واسطه فرشته وحی، یعنی جبرئیل امین عجل الله تعالی فرجه چیست؟ در این قسمت به بیان اهداف و تأثیراتی که ندای آسمانی بر جای می‌گذارد، می‌پردازیم این موارد عبارتند از:

#### ۱. شناساندن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به جهانیان

قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه انقلابی جهانی است و شناسایی او نیز باید جهانی باشد تا حجت بر همگان تمام شود و نگویند راه و مسیر حق را نشناختیم و ندای آسمانی با اعلام نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و بیان حقانیت او برای جهانیان، بشارت به آمدن او را می‌دهد و با این معیار که مدعیان دروغین از آوردن آن عاجزند، آن حضرت به همگان معرفی می‌شود.

عبدالله بن ابی یعفر از امام جعفر صادق عجل الله تعالی فرجه می‌پرسد: مراد از «صوت»

چیست؟ آیا مراد، همان ندادهنده است؟ امام فرمود:



«نعم و به يعرف صاحب هذا الامر»؛ بله و به وسیله آن، صاحب این امر شناخته می‌شود.

## ۲. ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان حضرت مهدی علیه السلام

یکی از دلایل پیروزی سریع حضرت مهدی علیه السلام، رعب و وحشتی است که دشمنان ایشان از وی در دل دارند و یکی از عوامل ایجاد رعب، امدادهای غیبی است که به کمک حضرت مهدی می‌آید. برای مثال در حدیثی می‌خوانیم وقتی رومیان می‌بینند، یاران حضرت مهدی بر روی آب راه می‌روند، می‌گویند یاران او بر روی آب راه می‌روند، پس خود او چگونه است و تسلیم می‌شوند و یکی از امدادهای غیبی و مواردی که باعث رعب در دل دشمنان حضرت می‌شود ندای آسمانی است که باعث می‌شود دشمنان حضرت بفهمند در مقابل قدرت آسمانی او توانی ندارند و نمی‌توانند مقاومت کنند.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«یؤیده ثلاثة اجناد الملائكة و المؤمنون و الرعب؛ حضرت

مهدی علیه السلام با سه لشکر یاری می‌شود؛ ملائکه و مؤمنان و رعب

(در دل دشمنان)»<sup>۱</sup>

در روایات ندای آسمانی می‌خوانیم وقتی ندا داده می‌شود، گردن‌های دشمنان حضرت در مقابل آن خاضع می‌شود و به همین جهت، ندای آسمانی را عذابی برای کافران معرفی می‌کنند.

۱. النبیة نعمانی، ص ۲۶۶، باب ۱۴، ح ۱۶. روایت از جهت سند معتبر است.

۲. النبیة نعمانی، ص ۲۰۴، باب ۱۱، ح ۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۹، باب ۲۲، ح ۴۶.

«... قد نودوا نداء يسمع من بعد كما يسمع من قرب، يكون رحمة على المؤمنين و عذاباً على الكافرين<sup>۱</sup>؛ آنان ندا داده می شوند به خدایی که از دور همان گونه شنیده می شود که از نزدیک، آن رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران می باشد. و یا آن را روز سختی برای آنان معرفی می کنند: «فذلك يومئذ يوم عسير على الكافرين غير يسير<sup>۲</sup>».

### ۳. بشارت و امید برای اهل ایمان

پیروان حق و حقیقت با شنیدن ندای آسمانی، نشاط و شادابی خاصی پیدا می کنند و آگاه می شوند که مولایشان بعد از قرن ها انتظار می آید و در پرتو آن، حق و عدالت، همه جا را نورانی خواهد کرد؛ به همین دلیل، روح تازه ای با شنیدن آن در وجودشان دمیده می شود.

حسن بن محبوب از امام رضا علیه السلام روایت می کند که فرمود: هنگام فقدان ماء معین، بسیاری از مردان و زنان مؤمن، دلسوخته و متاسف و اندوهناکند؛ گویا آنان را در ناامیدترین حالاتشان می بینم که ندا را می شنوند؛ ندایی که از دور، مانند شنیده شدن از نزدیک شنیده می شود و آن رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران است: «یکون رحمة على المؤمنين<sup>۳</sup>».

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۹، باب ۳۵، ح ۳؛ کشف النعمة، ج ۲، ص ۵۲۴.

۲. تأویل الآيات الظاهرة، ص ۷۰۸.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۹، باب ۳۵، ح ۳، عیون الاخبار، ج ۲، ص ۶، باب ۳۰، ح ۱۴.

#### ۴. اتمام حجتی برای همگان

ندای آسمانی، همگانی است و هر کس با زبان خود، این ندا را می‌شنود<sup>۱</sup> و حضرت مهدی علیه السلام را به وسیله آن با نام و نسب می‌شناسد و دیگر جایی برای عذر و بهانه باقی نمی‌ماند که اگر ما واقعاً می‌دانستیم او حجت خداوند است، از او پیروی می‌کردیم. مفضل بن عمر از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود:

«... و ینادی باسمه و کنیته و نسبه و یكثر ذلک علی افواه المحقین و المبطلین و الموافقین و المخالفین لتلزمهم الحجة بمعرفتهم به...»؛ به اسم و کنیه و نسب حضرت ندا داده می‌شود و این مطلب، دهان به دهان بین اهل حق و باطل و موافقان و مخالفان می‌چرخد تا حجت را بر آنان در شناختن او تمام کند.<sup>۲</sup>

#### د. پیشینه تحقیق درباره ندای آسمانی

ندا یا صیحه یا صوت آسمانی، یک پیشگویی آسمانی است؛ بنابراین ریشه در احادیث اسلامی دارد. از طرف دیگر، امر مشترکی میان شیعه و عامه است و در کتاب‌های حدیثی هر دو مطرح شده است. و از صدر اسلام نیز بوده است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در کنار معرفی حضرت مهدی علیه السلام، یکی از نشانه‌های قیام او را ندای آسمانی بیان داشته است. همچنین این مطلب به صورت واضح و روشن‌تر در زمان پیشوایان معصوم علیهم السلام؛ به خصوص در زمان

۱. رجوع شود به بخش دوم، فصل اول، بحث مخاطبان ندای آسمانی.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳، باب ۲۸، ح ۱؛ الهدایة الکبری، ص ۳۹۳.

امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام که بیشتر احادیث شیعه از این دو بزرگوار است، بیان شده است. این روایات در کتاب‌هایی چون:

۱. کافی؛ اثر محمد بن یعقوب کلینی که مهم‌ترین کتاب روایی شیعه است.

۲. کمال الدین؛ اثر شیخ صدوق که به دستور امام عصر علیه السلام نگاشته شده است.

۳. الغیبه؛ اثر شیخ طوسی که مؤلف آن از پایه‌گذاران فقه شیعه است.

۴. الغیبه؛ اثر محمد بن ابراهیم نعمانی که ایشان شاگرد و کاتب صاحب کتاب کافی بوده است.

۵. تفسیر علی بن ابراهیم قمی و تفسیر عیاشی که از کتاب‌های تفسیری متقدم شیعه هستند.

از شیعه و کتاب‌هایی چون؛

۱. الفتن لابن حماد مروزی (۲۲۹ ق)

۲. الملاحم لابن جعفر المنادی (۳۳۶ ق)

۳. المعجم الکبیر للطبرانی (۳۶۰ ق)

۴. مسند احمد بن حنبل (۲۴۱ ق)

۵. السنن الواردة فی الفتن للدانی (۴۴۴ ق)

۶. الحاوی للفتاوی سیوطی (۹۱۱ ق)

از عامه و کتاب‌های دیگری که در مباحث آتی مطرح می‌شوند، بیان شده‌اند. به بحث «ندای آسمانی» به صورت موضوعی، کمتر توجه شده است؛ ولی در کنار سایر موضوعات، برخی از اندیشمندان مباحث مهدویت به آن



توجه داشته‌اند. از باب نمونه در دو کتاب «تاریخ الغيبة الكبرى» و «تاریخ ما بعد الظهور»، بهتر از کتاب‌های دیگر به بررسی آن پرداخته شده است. همچنین در کتب «معجم موضوعی احادیث امام مهدی علیه السلام» و «یوم الخلاص» و «مهدی منتظر علیه السلام» و «الامام المهدی علیه السلام من المهد الی الظهور» به بررسی «ندای آسمانی» در کنار سایر موضوعات مهدویت پرداخته شده است. امید است در این نوشتار با عنایت پروردگار متعال و توجه حضرت ولی عصر علیه السلام قدمی در راه روشن‌تر کردن این بحث از مباحث مهدویت برداشته شود.

# بخش اول:

کلیات

## فصل اول:

### واژه‌ها و لغات کلیدی ندای آسمانی

واژه‌های به کار رفته در احادیث در مورد «ندای آسمانی» به شرح ذیل است:

۱. نداء ۲. صیحه ۳. صوت ۴. اعلان ۵. فزعه ۶. هذه.

معنای لغوی واژه‌ها عبارت است از:

۱. «نداء» به معنی خواندن با صدای بلند است.

در «مفردات» آمده است:

«النداء رفع الصوت و ظهوره»؛ نداء، بلند کردن و آشکار کردن صدا را

گویند.<sup>۱</sup>

مثال قرآنی، «اذا ناديتم الى الصلوة<sup>۲</sup>» ای دعوتهم. یعنی وقتی آنان را به

سوی نماز فرا خواندید.

در بیشتر احادیثی که واژه «نداء» در آنها مطرح شده است، «نداء»،

صدایی با محتوا آمده است.

---

۱. «المفردات فی غریب القرآن»، ص ۴۸۶.

۲. مائده (۵): آیه ۵۸.

پس می‌توان آن را صدایی رسا که به معرفی حضرت مهدی عجل الله فرجه می‌پردازد، دانست.

۲. «صیحه» به معنی فریاد یا صدای بسیار بلند است.

در «مجمع البحرین» آمده است: مراد از صیحه، «الصوت بأقصى الطاقة»، صدا با نهایت توان است. سپس مثال قرآنی می‌آورد: «و أخذ الذین ظلموا الصیحة<sup>۱</sup>»، مراد از صیحه، عذاب است و گفته می‌شود جبرئیل امین علیه السلام بر آنها فریادی کشید و آنان هلاک شدند.<sup>۲</sup>

زوایای مختلف عذاب قوم ثمود با واژه‌های «صیحه<sup>۳</sup>»، «رجفه<sup>۴</sup>»، «طاغیه<sup>۵</sup>» و «صاعقه<sup>۶</sup>» در قرآن کریم توصیف شده است. یعنی قوم ثمود با صدای وحشتناک و زمین لرزه‌ای شدید و یک عامل ویرانگر و صاعقه آسمانی هلاک شدند.

در قرآن کریم، پایان جهان با یک صیحه خواهد بود:

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ<sup>۷</sup> جز بانگ  
مرگبار یگانه‌ای را انتظار نمی‌کشند و در حالی که ستیزه  
می‌کنند آنان را فرو می‌گیرد.<sup>۷</sup>

همین طور رستاخیز با صیحه آغاز می‌شود:

۱. هود (۱۱): آیه ۶۷

۲. «مجمع البحرین»، ج ۲، ص ۳۸۹

۳. هود (۱۱): آیه ۶۷

۴. اعراف (۷): آیه ۷۸

۵. الحاقه (۶۹): آیه ۵

۶. فصلت (۴۱): آیه ۱۷

۷. یس (۳۶): آیه ۴۹

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ؛  
صیحه واحدی بیش نیست؛ در آن هنگام، آنان همگی نزد ما  
حاضر خواهند شد.<sup>۱</sup>

اما در احادیث ندای آسمانی؛ واژه «صیحه» برای صدای بامحتوا نیز به کار رفته است که با آن به معرفی حضرت مهدی علیه السلام می پردازد.<sup>۲</sup> در نتیجه می توان مراد از «صیحه» را صدای بسیار بلند بامحتوا یا بدون محتوا دانست.

۳. صوت؛ به معنی صدای سخن است.

در «مجمع البحرین» آمده است: «و الصوت فی العرب جرس الکلام»؛  
صوت در زبان عرب به معنای صدای سخن است.  
مثال قرآنی:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ؛  
ای کسانی که ایمان آوردید، صداهایتان را بلندتر از صدای  
پیامبر صلی الله علیه و آله نبرید.<sup>۳</sup>

در چندین روایت از احادیث مربوط به ندای آسمانی، کلمه «صوت» آمده

است. در حدیثی، عبدالله بن ابی یعفر از امام جعفر صادق علیه السلام می پرسد:  
قلت: و ما الصوت، هو المنادی؟ فقال: نعم، و به يعرف صاحب  
هذا الامر؛ پرسیدم مراد از صوت چیست؟ آیا همان ندادهنده

۱. یس (۳۶): آیه ۵۳.

۲. «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۱، ص ۶۰۳ باب ۳۲، حد ۱۶ و... .

۳. حجرات (۴۹): آیه ۲.



است؟ فرمود: بلی و به وسیله آن، صاحب این امر شناخته می‌شود.<sup>۱</sup>

از این حدیث استفاده می‌شود مراد از «صوت»، همان ندای آسمانی است.

۴. اعلان؛ به معنی «آشکار کردن» آمده است.

در کتاب «العین» آمده است: «علن الامرای شاع و ظهر»؛ «علن الامر، یعنی آن چیز را پخش و آشکار کرد».<sup>۲</sup>  
مثال قرآنی:

«ثم انی اعلنت لهم و اسررت لهم اسراراً»؛ آن‌گاه آشکارا ایشان را خواندم و پنهانی، ایشان را دعوت کردم.<sup>۳</sup>

در میان احادیث ندای آسمانی، تنها در یک روایت، کلمه «یعلن» آمده است. این حدیث از امام رضا علیه السلام نقل شده است که می‌فرماید بردن نامش در دوران غیبت، جایز نیست:

حتى یراه و یعلن باسمه و یسمعه کل خلق؛ تا این که ایشان را ببینند و نامش اعلان می‌شود و تمامی مردم آن را می‌شنوند.

در نتیجه «اعلان» در این حدیث به معنی آشکارا بیان شدن نام حضرت مهدی علیه السلام برای تمامی مخلوقات آمده است.

۵. فزعه؛ «فزع» به معنی ترس است.

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۶، باب ۱۴، ح ۱۶؛ «اثبات الهداة»، ج ۳، ص ۷۳۶، باب ۳۴، فصل ۹، حد ۱۰۳.

۲. «العین»، ج ۲، ص ۱۴۱، ماده علقن.

۳. نوح (۷۱): آیه ۹.

۴. «الهدایة الکبری»، ص ۳۶۴؛ «مستدرک الوسائل»، ج ۱۲، ص ۲۸۵.

در «السان العرب» آمده است؛ «فزع منه...؛ أخافه و روّعه<sup>۱</sup>».

فزع منه، یعنی از او ترسید و هراسناک شد.

مثال قرآنی:

«اذ دخلوا علی داود ففزع منهم، قالوا؛ لاتخف؛ آن‌گاه که بر

داود علیه السلام وارد شدند و او از ایشان ترسید، گفتند؛ مترس.<sup>۲</sup>

در میان احادیث، سه روایت در مورد «فزعه» آمده است. در این فصل

به بررسی آنها می‌پردازیم و اگر در مورد ندای آسمانی، این واژه را بپذیریم،

ترسناکی ندای آسمانی، برای ما آشکار می‌شود.

۶. هذّه؛ به معنی صدایی است که از فرو ریختن یا انهدام چیزی شنیده

می‌شود.

در کتاب «معجم مقاییس اللغة» آمده است «الهدّة»؛ صوت وقع الحائط؛<sup>۳</sup>

هذّه، صدایی است که از ریختن دیوار شنیده می‌شود.

و در «مفردات» آمده است:

الهدّ هدم له وقع و سقوط شیء ثقیل و الهدّه صوت وقعه؛<sup>۴</sup> «الهدّ» به

معنی انهدامی است که همراه فروریختن و سقوط چیز سنگینی باشد و

«الهدّه»، صدای فروریختن آن است.

در روایات شیعه، تعبیر «هذّه» نیامده است، ولی در احادیث عامه از

«صیححه»، تعبیر به «هذّه» شده است و تعداد قابل توجهی از آنها با این واژه

۱. «السان العرب»، ج ۸، ص ۲۵۱

۲. سوره ص (۳۸): آیه ۲۲

۳. «معجم مقاییس اللغة»، ص ۱۰۱۴.

۴. «المفردات فی غریب القرآن»، ص ۵۳۷، ماده هدد.

آمده است. در روایتی نقل شده است که: عبدالله بن مسعود از پیامبر اکرم ﷺ پرسید: «ما الصیحة یا رسول الله؟ قال: هدّة فی النصف من رمضان<sup>۱</sup>»؛ مراد از صیحه چیست؟ ای رسول خدا؟ فرمود: صدایی است که در نیمه ماه رمضان شنیده می‌شود.

### پاسخ به دو سؤال:

سؤال اول: آیا مراد از «فزعه»، همان ندای آسمانی است یا مقصود، چیز دیگری است؟

بیشتر نویسندگان، مراد از «فزعه» را همان «صیحه یا ندای آسمانی» دانسته‌اند و مقصود از آن را بیان ترسناکی ندای آسمانی معرفی می‌کنند. در این میان، نویسنده‌ای، این مطلب را رد و دلایلی را مطرح می‌کند: ایشان می‌نویسد: [کلمه «فزعه» که به معنی ترس و وحشت است و در چند خبر، بیشتر نیامده است، ارتباطی با نداء، صیحه یا صوت ندارد]، سپس دلایلی برای یکی نبودن آنها نقل می‌کند؛ دلایل ایشان: «نخست: معنای آنها با یکدیگر متفاوت است. دوم: بر اساس روایت‌ها، فزعه در ماه رمضان است؛ ولی در میان ده‌ها روایت نداء، تنها چهار روایت، وقوع نداء یا صیحه را در این ماه می‌داند و این چهار روایت هم به دلیل وجود برخی اشکالات در متن آنها، چندان قابل اعتماد نیستند. سوم: در چند روایت، سخن از کسوف در ماه رمضان است که به نظر می‌رسد مقصود از فزعه در رمضان، همان باشد؛ چون بنا به روایات، این کسوف بر خلاف حساب منجمان، بی‌سابقه

۱. «الفتن لابن حماد»، ص ۱۸۵، ح ۶۴۱

خواهد بود؛ از این رو، وحشت (فزعه) عمومی را به همراه دارد. چهارم: در یک حدیث، نداء و فزعه در کنار هم ذکر شده است که نشان می‌دهد نداء با فزعه، تفاوت دارد<sup>۱</sup>.

برای رسیدن به پاسخ مناسب، در آغاز، نگاهی به احادیث مطرح شده در مورد «فزعه» می‌اندازیم. در مورد «فزعه»، سه روایت در منابع ما آمده است. بیان این روایات؛

حدیث اول؛ روایت عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام:

«انه قال، النداء من المحتوم و السفیانی من المحتوم و... قال: و فزعة فی شهر رمضان توقظ النائم و تفرع اليقظان و تخرج الفتاة من خدرها»؛ فرمود: ندا از امور حتمی است و سفیانی محتوم است و... فرمود: و فزعه در ماه رمضان است که خوابیده را بیدار می‌کند و بیدار را می‌ترساند و دختران را از سراپرده‌شان بیرون می‌آورد.<sup>۲</sup>

حدیث دوم؛ روایت داود دجاجی از امام محمد باقر علیه السلام:

«قال؛ سئل امیرالمؤمنین علیه السلام... فقال: انتظروا الفرج من ثلاث، فقیل: یا امیرالمؤمنین و ما هن؟ فقال: اختلاف اهل الشام بینهم و الرايات السود من خراسان و الفزعة فی شهر رمضان، فقیل: و ما الفزعة فی شهر رمضان؟ فقال: أو ما سمعتم قول الله عزوجل فی القرآن «إن نشأ نزل علیهم من السماء آية فظلت اعناقهم لها خاضعين»<sup>۳</sup> هی آية تخرج الفتاة من خدرها و توقظ النائم و تفرع

۱. تأملی در روایات علایم ظهور؛ «تتظار»، سال سوم، ش ۹ و ۸، ص ۳۲۸.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۱، باب ۱۴، ح ۱۱- «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۳، باب ۲۵، ح ۹۸.

۳. شعراء (۲۶): آیه ۴.

اليقظان»؛ از امير مؤمنان علي عليه السلام سؤال شد: ... فرمود: از سه چيز، گشايش را انتظار داشته باشيد. گفته شد: اي امير مؤمنان، آنها چيست؟ فرمود: اختلاف بين اهل شام و پرچم‌هاي سياه از خراسان و فزعه در ماه رمضان. سؤال شد: مراد از فزعه در ماه رمضان چيست؟ فرمود: آيا كلام خداي عزوجل را نشنيده‌ايد: «اگر بخواهيم از آسمان بر آنان معجزه‌اي نازل مي‌كنيم تا گردن‌هايشان مقابل آن افتاده شود». آن آيه‌اي است كه دختران را از سراپرده‌شان بيرون مي‌آورد و خواب را بيدار مي‌كند و بيدار را به ترس وا مي‌دارد.<sup>۱</sup>

حديث سوم؛ مضمون حديث دوم را دارد ولي از معلى بن خنيس از امام جعفر صادق عليه السلام و ايشان از جدشان امير مؤمنان علي عليه السلام نقل مي‌كنند.<sup>۲</sup>

حديث اول به دليل مجهول بودن «علي بن احمد البندنجي» و «عبيد الله بن موسى علوي» و حديث دوم به دليل توثيق نشدن «داوود دجاجي»، ضعيف محسوب مي‌شوند و حديث سوم در كتب متأخر ذكر شده است. و گرچه راويان اين حديث توثيق شده‌اند، ولي «يونس بن عبدالرحمن» از «صفوان بن يحيى»، حديث نقل نمي‌كند، بلكه نقل حديث از «صفوان بن مهران» دارد و «صفوان بن يحيى»، نقل حديث از «يونس بن عبدالرحمن» مي‌كند و در سند اين روايت، «يونس بن عبدالرحمن» از «صفوان بن يحيى» نقل حديث کرده است. اما از جهت دلالت، نکاتی از این روایات استفاده می‌شود:

۱. «الغيبة نعماني»، ص ۲۶۰، باب ۱۴، ح ۸.

۲. «تأويل الآيات الظاهرة»، ص ۳۸۴؛ «بحار الأنوار»، ج ۵۲، ص ۲۸۵، باب ۲۶، ح ۱۴.



۱. «فزعه» در ماه مبارک رمضان است. هر سه حدیث، این مطلب را دارند.

۲. اثرهای این «فزعه» عبارتند از: بیدار شدن افراد خواب و به هراس افتادن افراد بیدار و خارج شدن دختران از سراپرده‌شان، که نشان از غیر منتظره بودن و ترسناکی «فزعه» است.

۳. در دو حدیث آخری، «فزعه» مصداق آیه ۴ سوره شعراء معرفی شده است. این مطلب می‌رساند که باید محل وقوع «فزعه»، طبق بیان آیه، آسمان باشد و همچنین باعث کرنش و خضوع افراد ستم‌گر در برابر آن شود. این نویسندگان در بیان فرق «فزعه» با «صیحه یا نداء»، دلایلی آورده بود. دلیل اول ایشان، تفاوت در معنا بود. می‌گوییم: گرچه «فزعه» به معنی ترس است، ولی احادیث «فزعه» می‌توانند نشان‌گر ترسناکی صیحه آسمانی باشند و از این جهت به جای «صیحه»، کلمه «فزعه» استفاده شده است. دلیل این مطلب می‌تواند تأثیرات مشترک «فزعه» و «صیحه» باشد که در روایات هر دو دسته آمده است. دلیل دوم ایشان، بودن «فزعه» در ماه مبارک رمضان بود و گفتند: در میان ده‌ها روایت نداء، تنها چهار حدیث، وقوع نداء یا صیحه را در ماه رمضان می‌دانند که این چهار روایت نیز اضطراب در متن دارند.

ولی با مراجعه به احادیثی که زمان صیحه یا ندای آسمانی را از جهت ماه و روز مشخص می‌کنند، می‌بینیم نه روایت، بز واقع شدن صیحه یا ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان دلالت می‌کنند که از میان آنها سه حدیث از جهت سند صحیح می‌باشند. علاوه بر این، در اکثر این احادیث، اضطراب در

متن مشاهده نمی‌شود.<sup>۱</sup>

ایشان در ادامه، «فزعه» را بر «کسوف» در ماه مبارک رمضان تطبیق می‌دهد. اما در هیچ یک از احادیث «فزعه» به این مطلب اشاره نشده است. و ثانیاً بیشتر روایاتی که «کسوف» را مطرح می‌کنند، در کنار آن، «خسوف» را ذکر کرده‌اند که یکی در وسط ماه و دیگری در آخر ماه رخ می‌دهد<sup>۲</sup> و اگر مراد احادیث «فزعه»، این دو علامت در ماه مبارک رمضان بود، می‌بایست به جای «فزعه»، «فزعتان» آورده می‌شد. در پایان، نویسنده، ذکر شدن «نداء» و «فزعه» را در یک حدیث، دلیلی بر دو تا بودن آنها می‌گیرد. این حدیث، روایت اولی است که در صفحات قبل آورده شد، ولی احتمال دارد قسمت دوم حدیث که با «قال» شروع می‌شود، بیان تفصیلی ندای آسمانی باشد که در قسمت اول حدیث، فقط به حتمی بودن آن اشاره شده است، ولی در قسمت دوم، تأثیرهای آن بیان می‌شود. و یا این که قسمت دوم را راوی از امام شنیده است و به حدیث اضافه کرده است؛ چون قسمت اول حدیث تمام می‌شود و قسمت دوم حتی عطف بر قسمت اول نشده و با «قال» شروع شده است.

نتیجه: گرچه به صورت صد در صد نمی‌توان گفت که مراد از «فزعه»، همان نداء یا صوت یا صیحه است، ولی نمی‌توان این احتمال را به وسیله این دلایل رد کرد و این مطلب به سبب ابهامی است که در احادیث «فزعه» مشاهده می‌شود و به صورت واضح مشخص نمی‌کنند که مراد از «فزعه»

۱. رجوع شود به بخش دوم، فصل اول، بحث زمان ندای آسمانی.

۲. «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۴۴، ح ۴۳۹؛ «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۹، باب ۱۴، ح ۴۵ و ۴۶.

چیست. علاوه بر این در مورد «فزع» سه روایت - که دو تای آنها یکی است - وجود دارد و دو مورد از آنها ضعف سندی دارند و سومی در کتب متأخر آمده است و اضافه یا کم کردن آنها تأثیری بر روایات ندای آسمانی نمی گذارد.

سؤال دوم. آیا مراد از «صیحه»، همان «ندای آسمانی» است یا خیر؟

در دو حدیث، «صیحه» و «ندای آسمانی» در کنار هم ذکر شده است و این مطلب، دلالت بر یکی نبودن «صیحه» و «ندای آسمانی» در ابتدا می کند. بیان دو حدیث:

روایت اول: حدیث محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السلام:

«... و ان من علامات خروجه، خروج السفیانی من الشام و خروج الیمانی من الیمن و صیحة من السماء فی شهر رمضان و مناد ینادی من السماء باسمه و اسم ابیه»؛ و از نشانه های خروج ایشان (حضرت مهدی علیه السلام) خروج سفیانی از شام و خروج یمانی از یمن و صیحه ای از آسمان در ماه رمضان است و منادی از آسمان که به نام او و نام پدرش ندا می دهد.<sup>۱</sup>

روایت دوم: حدیث ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام:

«... ثم قال: الصیحة لاتكون الا فی شهر رمضان لأن شهر رمضان شهر الله و الصیحة فیهِ هی صیحة جبرئیل الی هذا الخلق، ثم قال، ینادی مناد من السماء باسم القائم علیه السلام فیسمع من بالشرق و من بالمغرب...»؛ سپس فرمود: صیحه نمی باشد مگر در ماه رمضان؛ زیرا ماه رمضان، ماه خدا است و صیحه در آن، همان صیحه جبرئیل برای این مردم است. سپس فرمود: منادی از آسمان به

۱. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۱، ص ۵۹۸، باب ۳۲، ح ۷.

اسم قائم عَلَيْهِ ندا می‌دهد، پس کسی که در مشرق است و کسی که در مغرب است، آن را می‌شنود.<sup>۱</sup>

پاسخ: این دو حدیث از جهت سند، ضعیف می‌باشند. حدیث اول به دلیل مجهول بودن «اسماعیل بن علی قزوینی» و «علی بن اسماعیل» و حدیث دوم به دلیل توثیق نشدن «احمد بن یوسف بن یعقوب» و ضعف «حسن بن علی بن ابی حمزه» ضعیف محسوب می‌شوند. علاوه بر این، احتمال دارد تکرار با واژه‌های متفاوت برای بیان بیشتر مطلب باشد. در حدیث اول از خصوصیات «صیحه» آسمانی و در ماه رمضان بودن آن مطرح شده است و سپس با واو عطف «ندا» مطرح می‌شود که در آن محتوای ندا بیان می‌شود و همچنین در حدیث دوم در بیان ویژگی‌های «صیحه» در ماه رمضان و از جبرئیل عَلَيْهِ بودن آن مطرح می‌شود و در ادامه، ندای آسمانی با ویژگی‌های، معرفی محتوای ندا و همگانی بودن و تأثیرات آن می‌آید. ثالثاً وقتی به احادیث دیگر ندای آسمانی می‌نگریم، می‌بینیم خصوصیات مشابه با واژه‌های «صوت»، «صیحه» و «ندا» مطرح شده است.<sup>۲</sup>

در نتیجه نمی‌توان با اختلاف در واژه‌ها قائل به جدا بودن آنها از یکدیگر شد. اغلب نویسندگانی که مباحث ندای آسمانی را آورده‌اند، قائل به اشتراک بین واژه‌های «صیحه» و «نداء» شده‌اند و محققى برای این مطلب، دلایلی ذکر می‌کند، ایشان می‌گویند:

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، ح ۱۳.

۲. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، ح ۶ و ۱۶؛ «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۶، باب ۱۴، ح ۱۷ و باب ۱۶، حد ۶؛ «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۹؛ «الغیبة طوسی»، ص ۴۵۲، ح ۴۵۸.

و علی ذلك عدة قرائن، من هذه الأخبار نفسها، منها، ان الصيحة و النداء معاً نسبا إلى جبرئيل عليه السلام بشكل مستفيض، و منها: ان وقتها معا في ليلة الجمعة الثالث و العشرين من شهر رمضان. و انها: انما جميعاً تورث الاهتمام الكبير، يستيقظ النائم و يقوم القاعد و تخرج العذراء من خدرها، و منها: ان الصيحة و النداء من المحتوم، إلى غير ذلك مما لا يخفى على المتتبع؛ و برای این مطلب، قرینه‌هایی از خود این اخبار یافت می‌شود؛ از جمله، نسبت داده شدن نداء و صیحه به جبرئیل عليه السلام به صورت مستفیض و زمان صیحه و نداء که شب جمعه، بیست و سوم از ماه مبارک رمضان است و این که هر دو، باعث توجه همگان شده و افراد خواب را بیدار می‌کند، نشسته را می‌ایستاند و دختران باحیا را از پرده‌هایشان بیرون می‌آورد و همچنین حتمی بودن صیحه و نداء و مشترکات دیگری که بر اهل تحقیق، مخفی نیست.<sup>۱</sup>

البته، این نکته، قابل ذکر است که ندا یا صیحه آسمانی بر فرض یکی بودن مقصود از آن دو، آیا یک بار واقع می‌شود یا دو بار؟ و این بحث در بخش دوم، فصل اول، قسمت زمان ندای آسمانی مطرح می‌شود.

۱. «تاریخ ما بعد الظهور»، ص ۱۳۰.



## فصل دوم:

### علامات قیام حضرت مهدی علیه السلام

#### یکم. تعریف علامات قیام

در روایات نشانه‌های قیام، دو کلمه «علامة» و «علامات» استعمال شده است و «علامات»، جمع «علامة» است؛ مانند: «قبل قیام القائم خمس علامات محتومات<sup>۱</sup>» یا «علامة خروج المهدي»<sup>۲</sup>.  
در «لسان العرب» آمده است:

العلامة و العلم شیء ینصب فی الفلوات تهتدی به الضاله؛ علامت و علم، چیزی است که در بیابان‌ها نصب می‌شود تا گمشدگان، راهنمایی شوند.<sup>۳</sup>  
علامت یا نشانه، چنان که از نامش پیداست، کارکردی جز حکایت‌گری ندارد؛ مانند: سرفه زیاد که نشان از درد سینه است یا شنیده شدن صدای قطار که نشانه آمدن آن است. در مورد حضرت مهدی علیه السلام برای آمدنش، علامت‌هایی در احادیث اسلامی آمده است که نشان از فاصله ما تا قیام آن

۱. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، ح ۸

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۸۰، باب ۱۴، ح ۴۷؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۴۲، باب ۲۵، ح ۱۱۴.

۳. «لسان العرب»، ج ۱۲، ص ۴۱۹.

یگانه هستی است و ندای آسمانی، یکی از نشانه‌های حتمی آن است.

### دوم. تقسیم نشانه‌های قیام

در کتاب‌های مختلف، تقسیم‌هایی برای نشانه‌های قیام مطرح شده است که در این جا به طور خلاصه بیان می‌شود:

الف. نشانه‌های حتمی و غیر حتمی؛ توضیح آن در صفحات بعد خواهد آمد.

ب. نشانه‌های متصل و منفصل.

متصل. علامت‌هایی که نزدیک قیام حضرت مهدی علیه السلام واقع می‌شوند؛ به صورتی که فاصله زمانی میان آنها و قیام حضرت، مشخص است. مانند قتل نفس زکیه که پانزده شب با قیام، فاصله دارد. امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

ليس بين قيام القائم و بين قتل النفس الزكية إلا خمس عشرة ليلة؛ بين قيام قائم عليه السلام و قتل نفس زكية، فاصله‌ای نیست؛ مگر پانزده شب.<sup>۱</sup>

منفصل. نشانه‌هایی که فاصله زمانی آنها با قیام امام مهدی علیه السلام مشخص نیست و تحقق آنها باعث اطمینان قلبی مؤمنان و ایجاد روحیه امید در میان آنان می‌شود. مانند: اختلاف بنی عباس. هنگامی که آنان در اوج قدرت بودند و شیعیان زیر فشار آنها قرار داشتند؛ اهل بیت علیهم السلام از اختلاف و نابودی آنان سخن می‌گفتند و آن را جزء علامت‌های قیام

۱. «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۴۵، حد ۴۴۰؛ «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۴، باب ۵۷، حد ۲.

برمی‌شمردند.<sup>۱</sup> هم اکنون از زوال بنی عباس، صدها سال می‌گذرد.

ج. نشانه‌های عادی و غیر عادی.

عادی. نشانه‌هایی که واقع شدن آنها مانند پیدایش سایر پدیده‌ها، روال عادی و طبیعی دارد. مانند خروج سفیانی و قتل نفس زکیه.

غیر عادی. نشانه‌هایی که واقع شدن آنها از راه عادی و طبیعی، ممکن نیست و نیازمند معجزه هستند. مانند ندای آسمانی و خسف بیداء.

د. نشانه‌های آسمانی و زمینی.

آسمانی. برخی نشانه‌ها در آسمان پدید می‌آیند. مانند: خورشید و ماه گرفتگی در ماه رمضان یا ندای آسمانی.

زمینی. محل وقوع برخی علامت‌ها زمین است. مانند: خسف بیداء و قتل نفس زکیه.

در این میان، ندای آسمانی از نشانه‌های حتمی، متصل، غیر عادی و آسمانی شمرده می‌شود.

### سوم. آثار مطرح شدن نشانه‌های قیام

بخش زیادی از روایات مهدویت، مربوط به علامات قیام امام عصر علیه السلام است. این توجه پیشوایان معصوم علیهم السلام به نشانه‌های قیام برای چیست؟ برای روشن شدن این مطلب، آثار و پی‌آمدهای نشانه‌ها را توسط پیشوایان دین بررسی می‌کنیم.

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۸۸، باب ۱۴، ح ۶۷ «الکافی»، ج ۸، ص ۲۵۸، حد ۴۸۴.

## الف. امید بخشی

نقش حیاتی و شگفت‌انگیز امید در سعادت فرد و جامعه بر کسی پوشیده نیست. وقتی امید می‌آید، تلاش و حرکت، جای‌گزین رخوت و سستی می‌شود و در یک سخن، انسان با امید زنده است. نشانه‌های قیام، علامت‌های نزدیک شدن برپایی دولت کریمه اهل بیت علیهم‌السلام است. با پدیدار شدن هر یک از نشانه‌ها، نور امید در دل‌های مؤمنان، پر فروغ‌تر می‌شود و بر اثر آن، مقاومتشان در برابر سختی‌های دوران غیبت و حیرت، بیشتر و تلاششان برای آمادگی همراهی امامشان، فزون‌تر می‌گردد. در روایتی، علی بن یقطین از امام موسی کاظم علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود: «الشیعة تربی بالامانی منذ مائتی سنة»<sup>۱</sup> علامه مجلسی در توضیح این جمله می‌گوید: مراد از «تربی بالامانی» این است که آنان، وعده نزدیکی گشایش و قرب ظهور دولت حق را به شیعیان‌شان می‌دادند تا مأیوس نشوند و دینشان را رها نکنند.<sup>۲</sup>

در ذیل این روایت گفت‌وگوی علی بن یقطین با پدرش که از عامه بود، خواندنی است. یقطین به پسرش می‌گوید: چرا آن‌چه درباره ما گفتند، محقق شد، ولی آن‌چه درباره شما گفتند، پدیدار نشد؟ علی بن یقطین پاسخ می‌دهد. آن‌چه درباره ما و شما گفته شده، از یک جاست جز این‌که زمان حکومت شما، حالا است، پس مطابق آن‌چه به شما گفته‌اند، واقع شده است و هنوز زمان حکومت ما نرسیده است؛ پس آن را با آرزوها برایمان آراستند و اگر به ما گفته می‌شد این امر تا دویست یا سیصد سال دیگر اتفاق نمی‌افتد،

۱. «اصول کافی»، ج ۱، ص ۳۶۹، ح ۶ «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۳۴۱، حد ۲۹۲.

۲. «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۰۲، باب ۲۱، ذیل ح ۴.

دلها ناامید می‌شد و اکثر مردم از اسلام بر می‌گشتند؛ ولی گفتند؛ چه زود است و چه نزدیک است واقع شود تا دل‌ها آماده شود و چشم به انتظار گشایش بمانند. این روایت می‌رساند همان‌طور که طبق پیشگویی اهل بیت علیهم‌السلام، حکومت بنی عباس محقق شد، حکومت اهل بیت علیهم‌السلام هم حتماً واقع می‌شود؛ ولی چون بعد از زمانی طولانی اتفاق خواهد افتاد، اهل بیت علیهم‌السلام، آن را امری نزدیک جلوه می‌دادند تا دل‌ها به آن امیدوار باشند.

### ب. آماده شدن برای ظهور

با تحقق هر یک از نشانه‌های قیام حضرت مهدی علیه‌السلام، مؤمنان خود را برای آن روز بزرگ و یاری امامشان، آماده‌تر می‌کنند و کسانی که خود را مشغول به کارهای دیگری کرده‌اند، به خود می‌آیند تا گذشته خویش را جبران کنند و به بیان دیگر، آنان بر اثر پدیدار شدن هر یک از نشانه‌ها از جهت روحی، جسمی، فردی و اجتماعی، خود را برای شرکت در حکومت حضرت آماده می‌کنند. از طرف دیگر، بخشی از نشانه‌های قیام، چون سفیانی و یمانی از امور سیاسی اسلام به حساب می‌آیند که همگان به خصوص مسئولان باید به آنها توجه کنند و خطر آنها را به حداقل رسانده و به تقویت یاران و همفکران خود پردازند.

### ج. دلیلی بر حقانیت پیشوایان دین

با رخداد هر یک از نشانه‌ها، حقانیت سخن پیشوایان دین، بیشتر نمایان می‌شود و همچنین باعث اطمینان بیشتر به نشانه‌های به وقوع نپیوسته و تحقق اصل ظهور می‌شود.

### د. روشی برای شناخت و برنامه‌ریزی درست

نشانه‌های قیام مهدی آل محمد علیهم‌السلام، حوادث آینده بشر است. اهل بیت علیهم‌السلام با بیان آنها، آینده را پیش روی ما گذاشته‌اند تا در هنگام رخ دادن هر یک از آنها، برای مواجهه درست با آنان، برنامه‌ریزی مناسب را انجام دهیم.

### ه. روشی برای شناخت مدعیان دروغین

با شناخت نشانه‌های واقعی قیام، به سادگی، دروغ بودن ادعاهای کسانی که پیش از تحقق نشانه‌های حتمی، ادعای مهدویت دارند، روشن می‌شود. همان‌گونه که در توقیع آخر، دستور به تکذیب مشاهده حضرت مهدی علیه‌السلام قبل از ظهور سفیانی و ندای آسمانی داده شده است.

### و. جلوگیری از انحرافهای فکری

آدمی، همواره مشتاق شنیدن خبرهایی در مورد آینده است. با طرح این اخبار واقعی از روایات اسلامی، جلوی پخش اخبار کاهنان و غیب‌گویان شیاد گرفته می‌شود و انسان‌های باایمان، شناخت درستی از حوادث آینده پیدا می‌کنند.

### ز. احترام به حضرت مهدی علیه‌السلام و پیشوازی از آمدن او

آغاز هر کاری با مقدماتی صورت می‌گیرد. هر مقدار، آن کار، اهمیت بیشتری داشته باشد، مقدماتش گرانسنگ‌تر خواهد بود. پروردگار با عظمت برخی از نشانه‌های قیام، مانند باران‌های پیاپی و ندای آسمانی را، به پیشوازی نماینده خود و تشکیل دولت کریمه اهل بیت علیهم‌السلام می‌آورد.



### چهارم. نشانه‌های قیام و مشخص نبودن زمان ظهور

بر اساس برخی از احادیث مهدویت، ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه را نمی‌توان به زمان خاصی محدود کرد، بلکه در همه وقت، احتمال ظهور وجود دارد. بیان این روایات:

الف. روایاتی که به مؤمنان توصیه می‌کنند باید پیوسته در هر صبح و شام، منتظر گشایش باشند.

مثال: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

... توقعوا الفرج صباحاً و مساءً؛ هر صبح و شام، منتظر گشایش باشید.<sup>۱</sup>

ب. احادیثی که ظهور امام زمان عجل الله فرجه را ناگهانی و در زمانی که انتظار آن نمی‌رود، مطرح می‌کنند. مثال: امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام فرمود:

به پیامبر گرامی اسلام گفته شد: ای رسول خدا، قائم از ذریه شما چه وقت خروج می‌کند؟ رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: «مثلها مثل الساعة لا یجلیها لوقتها إلا هو... لا تأتیکم إلا بغتة؛ مثل زمان خروج قائم اهل بیت علیهم السلام، مانند زمان قیامت است که وقتش را جز خداوند نمی‌داند... و آن نمی‌آید مگر به صورت ناگهانی.<sup>۲</sup>

ج. روایاتی که بر اساس آنها، امر ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه در یک شب، اصلاح خواهد شد.

۱. «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۵۷، ح ۴۶۸؛ «الغیبة نعمانی»، ص ۱۶۵، باب ۱۰، حد ۱.

۲. «عیون اخبار الرضا»، ج ۲، ص ۲۶۶، باب ۶۶، ح ۳۵؛ «بحار الانوار»، ج ۵۱، ص ۱۵۴، باب ۸، حد ۴.

مثال: رسول خدا ﷺ فرمودند:

المهدی منا اهل البيت يصلح الله له امره في ليلة؛ مهدي از ما اهل بیت است و خداوند، امرش را در یک شب، درست می‌کند.<sup>۱</sup>

د. احادیثی که مشخص‌کنندگان زمان ظهور را تکذیب می‌کنند.

مثال: وقتی فضیل بن یسار از امام محمد باقر علیه السلام پرسید: آیا برای این امر (ظهور)، وقت مشخصی است؟

امام در پاسخ، سه بار فرمود: «کذب الوقاتون»<sup>۲</sup> و در حدیثی دیگر، امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

كذب الوقاتون و هلك المستعجلون و نجا المسلمون؛ تعیین‌کنندگان وقت دروغ گفتند و عجله‌کنندگان، هلاک شدند و تسلیم‌شدگان نجات یافتند.<sup>۳</sup>  
بر اساس این احادیث، نشانه‌های قیام قائم آل محمد علیهم السلام به دلیل تعیین کردن وقت و تدریجی بودن وقوعشان در امر ظهور حضرت مهدی علیه السلام نمی‌تواند جایگاهی داشته باشد؛ زیرا این امر با مشخص نبودن زمان ظهور و ناگهانی بودن و تکذیب مشخص‌کنندگان وقت برای ظهور، سازگار نیست.  
بیان چند فرض برای پاسخ:

فرض اول: مراد از تعیین وقت برای ظهور، مشخص کردن سال ظهور است، اما ماه و روز ظهور، مشخص باشد. اشکالی وارد نمی‌کند و در هیچ یک از علایم قیام، سال ظهور حضرت مهدی علیه السلام مشخص نشده است و

۱۱۳

۱. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۱، ص ۳۰۲، باب ۶ حد ۴: «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۸۰، باب ۲۶، حد ۷.

۲. «اصول کافی»، ج ۱، ص ۳۶۸، حد ۵: «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۲۵، حد ۴۱۱.

۳. «اصول کافی»، ج ۱، ص ۳۶۸، حد ۲: «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۲۶، حد ۴۱۳.

کسی نمی‌داند در چه سالی امر ظهور، رخ خواهد داد؛ به عبارت دیگر، علایم قیام به صورت دقیق و مشخص، وقتی را برای ظهور مشخص نمی‌کنند و مراد از توقیت، مشخص کردن وقت دقیق، مثلاً پنجاه سال دیگر است.<sup>۱</sup> این پاسخ، گرچه مشکل توقیت را نسبت به سال پاسخ می‌دهد، اما ناگهانی بودن امر ظهور را پاسخ نمی‌دهد.

فرض دوم: در برخی روایات، کلمه «فرج» آمده است که به معنی گشایش است و می‌تواند مقصود از آن، هر نوع گشایشی برای مؤمنان باشد و اختصاصی به امر ظهور ندارد.

این پاسخ، گرچه دسته‌ای از احادیث را توجیه می‌کند و جواب می‌دهد؛ ولی روایات دیگر، بی‌پاسخ می‌ماند.

فرض سوم: اصلاح امر حضرت مهدی علیه السلام در یک شب و ناگهانی بودن ظهور را می‌توان با نشانه‌های قیام جمع کرد و آن، این که علامت‌های متصل به قیام را جزئی از امر ظهور حضرت مهدی علیه السلام دانست؛ به عبارت دیگر، نشانه‌های متصل به قیام - که به فاصله اندکی از قیام حضرت روی می‌دهد - به غلط به عنوان نشانه‌های ظهور مطرح می‌شوند؛ در حالی که این نشانه‌ها، جزئی از فرایند ظهور است؛ نه نشانه‌هایی قبل از ظهور. برای مثال در روایت داریم: حضرت مهدی علیه السلام وقتی ندای آسمانی را می‌شنوند؛ خارج می‌شوند؛<sup>۲</sup> در حالی که زمان ندای آسمانی، بیست و سوم ماه مبارک رمضان گفته شده است و زمان قیام از کنار کعبه، روز دهم محرم.

۱. برگرفته از «تاریخ ما بعد الظهور»، ص ۲۲۰.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳ و ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد ۶.

یا در حدیثی آمده است، حضرت در مدینه به سر می‌برد که سفیانی با خبر می‌شود و سپاهی برای یافتن او می‌فرستد و امام مهدی علیه السلام به طرف مکه می‌رود و سپاه سفیانی به دنبال او می‌آید و در سرزمین بیداء به زمین فرو می‌روند و آن هنگام، قیام حضرت مهدی علیه السلام از کنار کعبه آغاز می‌شود.<sup>۱</sup> یعنی قبل از قیام حضرت مهدی، ایشان ظهور کرده است؛ به صورتی که دشمنان، از وجود او در مدینه، با خبر می‌شوند و سپاهی برای دستگیری او می‌فرستند.

در نتیجه می‌توان گفت: ظهور حضرت مهدی علیه السلام با اعلان نام مبارکشان آغاز می‌شود و ایشان، زمینه‌ها را برای قیام در روز دهم محرم آغاز می‌کند. و آن چه ناگهانی است، ظهور حضرت مهدی علیه السلام است و بعد از آن با فاصله اندکی، قیام آغاز می‌شود و نشانه‌ها میان این دو قرار دارند؛ یعنی نشانه‌های قیام، محسوب می‌شوند؛ نه نشانه‌های ظهور.

فرض چهارم: چشم به انتظار ظهور بودن در هر حال با واقع شدن آن در هر زمان ملازمت ندارد. چه بسا با پدیدار نشدن آن امر نیز سازگاری داشته باشد. برای مثال: کسی که می‌داند محبوبش سال دیگر می‌آید؛ ولی از هم اکنون، هر لحظه منتظر اوست و از تمام وجودش چشم به راهی، مشاهده می‌شود. برای همین می‌بینیم، امام جعفر صادق علیه السلام با این که می‌داند با ولادت حضرت مهدی علیه السلام سال‌ها فاصله دارد، اما این جمله‌های زیبا را در وصف ایشان، در حالی که اشک از چشمان مبارکشان سرازیر است، بیان

۱. «تفسیر العیاشی»، ج ۱، ص ۲۴۴؛ «الغیبة نعمانی»، ص ۲۸۸، باب ۱۴ حد ۶۷

می‌فرماید:

سیدی غیبتک نفت رقادی و ضیقت علی مهادی و ابتزت  
منی راحة فؤادی سیدی غیبتک اوصلت مصابی بفجائع  
الأبدو... ای آقای من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده و  
بسترم را بر من تنگ ساخته و آسایش قلبم را از من سلب  
کرده است. ای آقای من غیبت تو اندوه مرا به فجایع ابدی  
پیونده داده است و...<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد بهترین پاسخ، جواب سوم باشد که در آن، هم ناگهانی  
بودن ظهور و هم مشخص نبودن وقت ظهور به شکل مناسبی با علایم قیام  
حضرت مهدی علیه السلام جمع شده است.

برخی از نویسندگان، بهتر از دیگران این بحث را آورده‌اند.<sup>۲</sup>

### پنجم. نشانه‌های حتمی و بداء

با توجه به حتمی بودن ندای آسمانی، آیا احتمال دارد که ندای آسمانی،  
اتفاق نیفتد و به عبارت دیگر آیا می‌شود در نشانه‌های حتمی، بداء حاصل  
شود؟

در روایتی، داود بن قاسم جعفری می‌گوید: نزد ابو جعفر، امام جواد علیه السلام  
بودیم که از سفیانی و حتمی بودن امر او سخن به میان آمد، از ابو جعفر علیه السلام  
پرسیدم:

۱. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۳۵۲، باب ۳۳، حد ۵۱؛ «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۱۶۷، حد  
۱۲۹.

۲. «سفیانی از ظهور تا افول»، ص ۳۱.

هل يبدو لله في المحتوم؟ قال: نعم؛ آیا در امر محتوم؛ بداء حاصل می شود؟ فرمود: بلی. به آن حضرت گفتم: می ترسم در امر قائم عليه السلام نیز بداء حاصل شود؟! فرمود: ان القائم في الميعاد و الله لا يخلف الميعاد؛ آمدن قائم عليه السلام از وعده های الهی است و خداوند، خلف وعده نمی کند.<sup>۱</sup>

این حدیث، بداء را در امور حتمی جایز می شمرد و بر اساس این روایت، احتمال دارد ندای آسمانی، واقع نشود. قبل از پاسخ دادن به این سؤال، ابتدا چند واژه که به بحث مربوط است، را معنی می کنیم:

- نشانه غیر حتمی: به علامتی گویند که آمدنش متوقف بر فراهم شدن شرایط آن و نبودن مانع است. یعنی اگر شرایط فراهم باشد و مانعی نباشد، به وجود می آیند. در روایت از آن تعبیر به «موقوفه»<sup>۲</sup> شده است. یعنی نشانه ای که آمدنش، متوقف بر چیز دیگری است.

- نشانه حتمی: به علامتی گویند که آمدنش متوقف بر فراهم شدن شرطی یا نبود مانعی نباشد و به طور حتم و صد درصد واقع شود.

به همین دلیل می بینیم علامه مجلسی در توجیه روایت بالا می گوید: یحتمل أن يكون المراد بالبداء في المحتوم، البداء في خصوصياته لا في اصل وجوده كخروج السفیانی قبل ذهاب بنی العباس و نحو ذلك؛ احتمال دارد مراد از واقع شدن بداء

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۴۱۴، باب ۱۸، حد ۱۰.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۳۱۳، باب ۱۸، حد ۶.

در امور محتوم، بداء در خصوصیات آنها باشد؛ نه در اصل وجود آنها، مانند: خروج سفیانی، قبل از نابودی بنی عباس و مانند آن.<sup>۱</sup>

– بداء؛ معنای لغوی بداء، آشکار شدن است.

شیخ طوسی می گوید:

و اما البداء فحقیقته فی اللغة هو «الظهور» و لذلك یقال: «بدا لناسور المدینة» و «بدا لنا وجه الرأی» و قال الله تعالی «وَبَدَأْ لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا»<sup>۲</sup> «وَبَدَأْ لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا»<sup>۳</sup> و یراد بذلك كله «ظهر»؛ حقیقت بداء در لغت به معنی «ظهور» آمده است و برای همین گفته می شود: «بدا لناسور المدینة»، یعنی دیوارهای شهر برای ما آشکار شد. و «بدا لنا وجه الرأی»، یعنی برای ما مقصود نظر آشکار شد و کلام خدای متعال «و بدا لهم سیئات ما عملوا» و «و بدا لهم سیئات ما کسبوا» و در همه اینها، مراد از «بدا»، ظاهر و آشکار شدن است.<sup>۴</sup>

– اگر مراد از «بداء»، آشکار شدن بعد از جهل باشد، در مورد خداوند، درست نیست؛ زیرا خداوند به همه چیز و در همه زمان ها آگاه است، ولی اگر مراد از «بداء» را مانند معنای لغوی، ظهور رأی بدانیم، چه مسبوق به جهل باشد یا نباشد، می توانیم بداء را به خداوند اسناد دهیم. سید مرتضی

۱. «بخار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۵۱.

۲. جاثیه (۴۵): آیه ۳۳.

۳. زمر (۳۹): آیه ۴۸.

۴. «العنه»، ج ۲، ص ۴۹۵.



علم الهدی می گوید:

يمكن حمل ذلك على حقيقته بأن يقال «بدا له تعالى» بمعنى أنه ظهر له من الأمر ما لم يكن ظاهراً له؛ ممكن است کلمه «بدا» را در جمله «بدا له تعالى»، حمل بر معنای حقیقی آن کنیم، یعنی بگوئیم در خارج، ظاهر شد امری که سابقاً ظاهر نبود.<sup>۱</sup>

در نتیجه، مراد از بداء در نشانه‌های قیام، رخ دادن امری بر خلاف آنچه در احادیث مطرح شده است، می‌باشد یا این که اصلاً اتفاق نیفتد. اما پاسخ سؤال:

توجیه علامه مجلسی نمی‌تواند مناسب باشد؛ زیرا خلاف ظاهر روایت است؛ ولی می‌توان گفت:

اولاً. روایت از جهت سند به دلیل مجهول بودن «محمد بن احمد بن عبدالله الخالنجی»، ضعیف محسوب می‌شود.

ثانیاً. بر فرض اعتبار سند با احادیث دیگری که امور حتمی را تغییرناپذیر معرفی می‌کنند، منافات دارد.<sup>۲</sup>

ثالثاً. «غرض و منظور از قرار دادن نشانه‌ها، آن است که مردم به وسیله آنها، امام غایب خود را بشناسند و از هر کسی که به دروغ، ادعای امامت کند، پیروی نمایند؛ پس هر گاه، تمام نشانه‌ها تغییر کند و هیچ یک از آنها برای مردم آشکار نگردد، نقض غرض لازم می‌آید و این بر خداوند محال است».<sup>۳</sup>

۱. «العده»، ج ۲، ص ۴۹۶؛ «بداء از نظر شیعه»، ص ۳۶.

۲. «الغیبة نعمانی»، باب ۱۸، حد ۴ و ۶ و ۷؛ «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۴۹، حد ۴۵۲.

۳. «مکیال المکارم»، ج ۱، ص ۵۱۲.

رابعاً: می‌توان از روایات، سه نوع امر را استفاده کرد:

الف. اخباری که اگر شرایط حاصل شود و مانعی نباشد؛ حادث می‌شوند.  
ب. اخباری که تمام شرایطشان حاصل است و مانعی برای تحقق ندارند؛ مگر اراده و خواست الهی.

ج. اخباری که تمام شرایطشان آماده است و مانعی ندارند و خداوند در تغییر آنها دخالت نمی‌کند؛ گرچه قدرت بر این کار دارد، ولی با صفات ربوبی او نمی‌سازد. مانند ظلم کردن که خداوند قادر بر آن است، ولی از باری تعالی، محال است: «و لا یظلم ربک احداً»<sup>۱</sup>؛ چون منافی با عدل الهی است. همچنین وعده الهی که خداوند، خلف وعده نمی‌کند: «إن الله لا یخلف المیعاد»<sup>۲</sup>.

امور حتمی از نوع دوم است، یعنی شرایطشان حاصل و مانعی برای تحققشان وجود ندارد، ولی اراده و خواست الهی در تحقق آنها دخیل است.<sup>۳</sup> و پروردگار متعال به دلیل اثرهای مطلوب نشانه‌های حتمی قیام حضرت مهدی علیه السلام و اثرهای نامطلوب رخ ندادن آنها از تحققشان جلوگیری نمی‌کند.

### آیا ندای آسمانی از نشانه‌های حتمی است؟

پاسخ، مثبت است. در احادیث علامت‌های قیام حضرت مهدی علیه السلام، ندای آسمانی از حتمیات شمرده شده است و با عبارتهای مختلف بیان شده است.

۱. کهف (۱۸): آیه ۹۴.

۲. آل عمران (۳): آیه ۹؛ رعد (۱۳): آیه ۳۱.

۳. برگرفته از «دراسة فی علامات الظهور و الجزیره الخضراء»، ص ۶۰.

بیان عبارت‌های مختلف دال بر حتمی بودن ندای آسمانی:

۱. واژه «محتوم»: شش حدیث، حتمی بودن ندای آسمانی را بیان کرده‌اند. یک حدیث از امام محمد باقر علیه السلام با عبارت «نعم و النداء من المحتوم»<sup>۱</sup> و پنج روایت دیگر از امام جعفر صادق علیه السلام با عبارت‌های «النداء من المحتوم»<sup>۲</sup>، «من المحتوم الذی لا بد أن یکون من قبل قیام القائم»<sup>۳</sup>، «قبل قیام القائم خمس علامات محتومات»<sup>۴</sup>، این مطلب را ذکر نموده‌اند. از میان این شش حدیث، چهار روایت از جهت سند معتبر می‌باشند.
۲. ترکیب «نفی» و واژه «حتی»: چهار حدیث با این ترکیب، حتمی بودن ندای آسمانی را مطرح می‌کنند.

یک روایت از امام محمد باقر علیه السلام با عبارت «إنه لا یکون حتی ینادی مناد من السماء»<sup>۵</sup> و سه حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام با عبارت‌های «لا ینخرج القائم حتی ینادی باسمه»<sup>۶</sup>، «إن القائم لا یقوم حتی ینادی مناد من السماء»<sup>۷</sup> و «لا یکون هذا الامر الذی تمدون الیه أعناقکم حتی ینادی مناد من السماء»<sup>۸</sup>، این مطلب را می‌رسانند که از میان این چهار حدیث، روایت سوم،

۱. «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۱؛ «کشف الغمة»، ج ۲، ص ۴۵۹.

۲. «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۳۵، حد ۴۲۵؛ «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۱، باب ۱۴، حد ۱۱؛ «الکافی»، ج ۸، ص ۲۵۸، حد ۴۸۴.

۳. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۶.

۴. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، حد ۷؛ «الخصال»، ص ۳۰۳، باب ۵، ح ۸۲.

۵. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۵، باب ۱۴، حد ۱۴.

۶. «الغیبة نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد ۶.

۷. «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۱۷۷، حد ۱۳۴.

۸. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۵، باب ۱۴، حد ۳۴.

از جهت سند، معتبر است.

۳. واژه «لابد»، دو حدیث با این واژه، حتمی بودن ندای آسمانی را می‌رسانند.

یک حدیث از امام محمد باقر علیه السلام با عبارت «لابد من مناد ینادی باسم رجل»<sup>۱</sup> و روایت دیگر از امام جعفر صادق علیه السلام که عبارت آن در قسمت واژه «محتوم» مطرح شد، این مطلب را بیان می‌کنند. حدیث دوم از جهت سند، معتبر است. این احادیث، حتمی بودن اصل ندای آسمانی را می‌رسانند، ولی بیان‌کننده حتمی بودن خصوصیات ندای آسمانی نیستند. برابر مثال، این حتمی بودن را نمی‌توان به زمان مشخصی تسری داد. یعنی اگر زمان ندا، شب جمعه و بیست و سوم ماه رمضان معرفی می‌شود و ظهور حضرت مهدی علیه السلام در روز جمعه بیست و سوم ماه رمضان می‌باشد، این مطلب، حتمی نیست و احتمال «بداء» در آن می‌رود و می‌توان هر روز یا شب، منتظر ظهور حضرت مهدی علیه السلام بود. «توقعوا الفرج صباحاً و مساءً»<sup>۲</sup> ولی اصل ندا، حتماً واقع می‌شود.

### ششم. نمادین یا حقیقی بودن ندای آسمانی

تعدادی از نویسندگان، برخی نشانه‌های قیام حضرت مهدی علیه السلام را نمادین دانسته‌اند آیا می‌توان ندای آسمانی را نیز نمادین دانست یا نه؟

۱. «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۳۳، حد ۴۲۳.

۲. «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۵۷، حد ۴۶۸.

## بیان دو دیدگاه:

الف. علامات قیام، واقعی و غیر نمادین هستند و آنچه در روایات اسلامی، مطرح شده است، به همان صورت واقع می‌شوند.

ب. نشانه‌های قیام، نمادین هستند و مراد از آنها بیان مطالب در احادیث به صورت نمادین است؛ نه صریح مطالب طرح شده. مثال: برخی از بزرگان، مراد از «دجال» - که به عنوان نشانه‌ای از علایم آخرالزمان مطرح شده است - را نمادین دانسته‌اند. آیت الله مکارم شیرازی می‌نویسد:

بعید نیست دجال با آن صفاتی که گفته شد، اشاره به فریبکاران و رهبران مادی ستم‌گر در دنیای ماشینی باشد.<sup>۱</sup>

اما آیا در مورد ندای آسمانی، کسی ادعای نمادین و رمزی بودن آن را کرده است یا خیر؟

یکی از فرض‌هایی را که یک محقق در بیان مراد از «صیحه و فزعه»، مطرح می‌کند، این است که:

أن يكون المراد بالصيحة و الفزعة معان طبيعية غير اعجازية فالفزعة تعبير عن وجود رعب عام لسبب من الاسباب كتوقع حرب أو وباء مثلاً و يكون المراد بالصيحة صوت عظيم صادر من بعض القنابل أو الصواريخ أو من اختراق إحدى الطائرات حاجز الصوت أو انفجار بعض المستودعات... و نحو ذلك؛ این که مراد از صیحه و فزعه، معانی طبیعی غیر اعجازی است. در نتیجه، منظور از «فزعه»، وجود ترس

۱. «حکومت جهانی مهدی (عج)»، ص ۱۷۸.

فراگیری است که آن به سبب جنگ یا وبا حاصل می‌شود و مراد از «صیحه»، صدای بسیار بلندی است که از بعضی بمب‌ها یا موشک‌ها یا از شکستن دیوار صوتی به وسیله برخی هواپیماها یا انفجار بعضی از انبارها و مخازن صورت می‌گیرد... و مانند آن.<sup>۱</sup>

البته ایشان، این فرضیه را رد می‌کند و می‌گوید:  
 غیر أن الأطروحة بعيدة للغاية عن مداليل هذه الأخبار و  
 سياقها العام؛ این فرضیه، بعید است؛ به دلیل دور بودن از  
 مقصود اخبار (صیحه و فزعه) و سازگار نبودن با سیاق آنها.<sup>۲</sup>

نویسنده دیگر این مطلب را به صورت احتمال ذکر می‌کند و می‌گوید:  
 «احتمال دیگر، این است که مقصود از آن دو (صیحه و فزعه)، عذاب  
 دنیوی و جنگ‌هایی جهانی باشد که توسط بشر، قبل از ظهور حضرت  
 مهدی علیه السلام تحقق می‌یابد؛ مانند انفجارهای اتمی در سرتاسر عالم در یک  
 زمان؛ به این نحو که اصل این گونه انفجارها در اروپا و آمریکا و روسیه و  
 چین تحقق می‌یابد؛ به نحوی که همه را به جزع و فزع وا می‌دارد، ولی  
 مسلمین از آن در امانند و تنها صدایش به گوش آنان می‌رسد.»<sup>۳</sup>  
 ولی در پایان می‌گوید:

«با نظری به مجموع احادیث «صیحه و فزع و ندای آسمانی» پی  
 می‌بریم که تمام آنها به یک معنای مشترک اشاره دارند؛ گرچه با تعابیر

۱. «تاریخ ما بعد الظهور»، ص ۱۲۶.

۲. «تاریخ ما بعد الظهور»، ص ۱۲۶.

۳. «موعود شناسی و پاسخ به شبهات»، ص ۵۳۰.

مختلف آمده‌اند و بر این ادعا می‌توان شواهدی اقامه نمود: الف. صیحه و ندا، هر دو به جبرئیل نسبت داده شده است. ب. وقت هر دو در یک زمان، یعنی شب جمعه، بیست و سوم ماه رمضان معین شده است. ج. آثار این دو، یکسان بیان شده است.<sup>۱</sup>

و در مقاله‌ای نیز «ندای آسمانی»، نمادین معرفی شده است: در این نوشتار آمده است: «گرچه پدیدار شدن ندای آسمانی به گونه معجزه، مانعی ندارد، ولی تحقق آن به طور طبیعی هم امکان دارد و لزومی ندارد که آن را پیچیده و حمل بر معجزه کنیم. در عصر صدور این روایات، پیش‌بینی چنین حوادثی، فوق‌العاده عجیب و تحقق عادی آن غیر ممکن می‌نموده، ولی در جهان امروز، واقع شدن چنین پدیده‌ای امری بسیار طبیعی و عادی است. با استفاده از ماهواره و ابزارهای پیشرفته صوتی و تصویری فرستنده‌های قوی و مدرن تلویزیونی، رادیویی و وسایل و ابزار پیشرفته قوی که امکان دارد در آینده به کار گرفته شود، به آسانی و همزمان می‌توان فریاد حق را به گوش همه جهانیان رساند. بر این اساس، منظور از جبرئیل که در برخی روایات آمده، سخن‌گوی حق و مراد از شیطان، سخن‌گوی باطل است. امروز، استکبار جهانی با استفاده از همین ابزار در گمراهی مردم و ادامه سلطه خویش بهره می‌برد و سرسختانه، مردم را به حمایت از باطل دعوت می‌کند».<sup>۲</sup>

این احتمال در مورد «صیحه و فزعه» مطرح شده است؛ ولی با توجه به جنبه‌های مختلف احادیث «صیحه و ندای آسمانی» در می‌یابیم که گرچه

۱. «همان»، ص ۵۳۱

۲. بررسی نشانه‌های ظهور؛ «چشم به راه مهدی (عج)»، ص ۲۸۷.



ندای آسمانی، حالت عادی و طبیعی ندارد و معجزه ارتباطی محسوب می‌شود؛ چون همگان با زبان مادری، این ندا را به صورت یکسان می‌شنوند که جبرئیل امین علیه السلام، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را با نام و نسب معرفی می‌کند؛ ولی غیر عادی بودن آن دلیل بر این نیست که ما آن را نپذیریم؛ زیرا اولاً، صدای بامحتوا و خصوصیات مطرح شده و از جبرئیل امین علیه السلام بودن آن نمی‌تواند حاصل از انفجار یا صداهای مانند آن باشد. و ثانیاً، گرچه روش حجت‌های الهی در تبلیغ و اجرای دین به صورت عادی و طبیعی بوده است؛ ولی برای اثبات حقانیت خود از معجزاتی سود می‌برند و این معجزات در همه ادیان الهی مطرح و ثابت شده است.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز برای شناساندن خود به جهانیان و اثبات حقانیت خویش، نیازمند این معجزه ارتباطی است.

## فصل سوم: ندای آسمانی در قرآن کریم

برخی از آیات قرآن کریم به وسیله احادیثی از پیشوایان معصوم علیهم السلام بر ندای آسمانی تفسیر یا تطبیق داده شده‌اند. در این جا به برخی از این آیات می‌پردازیم:

### آیه اول:

«إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»<sup>۱</sup>

ترجمه: اگر بخواهیم، از آسمان بر آنان آیه‌ای نازل می‌کنیم تا گردن‌هایشان در برابر آن فروتن شود.

### تفسیر اجمالی آیه

این آیه، خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «لعلک باخع نفسک ألا یکنون مؤمنین»؛ چه بسا تو جانت را می‌فرسایم که چرا (مشرکان) ایمان نمی‌آورند. ابوالفتوح رازی می‌گوید:

---

۱. شعراء (۲۶): آیه ۴.

سبب نزول آیت آن بود که رسول ﷺ، اهل مکه را دعوت کرد و ایشان ایمان نمی آوردند، رسول، دل تنگ شد و اثر رنج او پیدا می شد. خدای تعالی گفت: خویشتن را هلاک خواهی کردن؛ برای آن که ایشان ایمان نمی آورند.<sup>۱</sup>

در ادامه آیه می فرماید: اگر خداوند بخواهد می تواند همه مشرکان را وادار به ایمان اجباری کند.

### جایگاه آیه در بحث مهدویت

در میان احادیث ائمه علیهم السلام، نه روایت، مراد از آیه را «صیحه» یا «ندای آسمانی»<sup>۲</sup> و دو حدیث، مراد از آن را «فزع» می دانند<sup>۳</sup> و یک روایت از ابن عباس، مراد از این آیه را برپایی دولت اهل بیت علیهم السلام و سرنگونی دولت بنی امیه می داند<sup>۴</sup> و روایتی از امام محمد باقر علیهما السلام، مراد از آیه را رکود خورشید از هنگام زوال تا عصر دانسته است.<sup>۵</sup>

در میان احادیثی که مراد از «آیه» را صیحه یا ندای آسمانی بیان می کنند، پنج روایت با سند صحیح وجود دارد که در این جا به بیان دو حدیث از این روایات می پردازیم.

حدیث اول؛ روایت حسن بن زیاد صیقل از امام جعفر صادق علیهما السلام:

۱. «روض الجنان و روح الجنان»، ج ۱۴، ص ۳۰۲.

۲. «تفسیر القمی»، ج ۲، ص ۱۱۸؛ «الکافی»، ج ۸، ص ۲۵۸، حد ۴۸۳؛ «الغیبة نعمانی»، باب ۱۴، حد ۱۹

و ۲۰ و ۲۳؛ «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۱۷۷، حد ۱۳۴؛ «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۶۰، باب ۳۵،

حد ۵؛ «البرهان فی تفسیر القرآن»، ج ۳، ص ۱۸۱، حد ۱۲؛ «تأویل الآيات الظاهرة»، ج ۱، ص ۳۸۶، حد ۲.

۳. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۰، باب ۱۴، حد ۸؛ «تأویل الآيات الظاهرة»، ج ۱، ص ۳۸۴.

۴. «شواهد التنزیل»، ج ۱، ص ۵۴۰.

۵. «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۳.

إن القائم لا يقوم حتى ينادى مناد من السماء، تسمع الفتاة في خدرها و يسمع اهل المشرق و المغرب و فيه نزلت هذه الآية «إن نشأ نزل عليهم من السماء آية فظلت اعناقهم لها خاضعين»<sup>۱</sup>؛ فرمود: همانا قائم عليه السلام قیام نمی کند؛ مگر این که منادی از آسمان ندا می دهد، دختران پرده نشین و اهل مشرق و مغرب، آن را می شنوند و در مورد آن، این آیه ان نشأ... نازل شده است.

حدیث دوم؛ روایت عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق عليه السلام؛ قال: كنت عند أبي عبدالله عليه السلام، فسمعت رجلاً من همدان يقول له: إن هؤلاء العامة يعيروننا و يقولون لنا، انكم تزعمون أن منادياً ينادى من السماء باسم صاحب هذا الامر و كان متكئاً فغضب و جلس ثم قال: لا ترووه عنى و ارووه عن ابي و لا حرج عليكم في ذلك، اشهد أنى قد سمعت ابي عليه السلام يقول: والله إن ذلك في كتاب الله عزوجل لبين حيث يقول: «إن نشأ نزل عليهم من السماء آية فظلت اعناقهم لها خاضعين» فلا يبقى في الارض يومئذ أحد إلا خضع و ذلت رقبتة لها...<sup>۲</sup>؛ عبدالله بن سنان می گوید: نزد امام جعفر صادق عليه السلام بودم، شنیدم مردی از همدان به حضرت می گوید: همانا آنان، یعنی عامه، ما را مسخره می کنند و به ما می گویند: شما گمان می کنید منادی از آسمان به اسم صاحب این امر ندا می دهد؟!

۱. «الغيبة شيخ طوسي»، ص ۱۷۷، حد ۱۳۴.

۲. «الغيبة نعماني»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹.

عبدالله بن سنان می گوید: امام در حالی که تکیه داده بود، ناراحت شد و صاف نشست، سپس فرمود: از من روایت نکنید و از پدرم روایت کنید و این مطلب برای شما اشکالی ندارد. شهادت می دهم همانا من از پدرم شنیدم که می فرمود: به خدا قسم، این مطلب در کتاب خدای عزوجل، واضح است. سپس آیه را تلاوت فرمود، و فرمود: پس در آن وقت، کسی در زمین نمی ماند؛ مگر این که گردنش در مقابل آن خاضع و فروتن می شود.

هر دو روایت از جهت سند، معتبر هستند و تمامی راویان آنها توثیق شده اند. و مصداق آیه را ندای آسمانی معرفی می کنند.

### دیدگاه مفسران

تفسیر آیه با آنچه در این روایات مطرح شده است، مناسبت ندارد؛ به همین دلیل، مفسران در پی پاسخ این اشکال بر آمده اند. علامه طباطبایی در مورد این روایات می گوید:

فی تفسیر القمی فی قوله تعالی «ان نشأ نزل علیهم...» حدثنی ابی عن ابن ابی عمیر، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: تخضع رقابهم یعنی بنی امیه و هی الصیحة من السماء باسم صاحب الأمر، أقول؛ و هذا المعنی رواه اللکینی فی روضة الکافی و الصدوق فی کمال الدین و المفید فی الارشاد و الشیخ فی الغیبة و الظاهر أنه من قبیل الجری دون التفسیر لعدم مساعدة سیاق الآیة علیه؛ در تفسیر قمی ذیل آیه «ان نشأ نزل...» می گوید: پدرم از ابن ابی عمیر از امام جعفر صادق علیه السلام

روایت کرد که فرمود: گردن‌هایشان - یعنی بنی امیه - با اعلان صبحه آسمانی به نام صاحب الامر علیه السلام نرم و خاضع می‌شود. می‌گویم این معنا را کلینی در *روضه کافی* و صدوق در *کمال الدین* و مفید در *ارشاد* و شیخ در *الغیبه* روایت کرده‌اند و ظاهر این روایات، از باب جری و تطبیق است؛ نه از باب تفسیر؛ چون سیاق آیه با تفسیر بودن آن نمی‌سازد.<sup>۱</sup>

- این حدیث در تفسیر قمی از ابن ابی عمیر از هشام از امام صادق علیه السلام نقل شده است.<sup>۲</sup>

آیت الله مکارم شیرازی در این مورد می‌نویسد:  
روشن است که منظور از این روایات، بیان مصداقی از مفهوم وسیع آیه است که سرانجام به هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام رهبر حکومت جهانی، تمام حکومت‌های ظلم و جور - که خط بنی امیه را ادامه می‌دهند - به حکم اجبار در برابر قدرت مهدی و حمایت‌های الهی او سر تسلیم فرود می‌آورند.<sup>۳</sup>

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مشاهده شد که اهل تفسیر، «ندای آسمانی» را از باب جری و تطبیق و بیان مصداقی از مفهوم وسیع آیه دانسته‌اند، یعنی مفهوم آیه، این است که: خداوند هر وقت بخواهد معجزه‌ای از آسمان می‌فرستد تا گردن‌ها در برابر

۱. «المیزان فی تفسیر القرآن»، ج ۱۵، ص ۲۵۴.

۲. «تفسیر القمی»، ج ۲، ص ۱۱۸.

۳. «تفسیر نمونه»، ج ۱۵، ص ۱۸۸.

آن فرو افتد و تسلیم امر خدا شوند. اتفاقاً «ندای آسمانی»، این ویژگی‌ها را داراست. یعنی اولاً، از طرف خداوند است و ثانیاً، حالت اعجاز دارد و ثالثاً، باعث کرنش و پذیرش ابتدایی همگان می‌شود. در روایت آمده است: «فلا یبقی فی الأرض یومئذ أحد إلا خضع و ذلت رقبتہ لہا»؛ بر روی زمین در آن روز کسی باقی نمی‌ماند؛ مگر این‌که در برابر این معجزه آسمانی، گردنش افتاده و تسلیم می‌شود. اما این یک مصداق خارجی است از مفهوم وسیع آیه ۴ سوره شعراء که در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام اتفاق می‌افتد و بنابر کثرت روایات در مورد آن شاید بتوان گفت مهم‌ترین مصداق آیه است.

#### پاسخ به یک سؤال:

خداوند، کسی را از روی اجبار دعوت به پذیرش ایمان نمی‌کند. شیخ طوسی می‌گوید:

لکن ذلک نقیض الغرض بالتکلیف لأنه تعالی لو فعل ذلک  
لما استحقوا ثواباً و لامدحاً؛ ایمان اجباری، مقصود از تکلیف  
را نقض می‌کند؛ زیرا خدای تعالی اگر این کار را بکند، دیگر  
مستحق ثواب و مدح نخواهد بود.<sup>۱</sup>

به همین دلیل، وی انجام این کار را از خداوند نفی می‌کند.  
اما وقتی در آیات قرآن می‌نگریم، در مورد بنی اسرائیل می‌خوانیم:

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹.

۲. «التبیان فی تفسیر القرآن»، ج ۸، ص ۵.



وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ وقتی که کوه (طور) را بر سر آنان برافراشتیم، گویی سایبانی بود و گمان بردند که بر آنان فرو خواهد افتاد (و گفتیم) آنچه به شما داده‌ایم با قوت بگیرید و آنچه در آن هست، به خاطر بسپارید؛ شاید که تقوا، پیشه کنید.<sup>۱</sup>

در نتیجه، خداوند، بنی اسرائیل را مجبور به ایمان و پذیرش دستورات تورات می‌کند؛ وقتی آنان به دلیل سختی شریعت از پذیرفتن آن سرباز می‌زدند.

شیخ طوسی می‌گوید:

و كان سبب رفع الجبل عليهم ان موسى عليه السلام لما أتاهم بالتوراة و وقفوا على ما فيها من الأحكام و الحدود و التشديد في العبادة أبوا أن يقبلوا ذلك و ان يتمسكوا به و ان يعملوا بما فيه و قالوا: إن ذلك يغلظ علينا، فرفع الله الجبل كالظلة عليهم و عرفهم موسى انهم إن لم يقبلوا التوراة و لم يعملوا بما فيها وقع عليهم فأخذوا بالتوراة و قبلوا ما فيها و صرف الله نزول الجبل عليهم؛ دليل قرار گرفتن کوه بر آنان این بود که وقتی حضرت موسی عليه السلام تورات را برایشان آورد و از احکام و حدود آن آگاه شدند و سختی عبادت و پذیرش آن را فهمیدند، از پذیرفتن آن امتناع ورزیدند و گفتند: این کار بر ما

سخت و سنگین است. پس خداوند، کوه را مانند سایبانی بر روی آنان افراشت و حضرت موسی علیه السلام به آنان فهماند که اگر تورات را نپذیرید و به دستورهای مطرح شده در آن عمل نکنید، کوه بر شما فرود می‌آید. به همین دلیل، آنان، تورات را پذیرفتند و خداوند، فرود آمدن کوه را از آنان بازداشت.<sup>۱</sup>

مشاهده می‌شود که شیخ، طوسی ایمان اجباری نسبت به بنی اسرائیل را می‌آورد و هیچ اعتراضی نسبت به بی‌ارزش بودن آن یا توجیهی برای آن نمی‌آورد. در آیه مورد بحث، انجام ندادن معجزه‌ای از پروردگار برای خضوع گردن‌ها استفاده نمی‌شود و در این آیه آمده است: «إِنْ نَشَأْ»؛ اگر بخواهیم، یعنی به مشیت و خواست پروردگار بستگی دارد. پس احتمال دارد همان‌طور که خداوند نسبت به بنی اسرائیل، این کار را انجام داد نسبت به این امت نیز انجام دهد، یعنی معجزه‌ای از آسمان فرو فرستد و همگان را در برابر آن تسلیم و خاضع کند.

در تفسیر نمونه، این سؤال مطرح شده که آیا ایمان آوردن در این حال (کوه طور بالای سر) جنبه اجباری ندارد؟ و پاسخ می‌دهد: «شک نیست که در آن حال، یک نوع اضطرار بر آنان حکومت می‌کرده، ولی مسلماً بعداً که خطر بر طرف شد، راه را با اختیار خود می‌توانستند انتخاب کنند.»<sup>۲</sup> و این مطلب در مورد ندای آسمانی نیز صادق است؛ یعنی گرچه ندا باعث کرنش ابتدایی همگان می‌شود؛ ولی بعداً هر شخصی راه خود را انتخاب می‌کند.

۱. «التبیان فی تفسیر القرآن»، ج ۵، ص ۲۵.

۲. «تفسیر نمونه»، ج ۶، ص ۲۳۸.

## آیه دوم:

«وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ»<sup>۱</sup>

ترجمه: و اگر آیه‌ای - معجزه‌ای - ببینند، روی بگردانند و گویند جادویی پایدار است.

## تفسیر اجمالی آیه

این آیه در مورد «شق القمر» است که پیامبر گرامی اسلام به اذن پروردگار، ماه را دو پاره کرد - و از این معجزه در این آیه یاد شده است که خداوند خطاب به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید مشرکان وقتی معجزه می‌بینند، به جای ایمان آوردن به پیامبری تو، روی برمی‌گردانند و می‌گویند: این سحری مستمر است.

تعبیر «مستمر»، اشاره به معجزات مکرری است که از پیامبر گرامی اسلام دیده بودند که شق القمر در ادامه آنها بود و آنان، همه را بر تداوم سحر حمل می‌کردند و از پذیرش حق، سر باز می‌زدند.<sup>۲</sup>

## جایگاه آیه در بحث مهدویت

دو حدیث، این آیه را به مباحث مهدویت ربط داده است.<sup>۳</sup> گرچه این دو روایت از دو راوی متفاوت، یعنی عبدالله بن سنان و عبدالصمد بن بشیر از

۱. قمر (۵۴): آیه ۲.

۲. برگرفته از «التبیان فی تفسیر القرآن»، ج ۹، ص ۴۴۳؛ «البرهان فی تفسیر القرآن»، ج ۵، ص ۲۱۴، حد ۱۰۲۶۱.

۳. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹ و ص ۲۶۹، حد ۲۰؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۲، باب ۲۶،

حد ۴۰.

امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده‌اند؛ ولی به دلیل شباهت در محتوا، یک روایت با دو نقل متفاوت محسوب می‌شوند و یکی از این نقل‌ها؛ یعنی سندی که به عبدالله بن سنان ختم می‌شود، معتبر است.

عبدالله بن سنان می‌گوید: نزد امام جعفر صادق علیه السلام بودم که مردی از همدان گفت: عامه، ما را سرزنش می‌کنند و می‌گویند: (قسمت اول حدیث در صفحات قبلی گذشت)... امام در ادامه فرمود:

فاذا كان من الغد صعد ابليس في الهواء حتى يتواري عن اهل الأرض، ثم ينادي «ألا إن الحق في عثمان بن عفان و شيعته فإنه قتل مظلوماً فاطلبوا بدمه» قال: فيثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت على الحق و هو النداء الأول و يرتاب يومئذ الذين في قلوبهم مرض و المرض و الله عداوتنا فعند ذلك يتبرؤون منا و يتناولونا فيقولون، إن المنادي الأول سحر من سحر اهل هذا البيت، ثم تلا ابو عبدالله عليه السلام قول الله عزوجل «و إن يروا آية يعرضوا و يقولوا سحر مستمر؛ فردای آن روز، ابلیس در آسمان بالا می‌رود تا این‌که از اهل زمین ناپدید می‌شود، سپس ندا می‌دهد: «همانا حق با عثمان بن عفان و شیعه اوست، همانا او مظلوم کشته شد؛ انتقام خونش را بگیرید». سپس فرمود: خداوند، اهل ایمان را به قول ثابت و حق، ثابت قدم می‌دارد و آن ندای اول است و کسانی که در دل‌هایشان مرض است، در آن وقت شک می‌کنند و آن بیماری، به خدا قسم، دشمنی با ماست و در آن هنگام از ما بیزار می‌جویند و می‌گویند منادی اول، سحری از سحر اهل

بیت (علیهم السلام) است، سپس امام صادق علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود: «و إن یروا آیه یعرضوا و یقولوا سحر مستمر»<sup>۱</sup>.

### جمع بندی و نتیجه گیری

امام صادق علیه السلام در این روایت، سخن تردیدکنندگان در ندای آسمانی را تشبیه به تردیدکنندگان در معجزه پیامبر گرامی اسلام و شق القمر کرده است. به عبارت دیگر، آیات قرآن کریم، فقط برای مورد شأن نزول و زمان پیامبر گرامی اسلام نیست، بلکه طبق روایات پیشوایان دین در تمامی زمان ها جاری است.<sup>۲</sup> بنابراین، انکار معجزه آسمانی ندای آسمانی توسط معاندان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام در آستانه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می تواند یکی از مصادیق این آیه شریفه باشد. به عبارت دیگر، مفهوم آیه، انکار معجزه آسمانی و سحر دانستن آن بود و یکی از مصادیق آیه نیز در آستانه ظهور روی می دهد و پیروان باطل، ندای آسمانی را انکار کرده و آن را سحر می نامند. و بدین وسیله از پذیرش آن سر باز می زنند.

### آیه سوم:

«فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ (۸) فَذَلِكَ يَوْمٌ مِّنْ يَّوْمٍ عَسِيرٍ (۹) عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ

يَسِيرٍ (۱۰)»<sup>۳</sup>

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹؛ «البرهان»، ج ۵، ص ۲۱۷، حد ۱۰۲۶۷.

۲. «عیون اخبار الرضا علیه السلام»، ج ۲، ص ۸۷، باب ۲۲، حد ۳۲.

۳. مدثر (۷۴): آیات ۸ و ۹ و ۱۰.

ترجمه: و هنگامی که در شیپور دمیده می‌شود. و آن روز، روز سختی است که برای کافران، آسان نیست.

### تفسیر اجمالی آیه

ناقور از ماده «نقر» است. راغب می‌نویسد: «النقر قرع الشيء المفصی إلى النقب»؛<sup>۱</sup> نقر، کوبیدن چیزی است که باعث سوراخ شدن آن شود و می‌گوید منقار، آن است که با آن می‌کوبند؛ مانند منقار پرنده. و به شیپور از آن جهت که صدای آن، گوش انسان را سوراخ می‌کند و صدایش بر گوش، کوبیده می‌شود، «ناقور» گفته می‌شود.

از آیات قرآن فهمیده می‌شود که در پایان دنیا و آغاز رستاخیز، دوبار در صور دمیده می‌شود، یعنی دو صدای فوق العاده وحشت‌انگیز و تکان‌دهنده که اولی، صدای مرگ و دومی، صدای بیداری و حیات است که سراسر جهان را فرا می‌گیرد و از آن به نفخه صور اول و نفخه صور دوم تعبیر می‌شود و آیه مورد بحث به نفخه دوم اشاره دارد که رستاخیز با آن بر پا می‌شود و روز سخت و سنگینی برای کافران است.<sup>۲</sup>

### جایگاه آیه در بحث مهدویت

در روایتی از جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر علیه السلام می‌خوانیم:

قال: قوله عزوجل: «فاذا نقر فی الناقور»، قال: الناقور هو النداء من السماء، ألا إن ولیکم فلان بن فلان القائم بالحق ینادی به جبرئیل فی ثلاث ساعات من

۱. «المفردات فی غریب القرآن»، ص ۵۰۳، ماده نقر.

۲. برگرفته از «تفسیر نمونه»، ج ۲۵، ص ۲۱۸.

ذَٰلِكَ الْيَوْمِ. «فذلک یومئذ یوم عسیر علی الکافرین غیر یسیر» یعنی بالکافرین المرجئة الذین کفروا بنعمة الله و بولاية علی بن ابی طالب علیه السلام؛ فرمود: کلام خدای عزوجل: «فاذا نقر فی الناقور»، مراد از ناقور، ندای آسمانی است که آگاه باشید همانا مولای شما، فلانی، فرزند فلانی، قائم به حق است. جبرئیل امین در سه وقت از آن روز، این ندا را می‌دهد و مراد از «فذلک یومئذ...»؛ یعنی کافران مرجئه‌ای که نعمت خدا و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام را نمی‌پذیرند.<sup>۱</sup>

روایت از جهت سند، مرسل است و ضعیف محسوب می‌شود و از جهت دلالت، مراد از «ناقور» را ندای آسمانی معرفی می‌کند که جبرئیل امین علیه السلام به نام حضرت مهدی علیه السلام سه بار از آسمان ندا می‌دهد. و این مطلب نیز با روایات ندای آسمانی سازگار نیست.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان شد، مراد از دمیده شدن در «ناقور»، نفخه صور دوم است و مراد از آن، در این حدیث، ندای آسمانی است. شاید بتوان ندای آسمانی را از جهاتی به نفخه صور تشبیه کرد و آن این‌که ندا به وسیله یکی از فرشتگان بزرگ الهی داده می‌شود که خبر از آمدن موعود جهانی می‌دهد و آن، روز سختی برای کافران و دشمنان اهل بیت علیهم السلام است؛ زیرا آمدن حضرت مهدی علیه السلام یعنی زوال حکومت باطل آنان. همچنین صور، به وسیله یکی از فرشتگان بزرگ الهی دمیده می‌شود و آن روز، روز سختی برای

۱. «تأویل الآیات الظاهرة»، ج ۲، ص ۷۳۲؛ «البرهان فی تفسیر القرآن»، ج ۵، ص ۵۲۵، حد ۱۱۱۹۹.



کافران و دشمنان اهل بیت علیهم السلام است؛ چرا که در سرای محشر به حساب آنان رسیدگی می‌شود و آنها روانه دوزخ می‌شوند.

در احادیث دیگری، قیام حضرت مهدی علیه السلام و اذن خداوند به ایشان در امر قیام، مصداقی از دمیده شدن در ناقور دانسته شده است.<sup>۱</sup>

می‌توان این امور را به دلیل تأثیرات مشترکی که بر جای می‌گذارند، به دمیدن در صور تشبیه کرد. یا این که معنای آیه را عام گرفت و ندای آسمانی و این موارد را جزو مصادیق آن دانست و البته، مصداق کامل‌تر آن، دمیده شدن در صور است. به هر حال، این سخن با مضمون احادیث مطرح شده، سازگارتر است.

### آیه چهارم:

«وَأَسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ (۴۱) يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ (۴۲)»<sup>۲</sup>

ترجمه: و گوش فرا ده، روزی که ندا دهنده از مکانی نزدیک، ندا می‌دهد. روزی که بانگ را به حق می‌شنوند، آن، روز بیرون آمدن است.

### تفسیر اجمالی آیه

این آیات که آخرین آیات سوره «ق» محسوب می‌شوند، همانند سایر آیات این سوره بر مسئله معاد و رستاخیز مردگان دلالت دارد. گرچه مخاطب در «استمع»، شخص پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ ولی مسلماً مقصود، همه انسان‌ها

۱. «البرهان فی تفسیر القرآن»، ج ۵، ص ۵۲۴، حد ۱۱۱۹۶ و ۱۱۱۹۸؛ «ینایع المودة»، ص ۵۱۵، باب ۷۱.

۲. ق (۵۰): آیات ۴۱ و ۴۲.

هستند. ندادهنده، همان «اسرافیل علیه السلام» است که در صور می دمدم. تعبیر به مکان قریب نیز اشاره به این مطلب است که صدا، آن چنان در فضا پخش می شود که گویی بیخ گوش همه دمیده می شود و همه، آن را یکسان می شنوند. مراد از «صیحه»، به قرینه «ذلک یوم الخروج»، نفخه صور دوم است؛ یعنی صدایی که مردگان با آن بر می خیزند و محشر برپا می شود.<sup>۱</sup>

### جایگاه آیه در بحث مهدویت

در حدیثی که به صورت مرسل از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده، آمده است: قال: ینادی المنادی باسم القائم و اسم ابیه علیهما السلام و الصیحة فی هذه الآیة صیحة من السماء و ذلک یوم خروج القائم علیه السلام؛ فرمود: منادی به اسم قائم علیه السلام و نام پدرش علیه السلام ندا می دهد و صیحه در این آیه، همان صیحه از آسمان است و آن، روز خروج قائم علیه السلام است.<sup>۲</sup>

در تفسیر قمی نیز آمده است:

قوله «و استمع یوم یناد المناد من مکان قریب» قال: ینادی المناد باسم القائم علیه السلام و اسم ابیه علیه السلام، قوله «یوم یسمعون الصیحة بالحق ذلک یوم الخروج» قال صیحة القائم من السماء، «ذلک یوم الخروج»، قال: هی الرجعة؛ مراد از کلام خدای متعال «و استمع یوم...»، منادی است که به اسم قائم و اسم پدرش ندا می دهد و مراد از «یوم یسمعون الصیحة...»،

۱. برگرفته از «روض الجنان و روح الجنان»، ج ۱۸، ص ۸۱ و «تفسیر نمونه»، ج ۲۲، ص ۲۹۶.

۲. «ینابیع المودة»، ص ۵۱۴، باب ۷۱.

صیحه قائم علیه السلام از آسمان است و مراد از «ذلک یوم الخروج»، رجعت است.<sup>۱</sup>

در حدیث دیگری از امام جعفر صادق علیه السلام، مراد از «یوم الخروج»، رجعت بیان شده است.<sup>۲</sup>

بررسی سندی و دلالتی: روایت اول که به صورت مرسل نقل شده و ضعیف است و روایت دوم از علی بن ابراهیم نقل شده و به معصوم نسبت داده نشده است. در حدیث اول، مراد از «یناد مناد» را ندای آسمانی به اسم حضرت مهدی علیه السلام و مراد از «صیحه» را صیحه آسمانی و «یوم الخروج» را خروج ایشان گرفته است. در روایت دوم نیز همین نکات وجود دارد؛ با این تفاوت که مراد از «صیحه»، صیحه قائم علیه السلام از آسمان، معرفی می‌شود و مراد از «یوم الخروج»، رجعت معرفی می‌شود.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

می‌توان از باب تشبیه، ندای آسمانی را شبیه نفخه صور دوم دانست که در آیه قبلی، وجه آن بیان شد. یا این که مراد از «یناد المناد» و «الصیحه» را معنای عامی گرفت که یکی از مصادیق آن، ندای آسمانی و مصداق دیگر آن، هنگام رجعت و مصداق بارزتر و کامل‌تر آن دمیده شدن در صور و زنده شدن مردگان باشد؛ زیرا دوران برپایی حکومت عدل جهانی، نمونه کوچکی از قیامت است که مؤمنان از نعمت‌های آن بهره‌مند می‌شوند و کافران به

۱. «تفسیر القمی»، ج ۲، ص ۳۲۶.

۲. «تفسیر القمی»، ج ۲، ص ۳۲۷.

سزای اعمالشان می‌رسند و زمین و اهل آن حیات دوباره می‌گیرند؛ همان‌طور که در دوران رجعت - هر چند به صورت محدود - مردگان از قبر خارج، و مؤمنان، بهره‌مند و کافران، عقوبت می‌شوند.

### آیه پنجم:

«أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ»<sup>۱</sup>

ترجمه: فرمان خداوند رسید، به شتابش نخواهید، او منزّه و برتر است از هر چه شریکش قرار می‌دهند.

### تفسیر اجمالی

بخش مهمی از آیات آغازین سوره نحل در مکه نازل شده است، یعنی در همان ایامی که پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با مشرکان و بت پرستان، درگیری شدیدی داشت. از جمله، این که هرگاه آن حضرت، آنان را به عذاب الهی انداز می‌کرد، آنان می‌گفتند «أنتنا بعذاب الله»؛ اگر راست می‌گویی، عذاب خداوند را بیاور. این آیه در پاسخ آنان آمده است که عجله نکنید؛ فرمان خداوند برای مجازات مشرکان و بت پرستان فرا خواهد رسید.<sup>۲</sup>

### جایگاه آیه در بحث مهدویت

در روایت معتبری راجع به این آیه، محتوای ندای جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام، بعد از بیعت او با حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام عنوان شده است. ابان بن تغلب از امام جعفر

۱. نحل (۱۶): آیه ۱.

۲. برگرفته از «التبیین فی تفسیر القرآن»، ج ۶، ص ۳۵۷؛ «تفسیر نمونه»، ج ۱۱، ص ۱۵۱.

صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود:

اول من یبایع القائم علیه السلام جبرئیل، یُنزل فی صورة طیر ایض فیبایعه، ثم یضع رجلاً علی بیت الله الحرام و رجلاً علی بیت المقدس ثم ینادی بصوت طلق تسمعه الخلائق «أتی امر الله فلا تستعجلوه»؛ اولین کسی که با قائم علیه السلام بیعت می کند، جبرئیل علیه السلام است که به صورت پرنده سفیدی نازل می شود و بیعت می کند، سپس یک پا بر روی بیت الله الحرام و پای دیگر بر روی بیت المقدس می گذارد و با صدای بلندی که همه آفریدگان می شنوند، ندا می دهد: «أتی امر الله فلا تستعجلوه»<sup>۱</sup>.

در روایت دیگری، امام جعفر صادق علیه السلام، مراد از «امر» در آیه را ظهور حضرت مهدی علیه السلام بیان می کند.<sup>۲</sup>

### جمع بندی و نتیجه گیری

این ندا که در بعضی از روایات مطرح شده، ندای بعد از بیعت جبرئیل علیه السلام است و ندای آسمانی، مورد بحث نیست، ولی جداگانه در بخش سوم به آن پرداخته می شود. به هر صورت، گرچه شأن نزول آیه در مورد مشرکان و بت پرستان مکه در زمان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است و امر خداوند در آن زمان پیروزی پیامبر اکرم و مسلمانان بر آنان و فتح مکه بود، اما آیه، مفهوم گسترده ای دارد و ظهور حضرت مهدی علیه السلام یا اعلان ظهور ایشان نیز می تواند از مصادیق آیه باشد که آن حضرت به امر الهی می آید و مشرکان و

۱. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۸۹، باب ۵۸، حد ۹؛ «تفسیر العیاشی»، ج ۲، ص ۲۵۴، حد ۳ به جای «طلق»، کلمه «رفیع» دارد.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۰۴، باب ۱۱، ح ۹.

کافران را در سراسر گیتی خوار و زبون می‌کند و به همین دلیل، جبرئیل امین متن آیه را در آن روز ندا می‌دهد و نابودی اهل باطل را اعلام می‌کند.

## فصل چهارم: پیشینه ندای آسمانی

از جمله سؤالاتی که در زمینه ندای آسمانی مطرح می‌شود، این است که آیا ندای آسمانی، سابقه تاریخی دارد؟ یا در ادیان دیگر مطرح شده است یا خیر؟ پاسخ، مثبت است و این پیشینه را می‌توان از دو جهت مورد بحث قرار داد:

### الف. پیشینه ندای آسمانی در ادیان قبل از اسلام

دانشمند یهودی، «جولیوس کرینستون» به ندای آسمانی در دین یهود، پیش از آمدن مسیحا اشاره می‌کند. ایشان بعد از شمردن فعالیت‌های الیاس (پیش‌آهنگ مسیحا) می‌گوید:

سپس جهان که از گناه و تیره‌روزی، رنجور است، حقیقتاً به  
خدا روی خواهد آورد و صدای شیپور میکائیل، رئیس  
فرشتگان را خواهند شنید که آمدن مسیحا را اعلام می‌کند.<sup>۱</sup>

او درباره «ملاکی» می‌گوید: [همچنین وی اندیشه تازه‌ای را می‌افزاید که متکلمان یهودی و مسیحی، آن را بسیار توسعه داده‌اند و آن، آمدن

---

۱. «انتظار مسیحا در آیین یهود»، ص ۶۵



الیاس نبی است. «ملاکی» او را «فرشته عهد» می‌شناسد که فرا رسیدن روز بزرگ خداوند را اعلام خواهد کرد و میان پدران و فرزندان، آشتی خواهد داد.<sup>۱</sup>

سخن ملاکی در این مورد:

«اینک من ایلای نبی را قبل از رسیدن روز عظیم و مهیب خداوند، نزد شما خواهم فرستاد. و او دل پدران را به سوی پسران و دل پسران را به سوی پدران خواهد برگردانید، مبادا بیایم و زمین را به لعنت بزنم».<sup>۲</sup>

«کریستون» در بخش پایانی کتاب با عنوان «انتظار مسیحا در دعا‌های

یهود» می‌نویسد:

مناجات «یوتصروت» که برای سبتهای ممتاز سال است و تنها در کامل‌ترین نمازها آمده است، بهترین بیان از اندوه ملی قوم یهود را ارائه می‌دهد، در بخشی از این مناجات آمده است: «... دختر صهیون، حقیقتاً شادمانی خواهد کرد؛ زیرا مسیحا می‌آید. باکره اسرائیل از شادی فریاد خواهد زد؛ زیرا میکائیل فرشته به زودی از ستیغ کوه صدا در خواهد داد: یک منجی برای صهیون آمده است».<sup>۳</sup>

دوران ظهور ماشیح در کتاب «گنجینه‌ای از تلمود» این‌گونه توصیف

شده است:

یک روایت چنین نقل می‌کند: طی دوران هفت ساله‌ای که

۱. همان، ص ۳۷.

۲. ملاکی، ۴: ۵، ۶.

۳. «انتظار مسیحا در آیین یهود»، ص ۱۸۳.

ماشیح، فرزند داود در آن ظهور خواهد کرد... در سال ششم، صداهایی از آسمان به گوش خواهد رسید و در سال هفتم، جنگ‌ها در خواهند گرفت و در پایان این دوران هفت ساله، فرزند داوود، ظهور خواهد کرد.<sup>۱</sup>

کتاب‌های مسیحیان نیز اشاراتی به صدای آسمانی دارند: در «انجیل متی» آمده است:

آن‌گاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد و در آن وقت، جمیع طوایف زمین، سینه‌زنی کنند و پسرانشان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می‌آید. و فرشتگان خود را با صور بلند آواز فرستاده، برگزیدگان او را از بادهای اربعه از کران تا به کران فلک فراهم خواهند آورد.<sup>۲</sup>

و در رساله اول پولس به تسالونیکیان آمده است:

«زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست.»<sup>۳</sup> و در مکاشفه یوحنا آمده است:

و فرشته‌ای دیگر را دیدم که در وسط آسمان پرواز می‌کند و انجیل جاودانی را دارد تا ساکنان زمین را از هرامت و قبيله و زبان و قوم بشارت دهد و به آواز بلند می‌گوید: «از خدا بترسید و او را تمجید نمایید؛ زیرا که زمان داوری او رسیده است. پس او را که آسمان و زمین و دریا و

۱. «کنجینه ای از تلمود»، ص ۳۵۵.

۲. متی ۲۴: ۳۰، ۳۱.

۳. تسالونیکیان ۱: ۱۶.

چشمه‌های آب را آفرید، پرستش کنید.»<sup>۱</sup>

### ب. پیشینه ندای آسمانی در تاریخ اسلام

وقتی به تاریخ اسلامی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم در گذشته، ندای آسمانی و ندای ابلیس اتفاق افتاده. و در تاریخ و روایات، ثبت شده است. در این جا به بیان برخی از آنها می‌پردازیم:

#### اول: ندای آسمانی جبرئیل علیه السلام در بیان شجاعت حضرت علی علیه السلام

در کتب تاریخی و روایی نقل شده است که وقتی حضرت علی علیه السلام در جنگ احد آن رشادت‌ها و از خودگذشتگی را نشان داد، جبرئیل امین علیه السلام از آسمان ندا داد: «لا سيف الا ذوالفقار، و لا فتى الا على» و کسانی که در آن جا بودند آن ندا را از آسمان شنیدند.

بیان برخی از اسناد این مطلب:

#### ۱. احتجاج امیرالمؤمنان علی علیه السلام در روز شوری

آن حضرت می‌فرماید: نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ نَادَى لَهُ مَنَادٌ مِنَ السَّمَاءِ، «لا سيف الا ذوالفقار و لا فتى الا على» غیری؟ قالوا: اللهم لا؛<sup>۲</sup> خدا را بر شما گواه می‌گیرم آیا برای کسی از شما غیر از من در احد، منادی از آسمان ندا داد «لا سيف الا ذوالفقار و لا فتى الا على»، همه گفتند به خدا قسم نه. همچنین آن حضرت در احتجاج با ابوبکر، این منقبت خود را مطرح می‌کند.<sup>۳</sup>

۱. مکاشفه یوحنا ۱۴: ۶

۲. «الخصال»، ج ۲، ص ۶۰۷

۳. «الخصال»، ج ۲، ص ۶۰۰

۲. امام جعفر صادق علیه السلام در توصیف ذوالفقار می‌فرماید:

«... و كان سيفاً نزل به جبرئيل عليه السلام من السماء و كانت حلقته فضة و هو الذي نادى به مناد من السماء، لا سيف الا ذوالفقار و لا فتى الا علي»<sup>۱</sup> ذوالفقار شمشیری بود که جبرئیل علیه السلام از آسمان آورد و حلقه آن از نقره بود و این همان شمشیری است که برای آن ندا دهنده از آسمان ندا داد «لا سيف الا ذوالفقار و لا فتى الا علي».

۳. ابی رافع می‌گوید:

«مازلنا نسمع اصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم يقولون نادى فى يوم احد مناد من السماء، لا سيف الا ذوالفقار و لا فتى الا علي»<sup>۲</sup> مکرر از اصحاب رسول خدا صلى الله عليه وسلم می‌شنیدیم که می‌گویند: در روز احد، منادی از آسمان ندا داد «لا سيف الا ذوالفقار و لا فتى الا علي».

۴. سخن عبدالله بن مسعود در این مورد:

زید بن وهب به او می‌گوید: پایداری علی علیه السلام در آن جا (احد)؛ مایه تعجب است. ابن مسعود گفت: «فقال: إن تعجبت من ذلك فقد تعجبت منه الملائكة أما علمت إن جبرئيل عليه السلام قال فى ذلك اليوم و هو يعرج الى السماء لا سيف الا ذوالفقار و لا فتى الا علي، قلت: فمن أين علم ذلك من جبرئيل عليه السلام فقال: سمع الناس صايحاً يصيح فى السماء بذلك فسألوا النبى صلى الله عليه وسلم عنه، فقال: ذاك جبرائيل»<sup>۳</sup> اگر تو از این تعجب می‌کنی، به تحقیق، ملائک از آن تعجب

۱. «علل الشرايع»، ج ۱، ص ۱۶۰، باب ۱۲۹، ح ۲؛ «معانى الاخبار»، ص ۶۳، ح ۱۲.

۲. «الارشاد»، ج ۱، ص ۸۷.

۳. «الارشاد»، ج ۱، ص ۸۳.

کردند. مگر نمی‌دانی جبرئیل در آن روز در حالی که به آسمان می‌رفت، گفت: لا سیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی، گفتم: از کجا فهمیدند ندای جبرئیل است؟ ابن مسعود پاسخ داد: مردم، صدای بلندی را شنیدند که از آسمان، این مطلب را فریاد می‌زند از پیامبر گرامی اسلام ﷺ در مورد آن سؤال کردند، حضرت فرمود: این صدای جبرئیل است.

سخن پایانی در این مورد را از ابن ابی الحدید معتزلی نقل می‌کنیم:  
قال: و سمع ذلك اليوم صوت من السماء لا يری شخص الصارخ به ینادی مراراً؛ لا سیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی، فسئل رسول الله ﷺ عنه، فقال: هذا جبرائیل؛<sup>۱</sup> در آن روز (احد)، صدایی از آسمان شنیده شد، ولی فریادزننده دیده نشد، او پشت سر هم ندا می‌داد « لا سیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی ». از رسول خدا ﷺ از این مطلب سؤال شد، فرمود: این جبرئیل علیه السلام است.

در ادامه، ابن ابی الحدید می‌نوسد این خبر را جماعتی از محدثان، روایت کرده‌اند و آن از اخبار مشهور است. این مطلب را در برخی از نسخه‌های مغازی محمد بن اسحاق دیده‌ام و در برخی از نسخه‌ها نبود. آن را نداشت. از شیخ و استادم عبدالوهاب بن سکینه در مورد این خبر پرسیدم، گفت: خبر صحیحی است. پرسیدم: پس چرا در صحاح نیامده است؟ گفت: آیا هر خبر صحیحی در کتب صحاح آمده است؟ چه بسیار از اخبار صحیحی که

۱. «شرح نهج البلاغة»، ج ۱۴، ص ۲۵۱.

جمع کنندگان صحاح از آوردن آن غفلت کرده‌اند. این جریان را ابن هشام و طبری نیز ذکر کرده‌اند.<sup>۱</sup>

### دوم: ندای جبرئیل امین در شهادت امیر مؤمنان علی علیه السلام

علامه مجلسی می‌گوید: در بعضی از کتب قدیمی، روایتی در باب چگونگی شهادت حضرت علی علیه السلام دیدم و از آن، مقداری را به صورت خلاصه آوردم. این روایت را ابوالحسن علی بن عبد الله بن محمد البکری از لوط بن یحیی، از اساتید و پیشینیانش نقل کرده است. علامه مجلسی، در قسمتی از این نقل، ندای جبرئیل امین علیه السلام را بعد از شهادت حضرت علی علیه السلام به این صورت می‌آورد:

ونادی جبرئیل علیه السلام بین السماء و الارض بصوت یسمعه کل مستیقظ؛ تهذمت و الله أركان الهدی، و انطمست و الله نجوم السماء و اعلام التقی، و انفصمت و الله العروة الوثقی، قتل ابن عم محمد المصطفی، قتل الوصی المجتبی، قتل علی المرتضی، قتل و الله سید الأوصیاء، قتله أشقی الأشیاء؛ جبرئیل امین علیه السلام، بین آسمان و زمین ندا داد با صدایی که هر فرد بیدار، آن را می‌شنید: به خدا سوگند! پایه‌های هدایت منهدم شد، ستارگان آسمان و نشانه‌های تقوا به خدا سوگند، خاموش شدند و ریسمان‌های محکم به خدا قسم پاره شدند، پسر عموی محمد مصطفی صلی الله علیه و آله کشته شد، وصی برگزیده

۱. «السیرة النبویة»، ج ۲، ص ۱۰۰؛ «تاریخ الامم والملوک»، ج ۲، ص ۵۱۴.

کشته شد، علی مرتضی کشته شد، به خدا سوگند، سید  
الاصیاء کشته شد، او را أشقی الأشقیاء کشت.<sup>۱</sup>

نکته قابل توجه این که این خبر را علامه مجلسی به نقل از کتاب  
«ابوالحسن علی بن عبدالله بن محمد» می آورد و او بنا بر آنچه نجاشی ذکر  
می کند، کتابی به نام «الصفینیات و الکوفیات» داشته است که محتوای آن،  
زندگانی امیرمؤمنان علی علیه السلام است. نجاشی، «علی بن عبدالله» را ضعیف و  
فاسد المذهب معرفی می کند و در مورد کتابش می گوید: بعضی از اصحاب  
ما به من گفته اند این کتاب، کتاب ملعونی است و در آن، در هم آمیختگی  
عظیمی واقع شده است.<sup>۲</sup>

### سوم: ندای ابلیس در عقبه

وقتی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در کنار جمره عقبه با اهل یثرب، پیمان  
بست و آنها با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیعت کردند، ابلیس، فریادی کشید و  
مشرکان مکه را از این پیمان مخفیانه آگاه کرد. این مطلب، یعنی ندای  
ابلیس، در کتاب های مختلفی از شیعه و عامه نقل شده است که در این جا به  
برخی از آنها می پردازیم:

۱. قطب الدین راوندی می گوید:

«... فلما اجتمعوا و بايعوا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، صاح ابليس؛ يا معشر قريش و  
العرب هذا محمد و الصباة من الأوس و الخزرج على جمرة العقبة يبائعونه على  
حربكم، فأسمع أهل منى فهاجت قريش و أقبلوا بالسلاح و سمع رسول

۱. «بحار الانوار»، ج ۴۲، ص ۲۸۲؛ «المجالس الفاخرة»، ص ۳۲۸.

۲. «رجال النجاشی»، ص ۲۶۶، ش ۶۹۲؛ «معجم رجال الحديث»، ج ۱۲، ص ۸۲، ش ۸۲۷۷.



الله ﷺ، النداء، فقال: للأنصار تفرقوا...»<sup>۱</sup>. وقتی انصار جمع شدند و با رسول خدا ﷺ بیعت کردند، ابلیس با صدای بلند، اعلان کرد: ای بزرگان قریش و عرب، این محمد و صابئیان از اوس و خزرج هستند که در کنار جمره عقبه با او بیعت می‌کنند تا با شما بجنگند. اهل منی، این صدا را شنیدند و قریش متوجه شدند و سلاح‌هایشان را برداشتند. از طرف دیگر، پیامبر گرامی اسلام، صدا را شنید و به انصار فرمود: پراکنده شوید.

۲. ابن هشام از ابن اسحاق و او با واسطه از «کعب بن مالک» نقل می‌کند که گفت:

«كان أول من ضرب علي يد رسول الله صلى الله عليه وسلم، البراء بن معرور، ثم بايع بعد القوم، فلما بايعنا رسول الله صلى الله عليه وسلم، صرخ الشيطان من رأس العقبة بأنفذ صوت سمعته قط، يا اهل الجبابب، والجبابب، المنازل، هل لكم في مذمم و الصباة معه قد اجتمعوا على حربكم قال، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم، هذا أذب العقبة، هذا ابن أزيب، تسمع اي عدو الله، أما والله لأفرغن لك، قال: ثم قال رسول الله صلى الله عليه وسلم؛ ارفضوا علي رجالكم...»؛ اولین کسی که با رسول خدا ﷺ بیعت کرد، «براء بن معرور» بود، سپس بقیه بیعت کردند. وقتی با رسول خدا ﷺ بیعت کردیم، شیطان از ابتدای عقبه فریاد زد به بالاترین صدایش. ای اهل منازل<sup>۲</sup> آیا شما غافلید و صابئیان با او برای جنگ با شما جمع شده‌اند. رسول خدا ﷺ فرمود: این شیطان عقبه است، سپس فرمود: بشنوی دشمن خدا، به خدا

۱. «قصص الانبياء»، ص ۳۳۲، فصل ۸، ح ۴۱۳.

۲. «السيرة النبوية»، ج ۱، ص ۴۴۷.

قسم از دورت پراکنده می‌شوند، سپس فرمود: به کاروان‌هایتان برگردید.  
این مطلب را طبری<sup>۱</sup> و ابن کثیر دمشقی<sup>۲</sup> و دیگران در کتب تاریخی  
خود نقل کرده‌اند.

---

۱. «تاریخ الامم والملوک»، ج ۲، ص ۳۶۴.

۲. «البدایة والنهائة»، ج ۳، ص ۱۶۴.

---

**بخش دوم:**

**معرفی ندای آسمانی**

---

## فصل اول: ویژگی‌های ندای آسمانی

### الف. منادی «ندادهنده»

پنج حدیث، ندادهنده را جبرئیل امین علیه السلام معرفی می‌کنند که با عبارت‌های: «هی صیحة جبرئیل علیه السلام»،<sup>۱</sup> «هو صوت جبرئیل علیه السلام»،<sup>۲</sup> «صوت جبرئیل علیه السلام من السماء»،<sup>۳</sup> «ینادی به جبرئیل»<sup>۴</sup> مطرح شده است. هر پنج روایت از جهت سند ضعیف هستند، ولی به دلیل تظافر آنها و نداشتن مخالفی می‌توان پذیرفت که ندای آسمانی به وسیله جبرئیل امین علیه السلام سر داده می‌شود.

### ب. مکان ندای آسمانی

اغلب روایات مربوط به ندا، به آسمانی بودن آن با عبارت‌های مختلف اشاره دارند. برای نمونه: «ینادی مناد من السماء»، «النداء من السماء»، «ینادی باسمه من السماء» «الصیحة من السماء» «الصوت من السماء» و «المنادی من

---

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳، و باب ۱۶ حد ۶

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳؛ «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۵۴، ح ۴۶۲.

۳. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۵۷ حد ۱۳.

۴. «تأویل الآيات الظاهرة»، ص ۷۰۸؛ «البرهان فی تفسیر القرآن»، ج ۴، ص ۴۰۰؛ «المحجة»، ص ۲۳۸.

«السماء»، «صوت جبرئیل من السماء» و... بر این مطلب دلالت می‌کنند.  
 در یک روایت، عبارت متفاوتی آمده است. ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:  
 ... ولا یخرج القائم حتی ینادی باسمه من جوف السماء...؛<sup>۱</sup>  
 و قائم علیه السلام خارج نمی‌شود مگر این که به نام او از وسط  
 آسمان ندا می‌دهد.

در این حدیث، کلمه «جوف» به آسمان اضافه شده است که اشاره به  
 وسط آسمان بودن و نیز مکان ندای آسمانی است.

### دو برداشت از آسمانی بودن ندای آسمانی

۱. مراد از آسمانی بودن ندا، یعنی از روی زمین نیست، بلکه از آسمان  
 است.

۲. مراد از آسمانی بودن ندا، یعنی این ندا از طرف خداوند است. این  
 صوت توسط جبرئیل امین علیه السلام و از طرف پروردگار متعال است و به سبب  
 الهی بودن، آسمانی شمرده می‌شود و در مقابل هر امری که از طرف خداوند  
 نباشد و در مسیر باطل قرار گیرد، زمینی شمرده می‌شود؛ گرچه از آسمان  
 اعلان شود.

برای مثال، در بیشتر احادیث مکان ندای ابلیس (که در مقابل ندای  
 آسمانی، ندا می‌دهد)، زمین معرفی شده است، ولی در دو حدیث - که یکی  
 از آنها از جهت سند معتبر است - مکان آن را این‌گونه از آسمان معرفی

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد ۶

می‌کند؛ روایت عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام:  
 ... فاذا كان من الغد صعد ابليس في الهواء حتى يتواري عن  
 اهل الأرض ثم ينادى...؛<sup>۱</sup>  
 فردای آن روز (روز اعلان ندای آسمانی)، ابلیس در هوا بالا  
 می‌رود؛ به صورتی که از اهل زمین پنهان می‌شود، سپس ندا  
 می‌دهد.

در این حدیث، مکان ندای ابلیس، آسمان معرفی می‌شود، ولی بیشتر  
 روایات، مکان آن را زمین معرفی می‌کنند. این تناقض ظاهری را می‌توان با  
 برداشت دوم توجیه کرد؛ گرچه منافاتی ندارد که ندای جبرئیل امین علیه السلام، هم  
 از وسط آسمان باشد و هم از آن جا که الهی است، آسمانی محسوب شود.

### ج. زمان ندای آسمانی

یکی از مباحث مهم در مورد ندای آسمانی، زمان آن است. این بحث از چند  
 جهت قابل طرح است:

- یکم؛ زمان مطرح شده در احادیث برای ندای آسمانی؛
- دوم؛ حوادث قبل از ندای آسمانی؛
- سوم؛ حوادث بعد از ندای آسمانی.

### یکم: زمان مطرح شده در احادیث برای ندای آسمانی

در روایات، «ماه»، «روز» و «چه زمانی از شب یا روز» ندای آسمانی  
 مشخص شده است.

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹ و ص ۲۶۹، حد ۲۰.

سؤال اول، ندای آسمانی در چه ماهی واقع می‌شود؟

نه حدیث بر رخ دادن «ندا» در ماه مبارک رمضان دلالت می‌کنند. این احادیث با عبارت‌های: «صیحة فی شهر رمضان»<sup>۱</sup> و «الصیحة لاتکون الا فی شهر رمضان»<sup>۲</sup> «یکون الصوت فی شهر رمضان»<sup>۳</sup> «قلت رمضان؟ قال: شهر الله تعالی و فیه ینادی باسم صاحبکم و اسم ابیه»<sup>۴</sup> «صیحة من السماء فی شهر رمضان»<sup>۵</sup> «حتی ینادی باسمه من جوف السماء فی لیلة ثلاث و عشرين فی شهر رمضان»<sup>۶</sup> «ینادی اسمه لیلة ثلاث و عشرين»<sup>۷</sup> «الصیحة التي فی شهر رمضان»<sup>۸</sup> «ینادی باسم القائم عليه السلام فی لیلة ثلاثة و عشرين من شهر رمضان»<sup>۹</sup> و «ان القائم ینادی باسمه لیلة ثلاثة و عشرين من شهر رمضان»<sup>۱۰</sup> آمده است.

در یکی از این روایات، کلمه «رمضان» نیامده است؛ ولی با قرینه «لیلة ثلاث و عشرين» فهمیده می‌شود که مراد از آن، ماه مبارک رمضان است. از میان این نه حدیث، سه حدیث، از جهت سند معتبر هستند که عبارت‌های اول و هشتم و نهم از آن احادیث ذکر شده است؛ هر چند به دلیل کثرت

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۶، باب ۱۴، حد ۱۷.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

۳. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

۴. «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۷۲، باب ۲۵، حد ۱۶۵.

۵. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۱، ص ۵۹۷، باب ۳۲، حد ۷.

۶. «الغیبة نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد ۶.

۷. «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۹؛ «الغیبة تسبیح طوسی»، ص ۴۵۲، ح ۴۵۸.

۸. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، حد ۶ و ص ۵۵۹، حد ۱۶.

۹. «اثبات الهداة»، ج ۳، ص ۵۷۰، باب ۳۲، ف ۴۴، حد ۶۸۷؛ «تواترنا»، سال چهارم، عدد دوم، ص ۲۱۷، حد ۲۰.

۱۰. «کفایة المهتدی»، ص ۶۶۸، ذیل حد ۳۹.

روایات، نیازی به بحث سندی نیست.

### سؤال دوم، ندای آسمانی در چه روزی واقع می‌شود؟

در میان احادیث ندای آسمانی، شش روایت، زمان ندا را شب بیست و سوم می‌دانند. این روایات با عبارتهای: «لیلة ثلاث و عشرين»، «لیلة الجمعة لثلاث و عشرين» و «لیلة ثلاثة و عشرين» بر این مطلب دلالت می‌کنند. همچنین سه حدیث بر شب جمعه بودن این ندا دلالت دارند که با عبارت «لیلة جمعة»<sup>۱</sup> و «لیلة الجمعة»<sup>۲</sup> بر این مطلب دلالت می‌کنند. در میان احادیث دلالت‌کننده بر شب بیست و سوم، دو حدیث با سند معتبر و در میان روایات دلالت‌کننده بر شب جمعه، یک حدیث معتبر وجود دارد.

### سؤال سوم، ندای آسمانی در چه زمانی از شب یا روز واقع می‌شود؟

نکته دیگری که در مورد زمان ندای آسمانی قابل بررسی است، روز یا شب واقع شدن این نداست. روایاتی که پیش‌تر بیان شد، همگی بر واقع شدن ندای آسمانی در شب دلالت داشت و تعبیری چون: «لیلة ثلاث و عشرين» و «لیلة جمعة» در این مورد آمده بود. در مقابل این احادیث، چندین روایت، زمان ندای آسمانی را روز مطرح می‌کنند. سؤال اصلی در این قسمت، چگونگی جمع میان این احادیث است. در آغاز، واژه‌ها و عبارتهای مطرح شده در روایات دلالت‌کننده بر روز بودن ندای آسمانی بیان می‌شود. این

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حدیث ۱۳ و باب ۱۶ حدیث ۶

۲. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، حدیث ۶ و ح ۱۶.



احادیث با عبارت‌های: «ینادی مناد من السماء فی اول النهار»<sup>۱</sup> «ینادی مناد من السماء اول النهار»<sup>۲</sup> و «ینادی مناد... اول النهار»<sup>۳</sup> بر این مطلب دلالت می‌کنند.

از میان پنج حدیثی که در این مورد آمده است، سه روایت، از جهت سند، معتبر هستند که با دو عبارت اول آمده‌اند. حال چگونه می‌توان میان این دو دسته از احادیث - که یکی، زمان ندا را شب، و دسته دیگر، روز مطرح می‌کنند - جمع کرد. راه‌هایی برای جمع میان اینها می‌توان پیشنهاد کرد:

فرض اول؛ شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، شب قدر است و در روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است: «لیلة القدر فی کل سنة و یومها مثل لیلتها»<sup>۴</sup> شب قدر در هر سال واقع می‌شود و روز آن مانند شب آن است. بنابراین، روز بیست و سوم، جزئی از شب آن حساب شده است و از اول شب بیست و سوم تا غروب روز بیست و سوم، شب قدر محسوب می‌شود.

در این صورت، ندای آسمانی در اول روز بیست و سوم واقع می‌شود که قسمتی از شب قدر است.

فرض دوم؛ مراد از شب در «لیلة ثلاث و عشرين» و «لیلة جمعة»، هنگام طلوع فجر باشد.

زیرا هنگام طلوع فجر، قدر مشترکی میان شب و روز محسوب می‌شود و

۱. «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۱؛ «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۵۴، حد ۴۶۱.

۲. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۵۷، حد ۱۴؛ «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۳۵، حد ۴۲۵.

۳. «الکافی»، ج ۱، ص ۱۷۷، حد ۲۵۳.

۴. «التهذیب»، ج ۴، ص ۳۳۱، باب ۷۲، ح ۱۰۱.

در فضیلت نماز صبح هنگام طلوع فجر چندین روایت نقل شده است که دلیل این فضیلت را حضور ملائکه شب و ملائکه روز می‌دانند.<sup>۱</sup> بنابراین، اگر ندای آسمانی، هنگام طلوع فجر اعلان شود، هم اطلاق «شب بیست و سوم» بر آن صحیح است و هم اطلاق «روز»؛ به خصوص این که روایات دلالت‌کننده بر واقع شدن ندای آسمانی در روز، همگی قید «أول النهار» را دارند و اول روز، هنگام طلوع فجر است.

فرض سوم؛<sup>۱</sup> اختلاف زمان ندای آسمانی به حساب مکانهاست، یعنی به دلیل اختلاف افق‌ها؛ گرچه ندای آسمانی، یکی است و یکبار اعلان می‌شود، ولی در یک جا اول شب بیست و سوم است و در جای دیگر، آخر شب و در یک جا اوایل روز بیست سوم و اختلاف مطرح شده در احادیث به این دلیل است.

فرض چهارم؛ تکرار ندای آسمانی است. یعنی ندای آسمانی اول در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، و ندای آسمانی دوم در اول روز است، یعنی در اول روز بیست و سوم، ندای دوم به حقانیت علی علیه السلام و پیروانش داده می‌شود.

گویا با اعلان ندای اول، بسیاری از مردم جهان، باز حضرت را نمی‌شناسند، ولی با ندای دوم و با توجه به شناختی که از شیعیان دارند، می‌فهمند که مراد از ندای اول، همان امام دوازدهم است که می‌آید.

فرض پنجم؛ تکرار ندای آسمانی است، یعنی ندای آسمانی اول در شب

۱. «الکافی»، ج ۳، ص ۲۸۲، حد ۲ و ص ۴۸۷، حد ۲ و ج ۱، ص ۳۴۰، حد ۵۳۶؛ «من لا یحضره الفقیه»، ج ۱، ص ۲۱۱، ش ۶۴۳ «تفسیر العیاشی»، ج ۲، ص ۳۰۹، حد ۱۳۹ و ۱۴۱.

بیست و سوم ماه مبارک رمضان به معرفی نام و نسب حضرت مهدی عجل الله فرجه می‌پردازد و ندای آسمانی دوم در اول روز است، اما روز آن مشخص نیست و احتمال دارد روز آن، هنگام قیام حضرت مهدی عجل الله فرجه در دهم محرم باشد که روایاتی بر این مطلب دلالت می‌کنند.<sup>۱</sup>

شواهدی که دلالت بر تکرار ندای آسمانی می‌کنند، عبارتند از:

۱. محتوای ندای آسمانی شب بیست و سوم با محتوای ندای آسمانی

اول روز تفاوت دارد. در اولی، محتوا، معرفی نام و نسب حضرت مهدی عجل الله فرجه است و در دومی، محتوای ندا، بر حق بودن علی علیه السلام و شیعیان ایشان یا رستگاری آنان است.

۲. احادیثی بر تکرار ندای آسمانی دلالت می‌کنند. روایتی از جابر بن

یزید جعفی از امام محمد باقر علیه السلام، ندای جبرئیل امین را سه بار در طول روز مطرح می‌کند که محتوای ندا، معرفی حضرت مهدی عجل الله فرجه به نام و نسب است. در این حدیث آمده است:

قال: قوله عزوجل، «فاذانقر فی الناقور» قال: «الناقور»، هو

النداء من السماء، ألا إن ولّیکم فلان بن فلان القائم بالحق

ینادی به جبرئیل فی ثلاث ساعات من ذلک الیوم...<sup>۲</sup>

فرمود: فرموده خدای عزوجل، «آنگاه که در شیپور دمیده

شود» فرمود: ناقور ندای از آسمان است، که به هوش همانا

۱. این احادیث و بحث درباره آنها در صفحات بعد در بحث حوادث بعد از ندای آسمانی آمده است.

۲. «تأویل الآیات الظاهرة»، ج ۲، ص ۷۳۲؛ «المحجة»، ص ۳۳۸؛ «البرهان»، ج ۴، ص ۴۰۰.

ولی (و رهبر) شما فلان بن فلان قائم بر حق است جبرائیل در سه ساعت از این روز به این مطلب ندا در می‌دهد.

این حدیث از جهت سند، ضعیف است و به صورت مرسل در کتب متأخر ذکر شده است. و از جهت دلالت، با مدعای ما سازش ندارد؛ زیرا تکرار ندا را سه بار می‌داند و آن هم در روز و با یک محتوا.

در حدیث دیگری آمده است که زرارة بن اعین از امام جعفر صادق علیه السلام

نقل می‌کند:

سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ينادى مناد من السماء، إن فلاناً هو الأمير و ينادى مناد؛ إن علياً و شيعته هم الفائزون، قلت: فمن يقاتل المهدي بعد هذا؟ فقال: إن الشيطان ينادى...؛ شنيدم ابا عبد الله عليه السلام فرمود: منادی از آسمان ندا می‌دهد: به درستی که فلانی؛ همان امیر است و منادی ندا می‌دهد: همانا علی و شیعه او همان رستگاران هستند. گفتم: پس چه کسی با حضرت مهدی علیه السلام نبرد می‌کند؟ (با دیدن این معجزات) فرمود: همانا شیطان ندا می‌دهد: به درستی که فلانی و شیعه او همان رستگاران هستند... .

در این روایت که از جهت سند، معتبر است، گرچه به زمان ندای آسمانی اشاره نشده است، ولی تکرار ندا را ثابت می‌کند و در مقابل دو ندای آسمانی، یک ندای شیطانی نیز مطرح می‌شود. این حدیث با روایات معرفی ندا در شب بیست و سوم و ندای آسمانی در اول روز، سازگار است؛ زیرا در احادیثی

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حدیث ۲۸؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۴، باب ۲۶، حدیث ۴۶.

که زمان ندا را شب مطرح می‌کرد، به معرفی نام و نسب حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده است و ندای اول در این حدیث، معرفی حضرت مهدی علیه السلام است و احادیثی که زمان ندا را اول روز بیان می‌داشت، محتوای ندا را بر حق بودن علی علیه السلام و پیروانش یا رستگاری آنان می‌دانست و محتوای ندای دوم در این روایت، بر حق بودن و رستگاری علی علیه السلام و شیعیان ایشان است.

### نظر اندیشمندان در این مورد

نویسنده کتاب «تاریخ ما بعد الظهور»، قائل به یک ندای آسمانی است و وجود دو ندا را نمی‌پذیرد و حتی فرق در محتوای ندا را توجیه می‌کند و قائل به جمع یا کنار گذاشتن یکی از دو محتوا می‌شود. به هر صورت، ایشان ندای آسمانی را یک نداء؛ آن هم در یک زمان و در بیست و سوم ماه مبارک رمضان می‌داند. ایشان می‌گویند:

و بعد حمل المطلق على المقيد و المجمع على المفصل، ما يلي: ۱. إن المراد من النداء الذي هو من المحتوم هو نداء جبرائيل باسم القائم ۲. إن المراد من النداء بالحق ليس إلا ذلك، ۳. إن صيحة جبرئيل هي هذا النداء أيضا؛<sup>۱</sup> بعد از حمل مطلق بر مقید و مجمل بر مفصل، مطالب ذیل به دست می‌آید: ۱. مراد از ندایی که از امور محتوم است، همان ندای جبرئیل علیه السلام به نام قائم علیه السلام است؛ ۲. مراد از ندای بر حق، جز این نیست؛ ۳ صیحه جبرئیل علیه السلام نیز همین نداء است.

۱. «تاریخ ما بعد الظهور»، ص ۱۳۰.

نویسنده کتاب «مهدی منتظر علیه السلام»، قائل به سه ندای آسمانی در ماه رجب، دو ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان و دو ندای دیگر در ماه رمضان و ندای حضرت صاحب الامر علیه السلام در ماه ذی حجه است که همگان می شنوند و ندای جبرئیل در ذی حجه بعد از بیعت و ندای دیگری در روز عاشورا به امارت حضرت و چند ندای دیگر شده است؛ ولی ایشان ندای آسمانی در ماه رمضان را دارای اهمیت و کثرت اخبار و حتمی بودن دانسته و می نویسد:

اما ندای اول: ندایی است که در شب خواهد بود، در شب بیست و سوم، جبرئیل چنان صیحه‌ای زند که همه عالم بشنوند و خوابیده‌ها بیدار شوند و همه به فزع در آیند و به این جهت، این ندا را صیحه و فزعه نیز نامیده‌اند... و اما ندای دوم: حتمی است، اگرچه اخباری که در خصوص این نداست، تصریح ندارد که نداکننده، جبرئیل است، بلکه همین اندازه که منادی از آسمان ندا خواهد کرد، اما در اخبار مطلقه که در اصل ندا است، تصریح دارد به این که نداکننده، جبرئیل است... این ندای دوم در اول روز است در همان روز بیست و سوم، اما به نام امیرالمؤمنین علیه السلام!

نویسنده کتاب «الامام المهدی من المهدی الى الظهور» قائل به تعدد نداهای آسمانی شده و می نویسد:

و يستفاد من مجموع الاحاديث التي ستقرأها، أن النداءات السماوية متعددة و متباعدة من حيث الزمان و مختلفة من حيث اللفظ و المعنى، فالنداء الاول يكون في شهر رجب، و النداء الثاني يكون في شهر رمضان و النداء الثالث يكون في شهر محرم؛ ايشان، نداهاى آسمانى را متعدد و از جهت زمان با فاصله از همدیگر و از جهت محتوا، متفاوت از حيث لفظ و معنى معرفى مى کند و قائل به وجود سه ندا مى شود: ندای اول در ماه رجب و ندای دوم در ماه رمضان و ندای سوم در ماه محرم.<sup>۱</sup>

اما آن ندایی که اهمیت بیشتری دارد و از علایم حتمی حساب می شود، ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان است:

والظاهر من الأحاديث أن الصيحة التي لها الأهمية الكبرى و التي تعتبر من العلامات المحتومة هي التي تكون في شهر رمضان؛ از احادیث به دست می آید، صیحه‌ای که بیشترین اهمیت را دارد و از علایم حتمی محسوب می شود، آن است که در ماه رمضان رُخ می دهد.<sup>۲</sup>

### جمع بندی و نتیجه گیری

به نظر می رسد اگر به دلیل شواهدی که بیان کردیم، قائل به تکرار ندای آسمانی شویم. باید قائل به توالی و پشت سر هم بودن دو ندای

۱. «الامام المهدي عليه السلام من المهد الى الظهور»، ص ۴۰۹.

۲. همان.

آسمانی شویم؛ به صورتی که یکی محسوب شوند؛ زیرا وقتی ندای ابلیس در مقابل ندای آسمانی مطرح می‌شود، در روایات از مخاطبان خواسته شده است که از صدای اول پیروی کنید و نمی‌گویید از صداهای اول و دوم پیروی کنید. سه حدیث که یکی از آنها از جهت سند، معتبر است، به بیان این مطلب می‌پردازند. و آن را با واژه‌های: «الصوت الأول»<sup>۱</sup>، «للصوت الأول»<sup>۲</sup>، «النداء الأول»<sup>۳</sup>، «المنادی الأول» بیان می‌کنند. دو عبارت پایانی از موثقه عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است.<sup>۴</sup>

### دوم: حوادث قبل از ندای آسمانی

برای آشنایی بیشتر با زمان وقوع ندای آسمانی، دانستن حوادث قبل از آن لازم است، اما قبل از بیان این مطلب، نکته‌ای ضروری به نظر می‌رسد که بیان شود و آن، این‌که:

برای مثال؛ در حدیثی می‌خوانیم:

خمس قبل قیام القائم من العلامات؛ الصيحة و السفیانی و الخسف بالبيداء و خروج الیمانی و قتل النفس الزکیه؛ قبل از قیام قائم علیه السلام، پنج علامت است: صیحه و سفیانی و خسف بیداء و خروج یمانی و کشته شدن نفس زکیه.<sup>۵</sup>

آیا تقدم و تأخر بیان مطالب در این‌گونه روایات، دال بر تقدم و تأخر

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۰، باب ۲۵، حد ۹۶.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۹، باب ۱۴، حد ۲۰؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۳، ذیل حد ۴.

۳. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹؛ «المحجة»، ص ۱۵۷.

۴. «الغیبة تسبیح طوسی»، ص ۴۳۶، حد ۴۲۷.



وقوع زمانی آنهاست، یعنی بنا بر حدیث بالا که صیحه، قبل از سفیانی ذکر شده، آیا ابتدا صیحه واقع می‌شود، بعد سفیانی و یا این که تقدم و تأخر بر این مطلب دلالت نمی‌کند؟ پاسخ ما دومی است و می‌گوییم: تقدم و تأخر بیان مطالب در این احادیث، دلالت بر تقدم و تأخر در وقوع خارجی آنها ندارد؛ زیرا در احادیث دیگر، همین علامات به گونه‌ای متفاوت با این حدیث در چینش، ذکر شده‌اند. روایت بالا از عمر بن حنظله از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است. همین روایت با سند دیگری از عمر بن حنظله از امام جعفر صادق علیه السلام به صورت ذیل بیان شده است:

قبل قیام القائم خمس علامات محتومات، الیمانی و السفیانی و الصیحة و قتل النفس الزکیة و الخسف بالیداء.<sup>۱</sup>

در این حدیث، بر خلاف روایت بالا، «صیحه» بعد از «سفیانی» ذکر شده است. این روایت در نقل سوم به صورت دیگری آمده است: خمس علامات قبل قیام القائم، الصیحة و السفیانی و الخسف و قتل النفس الزکیة و الیمانی...<sup>۲</sup>

همان‌طور که مشاهده می‌شود، سه نقل متفاوت از یک راوی، باعث این مقدار جابه‌جایی شده است و این سه نقل از جهت سند، معتبر و در کتاب‌های معتبر آمده است. اگر روایت‌های دیگر را در این ترتیب شمارش

۱. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، حد ۷.

۲. «الکافی»، ج ۸، ص ۲۵۸، حد ۴۸۳.

با این سه حدیث مقایسه کنیم، تفاوت‌ها افزایش می‌یابد. بنابراین، ذکر علامتی در قبل یا بعد از علامت دیگر نمی‌تواند نشان‌گر قبل یا بعدیت زمانی آن علامت باشد.

## بیان حوادث قبل از ندای آسمانی

### ۱. اختلاف بنی عباس

دو حدیث به این نشانه اشاره دارند و هر دو از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده‌اند.

حدیث اول از «بنی عباس» با عنوان «بنی فلان» یاد شده است. در این حدیث آمده است:

«لیس فرجکم الا فی اختلاف بنی فلان، فاذا اختلفوا فتوقعوا الصیحة فی شهر رمضان و خروج القائم إن الله یفعل ما یشاء...؛ گشایش شما نیست مگر در اختلاف بنی فلان، پس وقتی اختلاف کردند، منتظر صیحه در ماه رمضان و خروج قائم علیه السلام باشید. همانا خدا آن‌چه بخواهد انجام می‌دهد.<sup>۱</sup>

و در روایت دوم آمده است:

یا جابر الزم الارض و لا تحرک یداً و لا رجلاً حتی تری علامات أذکرها لک إن ادرکتها، أولها اختلاف بنی العباس و ما اراک تدرك ذلک و لکن حدث به من بعدی عنی و مناد ینادی من السماء و...؛ ای جابر، ملازم زمین باش و دست و

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۰، باب ۲۵، حد ۹۶.

پایی حرکت نده (کنایه از حرکت نکردن برای افراد مدعی مهدویت تا علامت‌هایی که برایت می‌شمارم اگر درک کردی ببینی، اولین آنها اختلاف بنی عباس است و نمی‌بینم آن را درک کنی؛ ولی برای بعد از من از طرف من، آن را ذکر کن و منادی که از آسمان ندا می‌دهد و ....<sup>۱</sup>

حدیث دوم از جهت سند، معتبر است و به قرینه حدیث دوم، مراد از بنی فلان در روایت اول، بنی عباس است که در احادیث دیگری نیز اختلاف بنی عباس از علامات قیام حضرت مهدی علیه السلام شمرده شده است.<sup>۲</sup> در این دو حدیث، ندای آسمانی به منزله علامتی بعد از اختلاف بنی عباس شمرده شده است، ولی فاصله بین آن دو زیاد است؛ مگر این که بگوییم دولت بنی عباس مجدداً تشکیل می‌شود.

## ۲. آیه‌ای در ماه رجب

حدیثی از داود بن سرحان از امام جعفر صادق علیه السلام اشاره به واقعه‌ای در ماه رجب، قبل از صیحه و ندای آسمانی دارد و آن صورت و دستی است که در ماه نمایان می‌شود. این حدیث از جهت سند، ضعیف است. و آن به دلیل توثیق نشدن «عباس بن عبدالله» است.

بیان حدیث:

العام الذی فیہ الصیحة قبله الآیة فی رجب، قلت: و ما هی؟ قال:  
وجه یطلع فی القمر وید بارزة؛ سالی که در آن صیحه واقع

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۸۸، باب ۱۴، حد ۶۷؛ «تفسیر العیاشی»، ج ۱، ص ۲۴۴، حد ۱۴۷.

۲. «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۱؛ «کشف الغمة»، ج ۲، ص ۴۵۹.

می‌شود، قبل از آن در رجب، آیه‌ای رخ می‌دهد. گفتم: و آن چیست. فرمود: صورتی که در ماه نمایان می‌شود و دست آشکاری.<sup>۱</sup>

توضیح بیشتر در این مورد، در بخش سوم، در بحث ندای آسمانی در ماه رجب خواهد آمد.

### ۳. سختی، ترس، کشتار و مرگ

یکی از نشانه‌های عمومی قبل از ندای آسمانی، افزایش مرگ و میر به دلیل بیماری و کشتار در میان مردم است که این مسئله باعث ترس همگانی و سلب آسایش و سختی برای همه می‌شود.

چهار حدیث با عبارت‌های:

يلقى الناس جهد شديد مما يمر بهم من الخوف، فلا يزالون بتلك الحال حتى ينادى مناد من السماء؛ مردم، دچار سختی شدیدی از آن‌چه از ترس بر سرشان می‌آید، می‌شوند و آن حال پایان نمی‌یابد تا اینکه منادی از آسمان ندا می‌دهد.<sup>۲</sup>

يشمل الناس موت و قتل حتى يلجأ الناس عند ذلك الى الحرم فينادى مناد صادق من شدة القتال فيم القتل و القتال صاحبكم فلان؛ مرگ و کشتار، مردم را فرا می‌گیرد تا این‌که مردم در آن وقت به حرم الهی پناه می‌برند، پس منادی

۱. «الغيبية نعماني»، ص ۲۶۱، باب ۱۴، حد ۱۰؛ «اثبات الهداة»، ج ۳، ص ۷۳۵، حد ۹۸.

۲. «الغيبية نعماني»، ص ۲۷۰، باب ۱۴، حد ۲۲؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۵، باب ۲۵، حد ۱۰۳.

صادقی به خاطر شدت کشتار ندا می‌دهد: برای چه قتل و کشتار؟! صاحبان فلانی است.<sup>۱</sup>

یا جابر؛ لایظهر القائم حتی يشمل الناس بالشام فتنة يطلبون المخرج منها فلا يجدونه و يكون قتل بين الكوفة و الحيرة قتلاهم على سواء و ينادى مناد من السماء؛ ای جابرا قائم، ظهور نمی‌کند تا این که مردم در شام، دچار فتنه‌ای می‌شوند و به دنبال خارج شدن از آن می‌گردند، ولی راهی نمی‌یابند و کشتاری بین کوفه و حیره رخ می‌دهد که کشته‌هایشان یکسان است و منادی از آسمان ندا می‌دهد.<sup>۲</sup>

يقول: إنه ينادى باسم صاحب هذا الامر مناد من السماء الا إن الامر لفلان بن فلان فقيم القتال؛ می‌فرماید: منادی از آسمان به اسم صاحب این امر ندا می‌دهد که آگاه باشید همانا حکومت برای فلان بن فلان است؛ پس برای چه می‌جنگید؟!<sup>۳</sup>

بر این مطلب دلالت می‌کنند.

حدیث اول از ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام و حدیث دوم از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام و حدیث سوم از جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر علیه السلام و حدیث چهارم مانند حدیث دوم، از عبدالله بن سنان نقل

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۵، باب ۱۴، حد ۳۵؛ «بخار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۶، باب ۲۶، حد ۵۳.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۸۸، باب ۱۴، حد ۶۵؛ «بخار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۷، باب ۲۶، حد ۵۶.

۳. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۵، باب ۱۴، حد ۳۳؛ «بخار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۶، باب ۲۶، حد ۵۱.

شده است. به نظر می‌رسد احادیث دوم و چهارم، یک روایت با دو نقل متفاوت باشند. روایات دوم، سوم و چهارم از جهت سند معتبر هستند. علاوه بر اینها، روایات دیگری نیز، اوضاع عمومی قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام را همراه با ترس، مرگ، کشتار و ناامنی بیان می‌کنند. در حدیث اول، سختی شدید را ناشی از ترس قبل از ندای آسمانی مطرح می‌کند و در روایت دوم، مردن و کشتار مردم به حدی است که مردم، فرار کرده و به حرم امن الهی پناه می‌برند که پس از آن، منادی ندا می‌دهد و در حدیث سوم، سخن از فتنه‌ای است که منطقه شام را فرا می‌گیرد و راه فراری از آن نیست (شاید مراد، سفیانی باشد) و کشتاری که میان کوفه و خیره واقع می‌شود که پس از آن ندای آسمانی داده می‌شود و در روایت چهارم، سخن از ندای آسمانی هنگام قتل و کشتار است.

در جمع‌بندی این روایات و احادیث دیگر می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که در دوران قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام و قبل از ندای آسمانی، مرگ‌ها و کشتارها - که باعث ناامنی و ترس همگانی می‌شود - بسیاری از نقاط را فرا می‌گیرد.

#### ۴. یأس و ناامیدی

یکی از رخدادهای قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام و ندای آسمانی، یأس و ناامیدی است که بر جهانیان سایه می‌اندازد و آنان امید خود را از دست می‌دهند. این مطلب در احادیث مربوط به نشانه‌های قیام به وضوح مشاهده می‌شود. در حدیثی از امام محمد باقر علیه السلام می‌خوانیم:

فخروجه اذا خرج عند اليأس و القنوط من أن يروا فرجاً؛  
خروج حضرت مهدی علیه السلام وقتی است که یأس و ناامیدی از  
دیدن گشایشی باشد.<sup>۱</sup>

و در حدیث دیگری از امام رضا علیه السلام می خوانیم:  
انما یجیء الفرج علی الیأس؛ همانا گشایش فقط هنگام یأس  
و ناامیدی می آید.<sup>۲</sup>

همچنین این مطلب به عنوان یکی از نشانه های قبل از ندای آسمانی  
مطرح شده است: در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که راوی آن  
حضرت علی علیه السلام است، آمده است:

كأني بهم آيس من كانوا ثم نودي بندااء يسمعه من البعد كما  
يسمعه من القرب...؛ گویا آنان از وضعیتشان ناامید شده اند،  
سپس ندایی داده می شود که از دور، مانند از نزدیک شنیده  
می شود.<sup>۳</sup>

و در حدیث دیگری از امام جعفر صادق علیه السلام مشاهده می شود که فرمود:  
... إن هذا الأمر آيس ما يكون منه و أشده غمًا، ينادى مناد  
من السماء باسم القائم و اسم آبيه...؛ همانا برای محقق شدن  
این امر، مایوس تر و غمناک تر می شوید تا این که منادی از  
آسمان به اسم قائم علیه السلام و اسم پدرش ندا می دهد.<sup>۴</sup>

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۰، باب ۲۵، حد ۹۶.  
۲. «قرب الاسناد»، ص ۱۶۸؛ «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۵۲، ص ۶۴۵، باب ۵۵، حد ۵.  
۳. «کفایة الاثر»، ص ۱۵۶؛ «بحار الانوار»، ج ۲، ص ۵۴۷، باب ۱۰، حد ۴۲.  
۴. «الغیبة نعمانی»، ص ۱۸۶، باب ۱۰، حد ۲۹؛ «بحار الانوار»، ج ۵۱، ص ۳۸، باب ۴، حد ۱۵.

و در روایت سوم از حسن بن محبوب از علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌خوانیم:

کأنتی بهم آیس ما کانوا قدنودوا نداءً یسمع من بعد کما  
یسع من قرب...؛ گویا آنان از وضعشان بسیار ناامیدند که  
ندایی داده می‌شود و از دور، مانند از نزدیک شنیده می‌شود.<sup>۱</sup>

از این سه حدیث، روایت سوم از جهت سند، معتبر است و حدیث اول -  
که از منابع عامه نقل شده است - مشابه روایت ابن محبوب است.  
در نتیجه می‌توان یکی از نشانه‌های عمومی قبل از ندای آسمانی را  
یأس و ناامیدی دانست که بر انسان‌ها سایه می‌افکند و آنان علاوه بر خسته  
شدن از وضع موجود، امید خود را از رسیدن به وضع مطلوب از دست  
می‌دهند. و این ناامیدی به سبب قتل و غارتها، ناامنی و گرفتاری‌ها،  
بیماری‌ها و فساد است که بر همه جا حاکم است و همگان از گشایش در  
امور ناامید می‌شوند.

### سوم: حوادث بعد از ندای آسمانی

در میان احادیث ندای آسمانی، روایاتی وجود دارد که نشان‌گر خروج و ظهور  
و دیده شدن حضرت مهدی علیه السلام بعد از اعلان نام مبارکشان و بیان حقانیت  
ایشان از آسمان است. اما بر اساس احادیث مطرح شده در بخش زمان ندای  
آسمانی، زمان آن ماه مبارک رمضان معرفی شد، ولی از طرف دیگر، روایاتی  
وجود دارد که قیام حضرت مهدی علیه السلام را از کنار کعبه در روز دهم محرم

۱. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۹، باب ۳۵، حد ۳؛ «عیون الاخبار»، ج ۲، ص ۶، باب ۳۰، حد ۱۴.



معرفی می‌کند. میان این چند دسته از احادیث در مورد فاصله زمانی میان ندای آسمانی و قیام حضرت مهدی علیه السلام منافات وجود دارد. در این قسمت به بیان دسته‌های مختلف احادیث در این مورد و وجوهی برای جمع میان آنان می‌پردازیم:

### سه دسته از احادیث

دسته اول؛ احادیثی که زمان قیام را دهم محرم می‌دانند:

در هفت حدیث که اولین آنها از ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام<sup>۱</sup> و سه تای آنها از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام<sup>۲</sup> با عبارتهای متفاوت<sup>۳</sup> و یک روایت از محمد بن مسلم از امام جعفر صادق علیه السلام<sup>۴</sup> و یک روایت از حسن بن جهم از امام موسی کاظم علیه السلام<sup>۴</sup> و روایت آخر از علی بن مهزیار از امام محمد جواد علیه السلام<sup>۵</sup> نقل شده است، زمان قیام را دهم محرم، معرفی می‌کنند. حدیث اول با همان عبارت در کتاب «التهذیب» و با اندکی اضافه از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام<sup>۶</sup> نقل شده است،<sup>۶</sup> از میان این احادیث، روایت اول و حدیث پنجم که روایت محمد بن مسلم است، بنا بر پذیرش کتاب آن<sup>۷</sup> از جهت

۱. همان، ج ۲، ص ۵۶۱، باب ۵۷، حد ۱۹.

۲. «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۹؛ «كشف الغمة»، ج ۲، ص ۵۳۴؛ «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۵۲، حد ۴۵۸؛ «الغیبة نعمانی»، ص ۲۹۱، باب ۱۴، حد ۶۸.

۳. «اثبات الهداة»، ج ۳، ص ۵۷، فصل ۴۴، حد ۶۸۷؛ «تواترنا»، سال چهارم، ش دوم، ص ۲۱۷، حد ۲۰.

۴. «الخروج والجرائح»، ج ۳، ص ۱۱۶۵.

۵. «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۵۳، حد ۴۵۹؛ «الخروج والجرائح»، ج ۳، ص ۱۱۵۹.

۶. «التهذیب»، ج ۴، ص ۳۳۳، باب ۷۲، حد ۱۱۲.

۷. این کتاب گلچینی از روایات کتاب «اثبات الرجعه» فضل بن شاذان نیشابوری است که توسط متاخرین صورت گرفته است و اصل کتاب فضل بن شاذان در دست نیست و مفقود شده است. ر.ک:

سند، معتبر هستند و بقیه روایات می‌توانند مؤید این مطلب باشند و بنابر تظافر روایات می‌توان زمان خروج حضرت مهدی علیه السلام را روز دهم محرم از کنار کعبه دانست.

### بیان متن روایات

۱. «يُخْرَجُ الْقَائِمُ يَوْمَ السَّبْتِ يَوْمَ عَاشُورَا يَوْمَ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ»
۲. «يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ وَيَقُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَا...»
- لَكَانِي بِهِ فِي يَوْمِ السَّبْتِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمَحْرَمِ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ...»
۳. «إِنَّ الْقَائِمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يُنَادِي اسْمَهُ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ وَيَقُومُ يَوْمَ عَاشُورَا...»
۴. «يَقُومُ الْقَائِمُ يَوْمَ عَاشُورَا»
۵. «...» فَعِنْدَ ذَلِكَ يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثَةٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَيَقُومُ يَوْمَ عَاشُورَا فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ...»
۶. «...» وَ إِنْ الْقَائِمَ يُنَادِي اسْمَهُ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَيَقُومُ يَوْمَ عَاشُورَا...»
۷. «كَأَنِّي بِالْقَائِمِ يَوْمَ عَاشُورَا يَوْمَ السَّبْتِ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ بَيْنَ يَدَيْهِ جِبْرَائِيلَ...»

دسته دوم؛ روایاتی که دال بر همزمانی خروج حضرت مهدی علیه السلام و ندای آسمانی است.

در این جا هفت حدیث آمده است که اولین آنها از حذیفه از رسول خدا ﷺ<sup>۱</sup> و دو روایت از ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام با عبارت‌های متفاوت<sup>۲</sup> و حدیث چهارم از محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السلام<sup>۳</sup> و یک حدیث از محمد بن حمران از امام جعفر صادق علیه السلام<sup>۴</sup> و روایتی از مفضل بن عمر از امام ششم علیه السلام<sup>۵</sup> و روایت آخر از حسین بن خالد از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام<sup>۶</sup> نقل شده‌اند که دلالت بر همزمانی ندای آسمانی و خروج حضرت مهدی علیه السلام دارند. از میان این هفت حدیث، روایت پنجم، بنا بر پذیرش کتاب آن و حدیث هفتم از جهت سند، معتبر هستند.

### بیان متن احادیث

۱. «... اذا كان عند خروج القائم ينادى مناد من السماء...»
۲. «... لا بد من هذين الصوتين قبل خروج القائم عليه السلام صوت من السماء... فاذا اختلفوا فتوقعوا الصيحة في شهر رمضان و خروج القائم عليه السلام...»
۳. «... فلا يزالون بتلك الحال حتى ينادى مناد من السماء فاذا نادى فالنفير النفير، فوالله لكانى انظر إليه بين الركن و المقام يبائع الناس...»
۴. «... و جاءت صيحة من السماء بأن الحق فيه و فى شيعته فعند ذلك

۱. «الاختصاص»، ص ۲۰۸؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۳۰۴، باب ۲۶، حد ۷۳.

۲. «الغيبة نعمانى»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳ و ص ۲۷۰، حد ۲۲.

۳. «كمال الدين و تمام النعمة»، ج ۱، ص ۶۰۳، باب ۳۲، حد ۱۶.

۴. «اثبات الهداة»، ج ۳، ص ۵۷۰، باب ۳۲، فصل ۴۴، حد ۶۸۶؛ «تراثنا»، سال چهارم، ش دوم، ص ۲۱۶، حد ۱۸.

۵. «بحار الانوار»، ج ۵۳، ص ۱، باب ۲۸، حد ۱.

۶. «كمال الدين و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۶۰، باب ۳۵، حد ۵؛ «كشف الغمة»، ج ۲، ص ۵۲۴.

خروج قائمنا فاذا اخرج اسند ظهره الى الكعبة...»

۵. «... و جاء ت صيحة من السماء بأن الحق مع علي و شيعته فعند ذلك

خروج قائمنا فاذا خرج اسند ظهره الى الكعبة...»<sup>۱</sup>

۶. «... يا مفضل يظهر في شبهة ليستين فيعلو ذكره و يظهر امره و

ینادی باسمه و کنیته و نسبه...»

۷. «... و هو الذی ینادی مناد من السماء یسمعه جمیع اهل الارض بالدعاء

الیه یقول: ألا إن حجة الله قد ظهر عند بیت الله فاتبعوه فإن الحق معه و فیہ...»

دسته سوم؛ احادیثی که دلالت بر دیده شدن حضرت مهدی علیه السلام بعد از

ندای آسمانی می کنند.

در این دسته، سه روایت است که اولین آنها از عمرو بن سعد از حضرت

علی علیه السلام و حدیث دوم از ریان بن صلت از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و

روایت آخر از علی بن محمد سمري نایب چهارم از امام زمان علیه السلام نقل

شده اند که بر این مطلب دلالت می کنند. از میان این سه حدیث، روایت سوم

از جهت سند، معتبر است. این روایت را شیخ صدوق از «حسن بن احمد

المکتب» و ایشان از «علی بن محمد سمري» نقل کرده است که به توثیق

آخر مشهور است. در مورد «حسن بن احمد المکتب»، گرچه توثیقی به

دست ما نرسیده است، ولی کسی او را تضعیف نکرده است. علاوه بر این،

۱. این حدیث و روایت قبلی، گرچه از دو راوی مختلف و از دو امام معصوم علیهم السلام نقل شده است، ولی به نظر می رسد یک روایت باشد. به خصوص این که یکی از نقل ها مربوط به کتاب «مختصر اثبات الرجعة» است که شیخ حر عاملی از آن نقل کرده است و چندان قابل اعتماد نیست و احتمال دارد روایت «کمال الدین» را این گونه و با این سند آورده باشد.

شیخ صدوق در کتاب «عیون الاخبار» در مواردی ایشان و چند نفر دیگر را با «رضی الله عنهم» ذکر کرده است.<sup>۱</sup> این مطلب بر جلالت وی نزد شیخ صدوق دلالت دارد و ثالثاً این توقیع را بسیاری از علمای شیعه در کتاب‌های خود آورده‌اند،<sup>۲</sup> ولی هیچ کدام جز میرزای نوری به آن اشکال سندی نمی‌کند و ایشان نیز به راوی اشکال نمی‌کند، بلکه می‌گویند:

«انه خبر واحد مرسل»<sup>۳</sup> که این اشکال نیز وارد نیست؛ زیرا وفات شیخ صدوق، سال «۳۸۱ ق» است و وفات علی بن محمد سمري، نایب چهارم در سال «۳۲۹ ق»، و شیخ صدوق می‌تواند با یک واسطه از نایب چهارم، حدیثی را مسند نقل کند و آن واسطه، «ابومحمد حسن بن احمد المکتب» است.

## بیان احادیث

۱. «... تری و لاتری الی الوقت و الوعد و نداء المنادی من السماء...»<sup>۴</sup>
۲. «... القائم المهدي بن الحسن لا یری جسمه ولا یسمی باسمه احد بعد غیبه حتی یراه یعلن باسمه و یسمعه کل خلق...»<sup>۵</sup>
۳. «... و سیأتی شیعتی من یدعی المشاهدة ألا فمن ادعی المشاهدة قبل

۱. «عیون الاخبار»، ج ۱، ص ۲۲۲، باب ۲۰، حد ۲ و ج ۲، ص ۱۷۴، باب ۴۳، حد ۱.

۲. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۲۹۴، باب ۴۵، حد ۴۵؛ «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۳۹۵، حد ۳۶۵؛ «کشف النعمة»، ج ۲، ص ۵۳۰؛ «احتجاج طبرسی»، ج ۲، ص ۴۷۸؛ «الخرائج و الجرائح»، ج ۳، ص ۱۱۲۹؛ «اعلام الوری»، ص ۴۴۵؛ «بحار الانوار»، ج ۱۵، ص ۳۶۰ و ج ۵۲، ص ۱۵۱؛ «اثبات الهداة»، ج ۳، ص ۶۹۳.

۳. «بحار الانوار»، ج ۵۳، ص ۳۱۸، جنه المأوی.

۴. «الغیبة نعمانی»، ص ۱۴۴، باب ۱۰، حد ۳؛ «بحار الانوار»، ج ۲۸، ص ۷۰، باب ۲، حد ۳۱.

۵. «الهدایة الكبرى»، ص ۳۶۴؛ «مستدرک الوسائل»، ج ۱۲، ص ۲۸۵، باب ۳۱، حد ۱۵.

خروج السفیانی و الصیحة فهو كاذب مفتر...»<sup>۱</sup>

### دلالت این احادیث

در سه روایت فوق، دیده شدن حضرت مهدی علیه السلام به اعلان نام مبارکشان از آسمان منوط شده است، یعنی اگر کسی بعد از ندای آسمانی ادعا کند که حضرت را دیده است، می‌توان سخن او را پذیرفت و این مطلب، نشان‌گر ظهور حضرت مهدی علیه السلام بعد از ندای آسمانی است. چنان که در روایتی داریم:

یخرج القائم مما یسمع؛ و قائم علیه السلام بعد از شنیدن ندای آسمانی خارج می‌شود.<sup>۲</sup>

### جمع‌بندی این سه دسته از روایات

برای جمع این احادیث دو وجه می‌توان بیان کرد: وجه اول، ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان است و قیام از کنار کعبه در روز دهم محرم، ولی بعد از ندای آسمانی حضرت ظاهر می‌شوند تا مقدمات قیام را فراهم کنند. احادیثی که بر دیده شدن حضرت مهدی علیه السلام بعد از ندای آسمانی یا ظهور ایشان دلالت دارد و همچنین روایات دسته اول که ندای آسمانی را در ماه مبارک رمضان و قیام را روز دهم محرم معرفی می‌کرد، می‌توانند مؤید این وجه باشند.

از طرف دیگر، احادیثی که بر خروج حضرت مهدی علیه السلام هنگام ندای

۱. «کمال الدین و تمام النعمه»، ج ۲، ص ۲۹۴، باب ۴۵، حد ۴۵؛ «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۳۹۵، حد ۳۶۵.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد ۶.

آسمانی از مکه دلالت داشتند، با این وجه سازگار نیست. مگر این که بگوییم فاصله زمانی، میان ندای ماه مبارک رمضان و قیام دهم محرم به قدری کم است که به حساب نیامده است.

وجه دوم، ندای آسمانی تکرار می‌شود، ندای اول در ماه مبارک رمضان است و ندای دوم در اول روز دهم محرم که قیام از کنار کعبه در همان روز صورت می‌گیرد.

روایاتی که زمان ندا را اول روز می‌دانست و زمانی برای آنها تعیین نمی‌کرد،<sup>۱</sup> می‌تواند مؤید این مطلب باشد؛ به خصوص این که محتوای این احادیث با محتوای روایاتی که زمان ندا را در ماه مبارک رمضان می‌دانست، متفاوت است. محتوای ندای ماه مبارک رمضان، معرفی نام و نسب حضرت مهدی علیه السلام، ولی محتوای ندای اول، روز بیان حقانیت و رستگاری علی و شیعیان است. علاوه بر این، در احادیث دسته دوم روایت آخر، به متصل بودن ندای آسمانی به خروج حضرت مهدی علیه السلام از کنار کعبه صراحت دارد که با این وجه سازگار است، ولی این حدیث از جهت محتوای ندا منفرد است.

در نتیجه، بنا بر آن چه در بحث زمان ندای آسمانی مطرح شد، نظر ما پذیرش وجه اول است.

#### نظر اندیشمندان

وجه اول با نقل کتاب «تاریخ ما بعد الظهور» سازگار است؛ زیرا این کتاب، یک ندا از آسمان را می‌آورد و دو ندا را نمی‌پذیرد.<sup>۲</sup> کتاب «مهدی منتظر»،

۱. این احادیث در قسمت زمان ندای آسمانی مطرح شد.

۲. «تاریخ ما بعد الظهور»، ص ۱۳۰.

تعدد ندای آسمانی را مطرح می‌کند و همان‌طور که در بحث زمان ندای آسمانی گذشت، وجه دوم با نقل این کتاب، سازگارتر است؛ هر چند ایشان، ندای اول روز را مربوط به اول روز بیست و سوم بعد از ندای آسمانی در شب می‌داند، ولی قائل به بیش از دو ندا از آسمان توسط جبرئیل امین است.<sup>۱</sup> و کتاب «الامام المهدي عليه السلام من المهد الى الظهور»، تعدد ندا را ذکر می‌کند و وجه دوم به نقل این کتاب نزدیک‌تر است. ایشان می‌گویند:

فالنداء الاول يكون في شهر رجب و النداء الثاني يكون في

شهر رمضان و النداء الثالث يكون في شهر محرم.<sup>۲</sup>

ولی ندای در ماه رمضان را دارای اهمیت بیشتری می‌داند.

نکته‌ای که در خاتمه این بحث، قابل ذکر است، این که فاصله میان ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان و قیام حضرت مهدی عليه السلام در روز دهم محرم از کنار کعبه چه مقدار است. آیا فاصله، سه ماه و هفده روز است؟ یا یک سال و سه ماه و هفده روز؟ و یا بیش از یک سال و سه ماه و هفده روز؟ پاسخ: ندای آسمانی، اعلان‌کننده فرا رسیدن زمان ظهور است. بالطبع، فاصله میان ندای آسمانی و قیام نباید زیاد باشد؛ به همین دلیل، اندیشمندان مباحث مهدویت، قائل به فاصله سه ماه و هفده روز شده‌اند.

در کتاب «تاریخ ما بعد الظهور» آمده است:

سيكون ظهوره عليه السلام في اليوم العشر من المحرم، أي أن الفاصل

بين النداء و الظهور حوالي مئة و سبعة أيام و الروايات لم

۱. «مهدی منتظر عليه السلام»، ص ۲۸۱.

۲. «الامام المهدي عليه السلام من المهد الى الظهور»، ص ۴۰۹.



تنص على هذا التابع إلا أنه من غير المحتمل أن يكون النداء في رمضان من بعض السنين و يكون الظهور في محرم بعد عدة سنين أخرى و لا حتى بعد مدار سنة كاملة ای بعد عام و ثلاثة اشهر و سبعة عشر ايام و لعل اهم دليل على التابع و نفي الانفصال هو ما استفدناه من اخبار النداء من كون حدوث النداء انما هو للتنبيه و الإعلان عن حصول الظهور و هذا إنما يصدق في الزمان القريب؛ ظهور امام عليه السلام در روز دهم محرم می باشد، یعنی فاصله میان نداء و ظهور، تقریباً صد و هفت روز است و روایات بر این تابع، تصریح ندارند، ولی بعید است نداء در رمضان سالی باشد و ظهور در محرم چند سال دیگر واقع شود و حتی بعید است فاصله میان این دو، یک سال و سه ماه و هفده روز باشد و شاید مهم ترین دلیل بر نبودن فاصله و پشت سر هم بودنشان، چیزی باشد که از اخبار ندا استفاده می شود و آن، واقع شدن نداء برای آگاهی و اعلان از آمدن ظهور است و این مطلب، فقط بر زمان نزدیک، تطبیق پذیر است.<sup>۱</sup>

و در کتاب «الامام المهدي عليه السلام من المهد الى الظهور» در مورد فاصله میان نداء و ظهور گفته شده است:

لقد قرأت احاديث الصيحة السماوية و انها تكون في شهر رمضان و الظاهر ان ظهور الامام المهدي عليه السلام يكون مقارناً لتلك الصيحة؛ روایات صیحه آسمانی را خواندید و این که

۱. «تاریخ ما بعد الظهور»، ص ۲۱۴.

آن در ماه رمضان است و ظاهر بودن ظهور حضرت مهدی علیه السلام، نزدیک آن صیحه آسمانی است.<sup>۱</sup>

البته در این کتاب بین **ظهور** و **قیام** تفاوت قائل شده و می‌نویسد:  
 ويجب أن لا تنسى الفرق بين الظهور و بين القيام، فالظهور هو الخروج عن الاستتار و الاختفاء و القيام هو النهضة و الثورة و الشروع بالعمل؛ لازم است فرق میان ظهور و قیام را فراموش نکنیم. ظهور، همان خارج شدن از پنهانی و مخفی زیستن است و قیام، انقلاب و برخاستن و دست به اقدام عملی زدن می‌باشد.<sup>۲</sup>

ایشان، ظهور را بعد از ندای آسمانی به فاصله نزدیک می‌داند و قیام را روز دهم محرم بیان می‌کند.

### د. محتوای ندای آسمانی

مضمون ندای آسمانی را می‌توان به دو قسمت اخباری و انشائی تقسیم کرد. مراد از محتوای اخباری، مطالبی است که قالب دستوری ندارد و برای آگاهی مخاطبان است و مراد از محتوای انشائی، مطالبی است که قالب دستوری دارد و شنونده را به انجام اموری فرا می‌خواند.

### یکم: محتوای اخباری

بیشترین مطالبی که به عنوان محتوای اخباری در روایات ندای آسمانی

۱. «الامام المهدی علیه السلام من المهدی الی الظهور»، ص ۴۶۳.

۲. همان.

مطرح شده، معرفی حضرت مهدی علیه السلام به نام و نسب است و پس از آن، بر حق بودن حضرت علی علیه السلام و پیروانشان و بیان امامت و امارت صاحب الزمان علیه السلام است. در این جا به بیان برخی از موارد آن می پردازیم.

### ۱. معرفی حضرت مهدی علیه السلام به نام و نسب

بیش از بیست حدیث، محتوای ندای آسمانی را شناساندن حضرت مهدی علیه السلام به نام و نسب بیان می کند. این احادیث با متن های:

«باسم القائم و اسم ایبه»،<sup>۱</sup> «باسم صاحب الامر و اسم ایبه»،<sup>۲</sup> «باسم رجل و ایبه»،<sup>۳</sup> «باسمه و اسم ایبه و امه»،<sup>۴</sup> «فلان بن فلان القائم بالحق»،<sup>۵</sup> «ینادی باسمه»،<sup>۶</sup> «باسمه و اسم ایبه»،<sup>۷</sup> «ینادی باسم رجل من ولد ابی طالب»،<sup>۸</sup> «فلان بن فلان هو الامام باسمه»،<sup>۹</sup> «ان المهدي من آل محمد فلان بن فلان باسمه و اسم ایبه»،<sup>۱۰</sup> «ینادی باسم القائم»،<sup>۱۱</sup> «ان فلان بن فلان قائم آل محمد»،<sup>۱۲</sup> «ان

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۱۸۶، باب ۱۰، حد ۲۹، و باب ۱۴، حد ۱۵.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

۳. «المحجة»، ص ۱۶۰.

۴. «تفسیر العیاشی»، ج ۱، ص ۲۴۴، حد ۱۴۷.

۵. «تأویل الآيات الظاهرة»، ج ۲، ص ۱۳۲.

۶. «تأویل الآيات الظاهرة»، ج ۱، ص ۳۸۶.

۷. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۱، ص ۵۹۷، باب ۳۲، حد ۷.

۸. «الکافی»، ج ۸، ص ۱۷۸، حد ۲۵۵.

۹. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۵، باب ۵۷، حد ۴.

۱۰. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۷.

۱۱. «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۹؛ «اعلام الوری»، ص ۴۵۹.

۱۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد ۶.

القائم صلوات الله عليه ينادى اسمه»<sup>۱</sup> «فيه ينادى باسم صاحبكم و اسم ابيه»<sup>۲</sup> «إن فلاناً هو الامير»<sup>۳</sup> «إن الامر لفلان بن فلان»<sup>۴</sup> «باسم القائم»<sup>۵</sup> «ينادى باسمه و كنيته و نسبه»<sup>۶</sup> و «باسم صاحب الامر»<sup>۷</sup> از پیشوایان معصوم عليهم السلام نقل شده‌اند و از میان آنها سند پنج حدیث معتبر است، ولی به دلیل کثرت روایات در این مورد نیازی به بحث سندی نیست و ندای به اسم و نسب حضرت مهدی عجل الله فرجه امری مسلم محسوب می‌شود.

## ۲. بیان امارت و حکومت برای حضرت مهدی عجل الله فرجه

از میان احادیث ندای آسمانی، هفت روایت، بخشی از محتوای ندای آسمانی را بیان امارت برای صاحب الزمان عجل الله فرجه معرفی می‌کنند. این روایات با واژه‌های:

«ولی الامر خیر امة محمد»<sup>۸</sup> «هذا المهدي خليفة الله»<sup>۹</sup> «إن وليكم فلان بن فلان القائم بالحق»<sup>۱۰</sup> «فلان بن فلان هو الامام»<sup>۱۱</sup> «إن فلاناً هو الامير»<sup>۱۲</sup>

۱. «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۵۲، حد ۴۵۸.

۲. «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۷۲، باب ۲۵، حد ۱۶۵.

۳. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۸.

۴. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۵، باب ۱۴، حد ۳۳ و ۳۴ و ۳۵.

۵. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۱، باب ۱۴، حد ۲۵ و ص ۲۷۰ حد ۲۳.

۶. «بحار الانوار»، ج ۵۳، ص ۱.

۷. «تفسیر القمی»، ج ۲، ص ۱۱۸.

۸. «الاختصاص»، ص ۲۰۸.

۹. «کفایة الاثر»، ص ۱۴۷.

۱۰. «تأویل الآيات الظاهرة»، ج ۲، ص ۷۳۲.

۱۱. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۵، باب ۵۷، حد ۴.

۱۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۸.

«به يعرف صاحب هذا الامر»<sup>۱</sup> و «إن الامر لفلان بن فلان»<sup>۲</sup> بر این مطلب دلالت دارند.

از میان اینها، احادیث پنجم، ششم و هفتم - که سه عبارت آخری از آنها نقل شده است - از جهت سند معتبر هستند. بیان امارت حضرت مهدی عجل الله فرجه در این احادیث با واژه‌های «ولی امر»، «خلیفة الله»، «ولیکم»، «امام»، «امیر»، «صاحب الامر» و «الأمر لفلان» آمده است. و می‌توان این مطلب را پذیرفت، یعنی در ندای آسمانی، اشاره‌ای به بیان امارت حضرت می‌شود.

### ۳. معرفی اهل حق و رهبر آنان به جهانیان

ده حدیث، محتوای ندای آسمانی را بیان حقانیت حضرت علی عجل الله فرجه یا حضرت مهدی عجل الله فرجه و پیروانشان می‌شمارند. این روایات با عبارتهای:

«الا إن الحق مع علی و شیعته»<sup>۳</sup> «بأن الحق فیه و فی شیعته»<sup>۴</sup> «إن الحق فی علی و شیعته»<sup>۵</sup> «إن علیاً و شیعته هم الفائزون»<sup>۶</sup> «ألا إن الحق فی علی بن ابی طالب عجل الله فرجه و شیعته»<sup>۷</sup> «بأن الحق مع علی و شیعته»<sup>۸</sup> و «ألا إن حجة الله قد

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۶، باب ۱۴، حد ۱۶.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۵، باب ۱۴، حد ۳۳ و ۳۴ و ۳۵.

۳. «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۱؛ «کشف النعمة»، ج ۲، ص ۴۵۹.

۴. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۱، ص ۶۰۳، باب ۳۲، حد ۱۶.

۵. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۵۷، حد ۱۴؛ «الغیبة تسبیح طوسی»، ص ۴۳۵، حد ۴۲۵ و

ص ۴۵۴ حد ۴۶۱؛ «الخرائج و الجرائح»، ج ۳، ص ۱۱۶۱.

۶. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۸؛ «الکافی»، ج ۸، ص ۲۵۸.

۷. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹.

۸. «اثبات الهداة»، ج ۳، ص ۵۷۰، باب ۳۲، فصل ۴۴، حد ۶۸۶؛ «تواتنا»، سال چهارم، ش دوم، ص ۲۱۶،

ظهر... فإن الحق معه و فيه»<sup>۱</sup> نقل شده‌اند.

از میان این ده روایت، شش حدیث از جهت سند معتبر هستند که عبارت‌های: سوم، چهارم، پنجم، ششم و هفتم از آنها نقل شده‌اند. این روایات، محتوای ندا را حقانیت حضرت علی علیه السلام و پیروانشان و حقانیت حضرت مهدی علیه السلام معرفی می‌کنند تا به این وسیله، پیروان حق از صدر اسلام و جایگاه حضرت مهدی علیه السلام به عنوان پرچمدار حق در آخر الزمان به همگان شناسانده شوند.

#### ۴. معرفی توصیفی حضرت مهدی علیه السلام

از میان احادیث، چند روایت، بخشی از محتوای ندای آسمانی را معرفی توصیفی حضرت مهدی علیه السلام دانسته و با لقب‌های ارزش‌مند از او یاد می‌کنند. این روایات با واژه‌های: «خیر امة محمد»،<sup>۲</sup> «القائم بالحق»،<sup>۳</sup> «قائم آل محمد»،<sup>۴</sup> «حجة الله»،<sup>۵</sup> امام عصر علیه السلام را می‌ستایند که نشانه برتری و قیام بر حق کردن و از دودمان پیامبر گرامی اسلام و حجت خدا بودن ایشان است.

#### ۵. خبر دادن ظهور حضرت مهدی علیه السلام

این مطلب در حدیث معتبری از حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام با عبارت

۱. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۶۰، باب ۳۵، حد ۵.

۲. «الاختصاص»، ص ۲۰۸؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۳۰۴، باب ۲۶، حد ۷۳.

۳. «تأویل الآيات الظاهرة»، ج ۲، ص ۷۳۲؛ «البرهان»، ج ۴، ص ۴۰۰.

۴. «الغیبة نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد ۶؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۱۹، باب ۲۱، حد ۴۸.

۵. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۶۰، باب ۳۵، حد ۵؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۳۲۱، باب ۲۷،

ذیل آمده است:

ألا إن حجة الله قد ظهر عند بيت الله فاتبعوه فإن الحق معه و  
فيه؛ آگاه باشید حجت خدا، کنار خانه خدا ظاهر شده است،  
از او پیروی کنید؛ همانا حق با او و در وجود اوست.<sup>۱</sup>

### ۶. خبر از پایان حکومت جباران

در روایتی از حذیفه از پیامبر گرامی اسلام آمده است: «إذا كان عند خروج  
القائم ينادى مناد من السماء ايها الناس قطع عنكم مدة الجبارين».<sup>۲</sup> که خبر از  
پایان حکومت جباران و گردنکشان می‌دهد. این روایت از جهت سند،  
ضعیف، و از منابع عامه، نقل شده است.<sup>۳</sup>

### دوم: محتوای انشایی

مطالب دستوری ندای آسمانی که توسط جبرئیل امین عليه السلام اعلان می‌شود،  
چیست؟ در این قسمت به بیان آن چه از روایات ندای آسمانی در این مورد  
استفاده می‌شود، می‌پردازیم.

#### ۱. دستور رفتن به مکه

در حدیثی که از حذیفه از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم نقل شده، این مطلب در محتوای  
ندا با عبارت «فالحقوا بمكة»<sup>۴</sup> بیان شده است؛ ولی حدیث از جهت سند،  
ضعیف، و از منابع عامه نقل شده است.

۱. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۶۰ باب ۳۵، حد ۵.

۲. «الاختصاص»، ص ۲۰۸.

۳. «السنن الواردة فی الفتن»، باب ثالث، ص ۶۱ «عقد الدرر فی اخبار المنتظر»، جزء ۱، ص ۷ و ص ۱۹.

۴. «الاختصاص»، ص ۲۰۸؛ «السنن الواردة فی الفتن»، باب ثالث، ص ۶۱.

در روایت دیگری از ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام، این مطلب به عنوان محتوای ندا مطرح نشده است، ولی خود امام باقر علیه السلام دستور به رفتن می‌دهد. در این حدیث آمده است:

فاذا نادى فالنفير النفير فوالله لكأنى انظر اليه بين الركن و  
المقام...؛ وقتی ندا داده شد کوچ کنید، کوچ کنید. به خدا  
قسم، گویا او را میان رکن و مقام می‌نگرم.<sup>۱</sup>

این حدیث نیز از جهت سند، ضعیف است؛ ولی یکی از وظایف مؤمنان برای یاری حضرت مهدی علیه السلام رفتن به سوی مرکز قیام است و آن، جایی جز شهر مکه و بیت الله الحرام نیست.

## ۲. دستور به پیروی از حضرت مهدی علیه السلام

سه حدیث، این مطلب را بخشی از محتوای ندای آسمانی با عبارتهای «فاتبعوه»<sup>۲</sup> و «فاسمعوا له و اطيعوه»<sup>۳</sup> معرفی می‌کنند. از میان اینها، تنها یک روایت - که از حسین بن خالد از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده است - از جهت سند، معتبر است که عبارت اول، مشترک میان این حدیث و روایتی است که از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است. در این احادیث، از مردم خواسته شده تا از دستورات امام مهدی علیه السلام اطاعت و از او پیروی کنند.

## ۳. دستور قیام به حضرت مهدی علیه السلام

تنها یک حدیث - که از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است -

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۰، باب ۱۴، حدیث ۲۲؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۵، باب ۲۵، حدیث ۱۰۳.

۲. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۶۰، باب ۳۵، حدیث ۵؛ «کفایة الاثر»، ص ۱۴۷.

۳. «الغیبة نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حدیث ۶؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۱۹، باب ۲۱، حدیث ۴۸.



محتوای ندا را متوجه حضرت مهدی علیه السلام می‌داند؛ نه مردم. و در آن آمده است: «ینادی باسم القائم یا فلان بن فلان قم»<sup>۱</sup> و به حضرت مهدی علیه السلام دستور قیام می‌دهد. این روایت از جهت سند، ضعیف است، ولی شاید اشاره به دستور خداوند به امام زمان علیه السلام برای قیام داشته باشد و با آن، اذن ظهور حضرت داده شود و ربطی به ندای آسمانی ندارد؛ مانند روایاتی که بر ندای شمشیر حضرت در هنگام ظهور دلالت دارند که می‌گوید: «قم یا ولی الله فاقتل اعداء الله»<sup>۲</sup> یا ندای عَلَم حضرت که می‌گوید: «فناداه العلم اخرج یا ولی الله فاقتل اعداء الله»<sup>۳</sup> که مخاطب در این موارد، خود حضرت مهدی علیه السلام است.

#### ۴. بازداشتن از قتل و خونریزی

سه روایت که از جهت مضمون با یکدیگر مشابه هستند و هر سه از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده‌اند و در کتاب الغیبه نعمانی پشت سر هم آمده است، بازداشتن از قتل و خونریزی را به عنوان محتوای ندای آسمانی آورده‌اند.

متن یکی از این روایات:

يقول: إنه ینادی باسم صاحب الامر من السماء، ألا إن الامر لفلان بن فلان فقیم القتال؟<sup>۴</sup> فرمود: همانا منادی ندا

۱. «الغیبه نعمانی»، ص ۲۸۷، باب ۱۴، حد ۶۴ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۴۶، باب ۲۵، حد ۱۲۶.  
 ۲. «کفایة الاثر»، ص ۲۶۶؛ «بحار الانوار»، ج ۳۶، ص ۴۰۹ و ج ۵۲، ص ۳۰۳، باب ۲۶، حد ۷۲.  
 ۳. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۱، ص ۴۹۸، باب ۲۴، حد ۱۱؛ «عیون الاخبار»، ج ۱، ص ۶۳۱.  
 ۴. «الغیبه نعمانی»، ص ۲۷۵، باب ۱۴، حد ۳۳ و ۳۴ و ۳۵.

می دهد به اسم صاحب الامر از آسمان که آگاه باشید ای فلان بن فلان است، پس برای چه جنگ می کنید؟

این حدیث و یکی از دو حدیث دیگر از جهت سند، معتبر هستند و به نظر می رسد یک روایت با سه نقل متفاوت باشند. این احادیث علاوه بر مطلب یاد شده بر جنگ و خونریزی در هنگام اعلان ندا از آسمان دلالت می کنند.

### هـ مخاطبان ندای آسمانی

تمام اهل زمین، ندای آسمانی را می شنوند. این مطلب در احادیث اهل بیت علیهم السلام با تعبیر مختلف بیان شده است. در این قسمت به بیان موارد آن و همچنین چگونگی شنیدن صوت توسط مخاطبان می پردازیم:

#### یکم: بیان همگانی بودن ندای آسمانی

##### ۱. شنیدن اهل مشرق و مغرب

این مطلب با عبارت های: «فیسع من بالشرق و من بالمغرب»<sup>۱</sup> «یسع اهل الشرق و المغرب»<sup>۲</sup> و «فیسع ما بین المشرق الی المغرب»<sup>۳</sup> در چهار حدیث آمده است. از میان اینها، یک روایت با سند معتبر از حسن بن زیاد صیقل از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که متن دومی، مربوط به آن می باشد.

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۰، باب ۲۵، حد ۹۶.

۲. «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۱۷۷، حد ۱۳۴؛ «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۵، باب ۱۴، حد ۱۴.

۳. «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۵۴، حد ۴۶۲؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۰، باب ۲۶، حد ۳۲.

## ۲. شنیدن تمام اهل زمین

سه حدیث با واژه های: «فیؤمن اهل الارض اذا سمعوا الصوت من السماء»<sup>۱</sup>، «یسمعه جمیع اهل الارض بالدعاء الیه»<sup>۲</sup> و «یعلن باسمه و یسمعه کل خلق»<sup>۳</sup> بر این مطلب دلالت می کنند و از میان اینها دو حدیث اول و دوم که از امام جعفر صادق علیه السلام و امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده اند، از جهت سند، معتبر هستند. البته حدیث چهارمی از امام جعفر صادق علیه السلام وجود دارد که این مطلب از آن فهمیده می شود. در این روایت آمده است:

فیؤمن اهل الارض جمیعاً للصوت الاول؛ پس تمامی اهل زمین به صدای اول، ایمان می آورند.<sup>۴</sup>

در این حدیث به ایمان تمامی اهل زمین به دلیل صوت اول که همان ندای جبرئیل علیه السلام از آسمان است، اشاره شده است، ولی ایمان و تسلیم شدن بدون شنیدن امکان ندارد؛ پس اینان، ابتدا، صدا را می شنوند و سپس در مقابل آن تسلیم می شوند.

## ۳. شنیدن تمامی جانداران

در حدیثی که از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است، در مورد ندای آسمانی آمده است:

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹.

۲. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۶۰، باب ۳۵، حد ۵.

۳. «الهدایة الكبرى»، ص ۳۶۴؛ «معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام»، ج ۴، ص ۱۶۰، حد ۱۲۱۷.

۴. «الغیبة نعمانی»، ۲۶۹، باب ۱۴، حد ۲۰؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۳، باب ۲۶، ذیل حد ۴۰.

فلا يبقى شيء خلق الله فيه الروح الا يسمع الصيحة؛ چیزی از مخلوقات پروردگار که روح دارد نمی‌ماند؛ مگر این که صیحه را می‌شنوند.<sup>۱</sup>

این روایت از جهت سند، ضعیف است.

#### ۴. ندای آسمانی عام است نه خاص

یکی دیگر از مطالبی که عمومی بودن ندای آسمانی را می‌رساند، بیان عام بودن و مخصوص گروه خاصی نبودن ندای آسمانی است. زرارة بن اعین در حدیثی می‌گوید:

از امام جعفر صادق عليه السلام در مورد ندای آسمانی به اسم حضرت مهدی عليه السلام پرسیدم: ندای آسمانی، خاص است یا عام و همگانی؟ امام فرمود: «عام يسمع كل قوم بلسانهم»<sup>۲</sup>؛ عام است و هر قومی با زبان خود، آن را می‌شنوند.

این روایت از جهت سند، معتبر است و تمامی راویان آن توثیق شده‌اند.

#### دوم: شنیدن هر قومی به زبانشان

ویژگی دوم ندای آسمانی برای مخاطبان، شنیدن هر گروهی به زبان خودشان است.

یعنی اگر زبان مادری کسی عربی است، عربی می‌شنود و اگر فارسی است، فارسی می‌شنود و همچنین هر زبان دیگر، هر کسی به زبان مادری خودش ندا را می‌شنود. سه حدیث که هر سه از جهت سند، معتبر هستند،

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد ۶.

۲. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، حد ۸.

این مطلب را آورده‌اند. عبارت‌های این روایات: «یسمعه کل قوم بالسنتهم»<sup>۱</sup>، «زراره می‌گوید از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: النداء حق؟ قال: ای و الله حتی یسمعه کل قوم بلسانهم»<sup>۲</sup> و عبارت سوم، حدیثی است که پیش‌تر بیان شد و عبارت آن، این است: «عام یسمع کل قوم بلسانهم»<sup>۳</sup>.

به هر حال با وجود این سه حدیث معتبر، این مطلب، اثبات‌پذیر است. این احادیث علاوه بر مطلب یاد شده، بر همگانی بودن ندای آسمانی نیز دلالت می‌کنند.

### سوم: یکنواختی صدا برای همگان

ویژگی سوم ندای آسمانی برای مخاطبان، یکنواختی شنیده شدن آن است. یعنی مخاطبان ندای آسمانی در هر کجا باشند، به صورت یکسان، آن را می‌شنوند و دوری یا نزدیکی در آن معنا ندارد. در حدیث معتبری که از حسن بن محبوب از امام رضا علیه السلام نقل شده، آمده است:

قد نودوا نداءً یسمع من بعد کما یسمع من قرب؛ به تحقیق، ندایی داده می‌شوند که از دور شنیده می‌شود همان‌طور که از نزدیک شنیده می‌شود.<sup>۴</sup>

این حدیث از جهت سند، معتبر است و از جهت طبقه نیز مشکلی ندارد و تمامی راویان آن توثیق شده‌اند.

۱. «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۳۵، حد ۴۲۵.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۸۲، باب ۱۴، حد ۵۴.

۳. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، حد ۸؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۰۵، باب ۲۵، حد ۳۵.

۴. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۹، باب ۳۵، حد ۳؛ «عیون الاخبار»، ج ۲، باب ۳۰، حد ۱۴.

## نکته پایانی

در برخی از روایات با این عبارتها مواجه می‌شویم:

۱. «یسمع اهل المشرق و المغرب حتی تسمعه الفتاة من خدرها»<sup>۱</sup>

۲. «تسمع الفتاة فی خدرها و یسمع اهل المشرق و المغرب»<sup>۲</sup>

۳. «حتی تسمعه العذراء فی خدرها فتحرّض أباهما و اخاها علی الخروج»<sup>۳</sup>

مراد از «شنیدن دختران پرده‌نشین» در این احادیث چیست؛ به خصوص در دو حدیث اول می‌بینیم که آن در کنار شنیدن اهل مشرق و مغرب ذکر شده است. این احادیث، بیانگر این مطلب است که دختران پشت پرده معمولاً در اندرونی خانه هستند و صدا به قدری آشکار است و همه انسان‌ها را شامل می‌شود که حتی دخترانی که درون خانه هستند و معمولاً صداهای بیرون خانه به آنان نمی‌رسد، این صدا را می‌شنوند و بنا بر روایت سوم نه تنها می‌شنوند، بلکه عکس العمل از خود نشان داده و اهل خانواده را وادار به خارج شدن و با خبر شدن از آن می‌کنند که صدا از کجا بود و گوینده آن چه کسی بوده است.

حدیث دوم از حیث سند، معتبر است و دو حدیث دیگر می‌توانند مؤید

این مطلب باشند.

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۵، باب ۱۴، حد ۱۴، «اثبات الهداة» ج ۳، ص ۷۳۶، حد ۱۰۱.

۲. «الغیبة تسبیح طوسی»، ص ۱۷۷، حد ۱۳۴؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۸۵، باب ۲۶، حد ۱۵.

۳. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳. «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۰، باب ۲۵، حد ۹۶.

### و. غیر منتظره بودن ندای آسمانی

حالاتی که مخاطبان ندای آسمانی در هنگام شنیدن آن از خود بروز می‌دهند، نشان‌گر غیر منتظره بودن آن برای آنهاست. این حالت‌ها نوعی ترس، همراه با حیرت و تعجب را نشان می‌دهند.

امام جعفر صادق علیه السلام در ذیل آیه ۴ سوره شعراء می‌فرماید:

اذا سمعوا الصوت اصبحوا و كأنما علی رؤوسهم الطیر؛

وقتی صدا (ندای آسمانی) را می‌شنوند، مانند کسانی خواهند

بود که پرندهای بر سرشان نشسته است.<sup>۱</sup>

این روایت، شدت تعجب و حیرت و ترس مخاطبان را نشان می‌دهد و آن را به فردی تشبیه می‌کند که پرندهای بر روی سرش نشسته و برای فرار نکردن آن سرجایش بی‌حرکت می‌ماند. در این قسمت به بیان تأثیرات ابتدایی ندای آسمانی بر روی مخاطبانش می‌پردازیم:

### یکم: کرنش و ایمان ابتدایی

اولین تأثیر ندای آسمانی بر روی مخاطبان، خضوع و تسلیم در برابر آن است که احادیث ذیل آیه ۴ سوره شعراء به بیان آن می‌پردازند. چهار حدیث به این مطلب با عبارتهای:

۱. «فیؤمن اهل الأرض جميعاً للصوت الأول»؛ تمامی اهل

زمین به صدای اول (ندای آسمانی) ایمان می‌آورند.<sup>۲</sup>

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۰، باب ۱۴، حد ۲۳؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۳، باب ۲۶، حد ۴۱.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۹، باب ۱۴، حد ۲۰.

۲. «فلا یبقی فی الارض یومئذ أحد إلا خضع و ذلت رقبتہ لها فیؤمن اهل الارض اذا سمعوا الصوت من السماء»؛ در آن هنگام، کسی بر روی زمین نمی ماند؛ مگر این که گردنش در مقابل ندای آسمانی، خاضع و افتاده می شود و اهل زمین، وقتی صدا را از آسمان می شنوند، به آن ایمان می آورند.<sup>۱</sup>

۳. «فقلت له: أھی الصیحة؟ فقال اما لو کانت خضعت اعناق اعداء الله عزوجل»؛<sup>۲</sup> از حضرت پرسیدم: آیا مراد از آیه (چهارم سوره شعراء) صیحه است؟ فرمود: اگر مراد، آن باشد، گردن های دشمنان خداوند عزوجل در برابر آن خاضع می شود.

۴. «تخضع رقابهم یعنی بنی امیه و هی الصیحة من السماء باسم صاحب الامر»؛<sup>۳</sup> گردن هایشان، یعنی بنی امیه، خاضع می شود و آن صیحه آسمانی به اسم صاحب الامر علیه السلام است.

از میان این احادیث، روایت دوم، سوم و چهارم از جهت سند، معتبر هستند. روایات اول و دوم، خضوع و خشوع را همگانی می دانند و با واژه های: «اهل الارض جمیعاً» و «فلا یبقی فی الارض یومئذ أحد»، این مطلب را می رسانند، ولی احادیث سوم و چهارم، این خضوع و خشوع را متوجه کافران و دشمنان خداوند می دانند و با عبارت های: «خضعت اعناق اعداء الله» و «تخضع رقابهم یعنی بنی امیه» بر این مطلب دلالت می کنند. تأکید بر روی

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۲، باب ۲۶، حد ۴۰.

۲. «الکافی»، ج ۱، ص ۲۵۸، حد ۴۸۳.

۳. «تفسیر القمی»، ج ۲، ص ۱۱۸؛ «تفسیر الصافی»، ج ۴، ص ۲۹.



خضوع و کرنش دشمنان خداوند در دو حدیث آخری به دلیل اهمیت آن است؛ زیرا مؤمنان در برابر امر الهی با دیدن یا ندیدن معجزه، سر تسلیم فرود می‌آورند، ولی کافران به راحتی سر تسلیم فرود نمی‌آورند؛ مگر این که چیزی رخ دهد که مجبور به این کار شوند. از این جهت، بر روی خضوع آنان تأکید بیشتری شده است.

### دوم: بیرون آمدن دختران پرده نشین

معمولاً دختران در زمان گذشته کمتر از خانه‌ها بیرون می‌آمدند و بیرون آمدن برخی از آنها به ندرت اتفاق می‌افتاد و تا حد امکان در خانه، آن هم در اندرونی می‌ماندند و به این جهت به آنان، دختران پشت پرده می‌گفتند، ولی تأثیر آنی ندای آسمانی به قدری است که این دختران از خانه بیرون می‌آیند و حالت عادی خود را کنار می‌گذارند تا ببینند چه خبر است. این مطلب به یکی از دو وجه ذیل تفسیرپذیر است:

یک. در آن زمان، هر چند به تعداد کم، دخترانی بودند که به ندرت از خانه بیرون آمدند و این اطلاق بر آنان صحیح بود. دو. اهل بیت علیهم‌السلام برای بیان شدت تأثیر ندا بر روی مخاطبان، این مطلب را آورده‌اند که حتی کسانی که از خانه یا اندرونی بیرون نمی‌آیند؛ به سبب ندای آسمانی بیرون می‌آیند.

دو حدیث با عبارت‌های: «تخرج الفتاة من خدرها»<sup>۱</sup> و «تخرج العذراء من

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۶، باب ۱۴، حد ۱۷؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۴، باب ۲۵، حد ۱۰۰.

خدرها<sup>۱</sup> به بیان این مطلب می‌پردازند که حدیث اول از جهت سند، معتبر است. البته اگر سه حدیث فزعه در ماه مبارک رمضان را که عبارت «تخرج الفتاة من خدرها»<sup>۲</sup> را دارند، اضافه کنیم؛ در مجموع، پنج حدیث می‌شوند و نکته دیگری که در مورد این احادیث است، این که این ندا در ماه رمضان است که در این روایات به آن اشاره شده است.

شاید این سؤال مطرح شود که در قسمت قبلی برای همگانی بودن ندای آسمانی و شنیدن تمامی افراد، عبارت: «حتى تسمعه العذراء في خدرها فتخرج أباهن و أخاهن على الخروج»<sup>۳</sup> آمده بود و این بدان معناست که دختران پرده‌نشین، خود بیرون نمی‌آیند، بلکه پدر و برادرشان را تشویق به خروج و فهمیدن ماجرا می‌کنند، ولی در احادیث مطرح شده است که سخن از خروج دختران پرده‌نشین است و این دو مطلب با هم سازگار نیست؟ پاسخ به این سؤال به سه صورت امکان دارد:

۱. ممکن است بیشتر دختران پرده‌نشین بیرون آیند، ولی برخی از آنان به دلیل حیای بیشتر خود بیرون نیایند، ولی به دلیل تأثیر ندا بر آنان، دیگران را تشویق به بیرون رفتن کنند.
۲. این حدیث از حیث سند، ضعیف است و می‌توان آن را کنار گذاشت، یعنی حدیث «حتى تسمعه العذراء...».
۳. بیان شنیدن دختران پرده‌نشین یا خروج آنان برای مطرح کردن این مطلب

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد ۶ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۱۹، باب ۲۱، حد ۴۸.

۲. «الغیبة نعمانی». ص ۲۶۰، باب ۱۴، حد ۸ و ص ۲۶۱، حد ۱۱؛ «تأویل الآيات الظاهرة»، ص ۳۸۴.

۳. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

توسط اهل بیت علیهم السلام بوده است که نداء تأثیر شدیدی بر همگان می‌گذارد؛ حتی بر روی کسانی که در درون خانه با حوادث جامعه ارتباطی ندارند.

### سوم: بیدار شدن افراد خواب

یکی دیگر از تأثیرات ندای آسمانی بر روی افراد خواب است، یعنی صدا به قدری هولناک است که افراد خواب، آن را می‌شنوند و با شنیدن آن از خواب برمی‌خیزند یا به سبب اعجازی بودن آن، افراد خواب نیز جزء مخاطبان آن قرار می‌گیرند و با شنیدن آن از خواب، بیدار می‌شوند.

پنج حدیث با عبارت‌های: «توقظ النائم»،<sup>۱</sup> «لا یبقی راقداً إلا استیقظ... فزعاً من ذلک الصوت»،<sup>۲</sup> «فتوقظ النائم و یخرج الی صحن داره»<sup>۳</sup> و «فلایبقی راقداً إلا قام»<sup>۴</sup> بر بیدار شدن افراد خواب دلالت می‌کنند. حدیث اول از جهت سند، معتبر است. روایت اول، فقط اشاره به بیداری افراد خواب دارد، ولی حدیث دوم، بیداری آنان را ناشی از فزع و ترس می‌داند و روایت سوم، علاوه بر بیداری آنها اشاره به بیرون آمدن آنان به ایوان خانه نیز می‌کند که بیرون می‌آیند ببینند چه خبر است و حدیث دوم و دو حدیث آخر که عبارت آخر از آن دو نقل شده است، به وسیله استثناء و حدیث اول و سوم به وسیله اطلاق «النائم»، همه افراد خواب را شامل می‌شوند. روایت‌های «فزع» نیز عبارت «توقظ النائم» را آورده‌اند.

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۶، باب ۱۴، حد ۱۷؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۴، باب ۲۵، حد ۱۰۰.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۰، باب ۲۵، حد ۹۶.

۳. «الغیبة نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حد ۶.

۴. «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۵۴، حد ۴۶۲؛ «کفایة المهتدی»، ص ۲۸۸، ذیل حد ۳۹.

### چهارم: وحشت افراد بیدار

تنها حدیث عبایة بن ربیع از امیرالمؤمنان علی علیه السلام با عبارت «تفرع الیقظان»<sup>۱</sup> بر وحشت افراد بیدار از شنیدن صیحه آسمانی در ماه مبارک رمضان دلالت دارد. این حدیث از جهت سند، معتبر است و اطلاق واژه «الیقظان»، تمامی افراد بیدار را شامل می‌شود.

البته در سه حدیث «فزع»<sup>۲</sup>، عبارت «تفرع الیقظان» آمده است.<sup>۲</sup>

### پنجم: نشستن افراد ایستاده و ایستادن افراد نشسته

تأثیر ندای آسمانی بر روی افراد به حدی است که ایستادگان از ترس آن می‌نشینند و نشستگان می‌ایستند. سه روایت با عبارت‌های: «ولاقائم الاقعد و لا قاعد الاقام علی رجليه فزعا من ذلك الصوت»<sup>۳</sup> «ولاقائم الاقعد و لا قاعد الاقام علی رجليه من ذلك الصوت»<sup>۴</sup> بر این مطلب دلالت می‌کنند.

عبارت دوم، مربوط به دو حدیث است که یکی مقطوعه محمد بن مسلم است و به معصوم علیه السلام ختم نمی‌شود، ولی محمد بن مسلم، کسی نیست که حدیثی را از غیر معصوم نقل کند. و روایت دوم از محمد بن ابی عمیر از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده است. البته این حدیث در کتاب *کفایة المهتدی* آمده است که از متأخرین است و معاصر علامه مجلسی بوده است. ایشان به نقل از کتاب *الغیبه فضل بن شاذان* احادیثی را نقل می‌کند.

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۶، باب ۱۴، حد ۱۷؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۴، باب ۲۵، حد ۱۰۰.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۰، باب ۱۴، حد ۸ و ص ۲۶۱، حد ۱۱؛ «تأویل الآیات الظاهرة»، ص ۳۸۴.

۳. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۰، باب ۲۵، حد ۹۶.

۴. «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۵۴، حد ۴۶۲؛ «کفایة المهتدی»، ص ۶۶۸، ذیل حد ۳۹.

کتاب الغیبه فضل بن شاذان به دست ما نرسیده است. تقریباً تمامی احادیثی که عبارتهای مربوط به خروج دختران پرده‌نشین، بیدار شدن افراد خواب، به وحشت افتادن افراد بیدار و ایستادن نشستگان و نشستن ایستادگان را آورده‌اند، قید در ماه مبارک رمضان بودن را دارند. و فقط مقطوعه محمد بن مسلم، این قید را نیاورده است، ولی به قرینه ندا به اسم حضرت مهدی علیه السلام در ماه رمضان بودن آن ثابت می‌شود. علاوه بر این، در احادیثی، تعبیر صیحه به جای ندا در مورد ندای آسمانی در ماه مبارک رمضان استعمال شده است که اینها نشان از شدت صدا و وحشتی دارد که در همگان ایجاد می‌کند و شاید بتوان به همین جهت، چند حدیثی که در مورد فزعه آمده است را با اینها یکی دانست؛ زیرا اولاً، فزعه در ماه مبارک رمضان رخ می‌دهد و ثانیاً، کلمه «فزعه»، بیان‌کننده ترسی است که ندای آسمانی در ماه رمضان در همگان ایجاد می‌کند. در نتیجه، اگر قائل به دو ندا از آسمان: یکی در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان و دیگری در زمانی بعد از آن شویم، این حالتها مربوط به ندای اول است.

## فصل دوم: پی آمدهای ندای آسمانی

هنگامی که جبرئیل امین علیه السلام ندای آسمانی را سرمی دهد، مخاطبان، در آغاز، خضوع کرده و نوعی ایمان همراه با تعجب توأم با ترس در آنها پدیدار می شود که در فصل قبلی بدان پرداختیم. اما بعد از ساعاتی، عکس العمل واقعی اهل ایمان و کفر آشکار شده و بعد از این ندا، حضرت مهدی علیه السلام ظهور خواهند کرد. در این فصل به پی آمدهای ندای آسمانی می پردازیم:

### الف. خروج حضرت مهدی علیه السلام

ندای آسمانی به منزله اعلان ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. بنابراین، اولین پی آمد آن، ظهور حضرت است. در روایتی از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شد، است: «و یخرج القائم مما یسمع و هی صیحة جبرئیل علیه السلام؛<sup>۱</sup> وقتی حضرت مهدی علیه السلام ندای آسمانی را می شنود، ظاهر می شود و آن صدای جبرئیل علیه السلام است.

---

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۳۰۱، باب ۱۶، حدیث ۶

### ب. عکس العمل اهل ایمان

ندای آسمانی، بشارتی برای مؤمنان است که بعد از قرن‌ها انتظار، حجت خداوند از پس پرده غیبت بیرون می‌آید و با ظهور خود، جهان را نورانی خواهد کرد. به همین جهت، چنین روزی برای مؤمنان، روز سرور و شادی خواهد بود. چنان که در حدیثی آمده است:

الا ذلک یوم فیه سرور ولد علی و شیعتہ؛ آگاه باشید آن روز

(روز اعلان ندای آسمانی)، روز شادی فرزندان علی علیه السلام و

شیعه اوست.<sup>۱</sup>

### ج. عکس العمل کافران

هنگامی که کافران و معاندان می‌شنوند که به نام مبارک حضرت مهدی علیه السلام ندا داده می‌شود، متوجه می‌شوند که وقت زوال حکومت‌های ظالم‌شان فرا رسیده است و در برابر کسی قرار گرفته‌اند که قدرت آسمانی دارد و آنها توان مقابله با او را ندارند. آنها در آغاز به عجز و ناتوانی خود اقرار کرده، سپس بر لجاجت خود افزوده و در مقابل حضرت، صف آرای می‌کنند و نبرد امام با این افراد است. آنها گرچه می‌دانند پایان کارشان، نابودی است، ولی مانند ابلیس تا نابودی، دست از دشمنی و لجاجت بر نمی‌دارند.

### د. ندای شیطانی

اگر صرفاً ندای آسمانی داده می‌شد، همگان؛ اعم از مؤمن و کافر، سر تسلیم در برابر آن فرود می‌آوردند. زرارة بن اعین در روایتی می‌گوید:

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۱۴۴، باب ۱۰، حد ۳.

به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: تعجب می‌کنم خدا شما را سلامت بدارد و تعجب من از این است که با وجود عجائبی چون خسف بیداء (سپاه سفیانی) و ندایی که از آسمان است، چطور باز با حضرت مهدی علیه السلام می‌جنگند؟ حضرت پاسخ داد: «إن الشيطان لا يدعهم حتى ينادى كما نادى برسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يوم العقبة»؛<sup>۱</sup> همانا شیطان، آنها را رها نمی‌کند تا این که ندا دهد؛ همان‌طور که بر رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم در روز عقبه ندا داد.

در این جا این سؤال مطرح می‌شود که: آیا شیطان نیز می‌تواند شبهه معجزه‌ای بیاورد و با این عمل به مقابله با حجت‌های الهی بپردازد و مردم را گمراه کند؟

محققى با برشمردن دو مقدمه، ندای ابلیس را نمی‌پذیرد:

مقدمه اول:

إن عدد الأخبار الدالة على النداء بالباطل أقل بكثير من الأخبار على النداء بالحق؛ همانا تعداد روایات دلالت کننده بر ندای باطل نسبت به تعداد اخبار ندای حق، بسیار کم است.

مقدمه دوم:

اننا إذا سرنا على الفهم التقليدى لهذه الأخبار المطابق مع ظهورها الأولى، و هو صدور النداء بالباطل بشكل اعجازى أو ميتا فيزيكى، فيكون هذا معجزة صادرة فى جانب الباطل؛

۱. «الغيبية نعمانى»، ص ۲۷۳، باب ۱۴، حد ۲۹.



به درستی که اگر ما ظهور اولی این اخبار را بنا بر فهم تقلیدی بپذیریم و آن صادر شدن ندای باطل به شکل اعجازی یا متافیزیکی، [پس] این معجزه صادر شده، از جانب باطل است.

ایشان در ادامه، معجزه از طرف باطل را به دلیل فریفتن انسان‌ها و سوق دادن آنان به سوی انحراف و جهالت بر خداوند محال می‌شمرد و می‌گوید:

لما فيه من التغریر بالجهل و الدفع إلى الفتنه و الانحراف و هو مستحيل علی الحکیم المطلق جل و علا؛<sup>۱</sup> به دلیل آنچه در آن از فریفتن با جهل و سوق دادن به سوی فتنه و انحراف است و آن بر حکیم مطلق، جل و علا، محال است.

در پایان، ایشان می‌گوید:

فإذا تمت هاتان المقدمتان لزمننا رفض هذه الأخبار، لأنها أخبار قليلة نسبياً و دالة علی أمر مستحيل، فيكون الأخذ بمضمونها مستحيلاً؛<sup>۲</sup> وقتی این دو مقدمه، تام است، لازم است این اخبار را کنار بگذاریم؛ زیرا این اخبار از جهت نسبت، کم هستند و همچنین دلالت کننده بر امر محالی می‌باشند؛ پس پذیرفتن مضمون این احادیث، محال است.<sup>۱</sup>

در پاسخ ایشان می‌توان گفت:

اولاً، بیش از پانزده حدیث<sup>۲</sup> که نه مورد آن از حیث سند، معتبر است، در مورد ندای ابلیس وارده شده است. و به راحتی نمی‌توان این روایات را کنار

۱. «تاریخ ما بعد الظهور»، ص ۱۳۳.

۲. منبع این روایات در مباحث ندای ابلیس به تدریج ذکر می‌شود.

گذاشت؛ گرچه این اخبار نسبت به اخبار ندای آسمانی و معرفی نام و نسب حضرت مهدی علیه السلام کمتر است، ولی در صورت عدم تعارض نمی‌توان آنها را ترک کرد.

ثانیاً، در اخبار ندای آسمانی، عبارت‌هایی دال بر همگانی بودن و شنیدن هر قومی با زبانشان وجود داشت، ولی در اخبار ندای ابلیس، عبارتی که بر همگانی بودن آن دلالت داشته باشد، وجود ندارد؛ مگر این که از روی تقابل با ندای آسمانی و همگانی بودن ندای آسمانی، قائل به همگانی بودن آن شویم. و به همین جهت، مانند سحر جادوگران مقابل معجزه حضرت موسی علیه السلام است؛ بدین معنا که به وضوح، حق از باطل متمایز است، ولی اهل باطل به دنبال بهانه‌ای هستند تا به حق روی نیاورند. و حتی اگر نام «ابلیس» در اکثر اخبار ندای شیطانی نیامده بود، قائل به ندای شیطانی انسی می‌شدیم و آن را به وسیله ابزار ساخت بشر معرفی می‌کردیم.

همچنین در دو روایت از این اخبار که در قسمت‌های بعدی می‌آید، این ندا تشبیه به ندای ابلیس در جمره عقبه شده است و در تاریخ نیز چنین ندایی ثبت شده است. در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است:

إن أمرنا قد كان أبين من هذه الشمس ثم قال: ينادي مناد من السماء فلان بن فلان هو الامام باسمه و ينادي ابليس لعنه الله من الارض كما نادى برسول الله صلى الله عليه وآله ليلة العقبة؛ همانا امر ما روشن‌تر از این خورشید است. سپس فرمود: منادی از آسمان ندا می‌دهد به نام فلان بن فلان که او امام است و ابلیس، لعنت خدا بر او باد، از زمین ندا می‌دهد؛ همان‌طور که در شب عقبه بر ضد

رسول خدا ﷺ ندا داد.<sup>۱</sup>

در حدیث فوق، امر اهل بیت علیهم السلام در دوره آخر الزمان، ابین من الشمس معرفی شده و این مطلب، نشان گر وضوح و شناسایی راحت ندای آسمانی و ندای ابلیس است و اگر کسی خود، مشکل نداشته باشد، دنباله روی از ندای حق، آسان خواهد بود. در این بخش به معرفی ندای ابلیس می پردازیم:

### یکم: ویژگی های ندای شیطانی

#### ۱. ندادهنده

اغلب روایات، ندادهنده را به عنوان ابلیس معرفی می کنند. این احادیث با عبارت های: «صوت الملعون ابلیس»،<sup>۲</sup> «صوت ابلیس اللعین»،<sup>۳</sup> «ینادی ابلیس»،<sup>۴</sup> «ینادی ابلیس لعنه الله»،<sup>۵</sup> «لا یدعهم ابلیس حتی ینادی»،<sup>۶</sup> «صعد ابلیس اللعین... ثم ینادی»،<sup>۷</sup> «صعد ابلیس فی الهواء... ثم ینادی»،<sup>۸</sup> «صوت ابلیس»<sup>۹</sup> و «واحدة من ابلیس»<sup>۱۰</sup> دلالت بر منادی بودن ابلیس لعین دارند.

۱. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۵، باب ۵۷، حد ۴.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

۳. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

۴. «الارشاد»، ص ۳۵۸؛ «کشف النعمة»، ج ۲، ص ۴۵۹؛ «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۳۵، حد ۴۲۵؛ «کمال

الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۵۷، حد ۱۴.

۵. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۵، باب ۵۷، حد ۴؛ «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۵۴، حد ۴۶۱.

۶. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، حد ۸.

۷. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۹، باب ۱۴، حد ۲۰.

۸. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹.

۹. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۵۷، حد ۱۳.

۱۰. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۴، باب ۱۴، حد ۳۱.

از میان این ده روایت - که منادی ندای شیطانی را ابلیس معرفی می‌کنند - پنج حدیث از حیث سند معتبر هستند. علاوه بر این روایات، سه حدیث شیطان را به عنوان منادی معرفی می‌کنند. این احادیث با عبارتهای: «فینادی الشیطان»<sup>۱</sup>، «إن الشیطان ینادی»<sup>۲</sup> و «إن الشیطان لایدعهم حتی ینادی»<sup>۳</sup> وارد شده است و دو حدیث آخر از جهت سند معتبر هستند. با توجه به احادیث فوق، مراد از شیطان در این سه روایت، همان ابلیس لعین است.

اگر لفظ «شیطان» فقط در احادیث آمده بود، می‌توانستیم ندای شیطانی را به انسان‌های شیطان صفت و بداندیش نسبت دهیم؛ زیرا بر اساس آیات قرآنی، شیاطین از جن و انس هستند؛ اما به دلیل ذکر لفظ «ابلیس» در اکثر روایات و بنا بر علم بودن این لفظ بر فرد خاصی از جنیان، نمی‌توان این ندا را به انسان‌ها و ابزار ارتباطی آنان نسبت داد. در نتیجه، خداوند برای آزمایش انسان‌ها بعد از ندای آسمانی این قدرت را به «ابلیس» می‌دهد تا کسانی که اهل باطل هستند را دور خود جمع کند.

## ۲. مکان ندای شیطانی

بیشتر احادیث با عبارتهای «و الصوت الثانی من الارض»<sup>۴</sup>، «ینادی ابلیس... من الارض»<sup>۵</sup>، «ینادی ابلیس لعنة الله من الارض»<sup>۶</sup>، «صوت ابلیس

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۷.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۸.

۳. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۳، باب ۱۴، حد ۲۹.

۴. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

۵. «الارشاد»، ص ۳۵۸؛ «کشف الغمة»، ج ۲، ص ۴۵۹؛ «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۳۵، حد ۴۲۵.

۶. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۵، باب ۵۷، حد ۴.

من الارض»<sup>۱</sup> زمین را به عنوان مکان ندای شیطان معرفی می‌کنند، ولی دو حدیث با عبارت‌های: «صعد ابلیس اللعین حتی یتواری من الارض فی جو السماء ثم ینادی»<sup>۲</sup> و «صعد ابلیس فی الهواء حتی یتواری عن اهل الارض ثم ینادی»<sup>۳</sup> مکان ندا را آسمان می‌دانند. از میان این روایات، پنج حدیث، مکان ندا را زمین معرفی می‌کنند که یکی از آنها از جهت سند، معتبر است و از دو روایت دلالت‌کننده بر آسمان بودن مکان ندای شیطانی، حدیث دوم از حیث سند، معتبر است. حال سؤال این است که چگونه می‌توان این تناقض را حل کرد؟

برای این مسئله، دو راه حل می‌توان ارائه داد:

راه حل اول: این که با توجه به کثرت روایات دسته اول، از احادیث دسته دوم صرف نظر کنیم و مکان ندا را زمین بدانیم.

راه حل دوم: ندای ابلیس از میان آسمان است تا در فضا پخش شود و به گوش همگان برسد، ولی از آن جا که امری باطل و ناحق است، زمینی معرفی شده است. در مقابل، ندای آسمانی چون امری الهی و حق است، آسمانی مطرح شده است. مؤید این مطلب، روایتی است که با سند صحیح از هشام بن سالم از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است. در این حدیث آمده است:

«واحدة من السماء و واحدة من ابلیس»<sup>۴</sup> در این حدیث به جای زمینی

۱. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۵۷، حد ۱۳.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۹، باب ۱۴، حد ۲۰.

۳. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹.

۴. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۴، باب ۱۴، حد ۳۱؛ «بحار الانوار»، ج ۵، ص ۲۹۵، باب ۲۶، حد ۴۹.

معرفی کردن ندای شیطانی در مقابل آسمانی مطرح کردن ندای آسمانی، آن را از ابلیس معرفی می‌کند؛ گویا مراد امام از آسمانی بودن ندای آسمانی، حقانیت آن می‌باشد که عبارت را این‌گونه بیان کرده است.

### ۳. زمان ندای شیطانی

بیشتر احادیث، بدون ذکر سال و ماه و روز ندای شیطانی به بیان این‌که کدام قسمت از روز یا شب بودن آن مراد است، از این میان، روایاتی که زمان آن را آخر روز می‌دانند، بیشتر است و احادیثی نیز زمان آن را آخر شب یا فردای اعلان ندای آسمانی مطرح می‌کنند. در این‌جا به بیان این سه دسته از روایات می‌پردازیم:

#### دسته اول: احادیثی که زمان ندای شیطانی را آخر روز می‌دانند:

این روایات با عبارت‌های: «و فی آخر النهار صوت الملعون ابلیس»،<sup>۱</sup> «ثم ینادی ابلیس فی آخر النهار»،<sup>۲</sup> «ثم ینادی ابلیس لعنه الله فی آخر النهار»،<sup>۳</sup> «ینادی مناد فی آخر النهار»<sup>۴</sup> و «ینادی آخر النهار»<sup>۵</sup> بر آخر روز بودن ندای شیطانی دلالت دارند و آن را در مقابل ندای آسمانی اول روز می‌دانند. البته حدیث اول که عبارت آن از روایت ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است، ندای آخر روز را در مقابل ندای شب بیست و سوم می‌داند.

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

۲. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۵۷، حد ۱۴؛ «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۳۵، ح ۴۲۵؛ «الارشاد»، ص ۳۵۸؛ «کشف النعمة»، ج ۲، ص ۴۵۹.

۳. «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۵۴، حد ۴۶۱.

۴. «الکافی»، ج ۸، ص ۲۵۸، حد ۴۸۴.

۵. «الکافی»، ج ۸، ص ۱۷۷، حد ۲۵۳.

از میان شش روایت فوق، سه حدیث از حیث سند معتبرند که عبارت‌های دوم، سوم و چهارم از آنها نقل شده است.

**دسته دوم:** احادیثی که زمان ندای ابلیس را آخر شب معرفی می‌کنند دو حدیث با عبارت‌های: «لایدعهم ابلیس حتی ینادی (فی آخر اللیل)»<sup>۱</sup> و «هما صیحتان صیحة فی اول اللیل و صیحة فی آخر اللیلة الثانیة»<sup>۲</sup> بر آخر شب بودن ندای شیطانی دلالت دارند.

هر دو حدیث از جهت سند معتبرند و اولی از زراره و دومی از هشام بن سالم از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است. روایت اولی در یک نسخه، عبارت «فی آخر اللیل» است و حدیث دوم، ندای ابلیس را آخر شب دوم در مقابل ندای آسمانی که اول شب است، می‌داند. بدین معنا که اگر امشب در اوایل شب ندای آسمانی واقع شود، در آخر شب فردا ندای ابلیس رخ می‌دهد.

**دسته سوم:** احادیثی که زمان ندای شیطانی را فردای ندای آسمانی می‌دانند

سه حدیث با عبارت‌های: «فاذا کان من الغد سعد ابلیس اللعین... ثم ینادی»<sup>۳</sup> «فاذا کان من الغد سعد ابلیس فی الهواء... ثم ینادی»<sup>۴</sup> و عبارت دوم روایات دسته دوم که زمان آن را «آخر اللیلة الثانیة» می‌دانست، زمان ندای ابلیس را فردای ندای آسمانی می‌دانند.

۱. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، حد ۸.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۴، باب ۱۴، حد ۳۱.

۳. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۹، باب ۱۴، حد ۲۰.

۴. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹.

از میان این سه روایت، حدیث دوم و سوم از حیث سند معتبرند. این روایات از عبدالصمد بن بشیر و عبدالله بن سنان و هشام بن سالم از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده‌اند.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

برای جمع‌بندی بحث چند فرض قابل تصور است:

فرض اول؛ این که بنا بر کثرت احادیث دسته اول، زمان ندای ابلیس را آخر روز ندای آسمانی اول روز بدانیم، یعنی اگر ندای آسمانی را در شب و اول روز بیست و سوم ماه مبارک رمضان دانستیم، زمان ندای ابلیس را آخر همان روز بیست و سوم بدانیم و روایات دیگر را کنار بگذاریم.

فرض دوم؛ این که بنا بر پذیرش تعدد ندای آسمانی، قائل به تعدد ندای شیطانی یکی در آخر شب بیست و سوم و دیگری در آخر روز بیست و سوم شویم، این که یا ندای اول شیطانی را آخر روز بیست و سوم و ندای دوم شیطانی را آخر همان شب، یعنی شب بیست و چهارم بدانیم که نسبت به ندای اول آسمانی - که در شب بیست و سوم است - آخر شب دوم محسوب می‌شود.

فرض سوم؛ این که برای ندای آسمانی، دو زمان مطرح شده است. بنا بر پذیرش تکرار ندای آسمانی در شب و اول روز بیست و سوم، زمان ندای آسمانی به اعتبار ندای آسمانی در شب، فردا و به اعتبار ندای آسمانی در اول روز، آخر روز محسوب می‌شود. همچنین اول شب یا آخر شب بودن را می‌توان به وسیله اختلاف در افق حل کرد، یعنی هنگام ندای ابلیس در برخی مناطق، هنگام غروب است و در مناطق دیگر با چند ساعت اختلاف نیمه شب است.



نکته پایانی؛ آن چه تمامی این احادیث در آن مشترک هستند و به آن اشاره دارند، بعد آمدن ندای ابلیس نسبت به ندای آسمانی است، یعنی ندای آسمانی چه یک بار باشد چه دوبار؛ قبل از ندای ابلیس اعلان می شود.

#### ۴. محتوای ندای شیطانی

مضمون ندا پوشاندن لباس حق بر سفیانی و پیروانش است و در این جهت مانند صدر اسلام از پیراهن خونین عثمان استفاده می شود. روایات در این موضوع را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

**دسته اول: احادیثی که بیان کننده ادعای مظلومیت است:**

سه حدیث با عبارت های: «ینادی ألا إن فلاناً قتل مظلوماً... ینادی باسم فلان أنه قتل مظلوماً»،<sup>۱</sup> «ثم ینادی، ألا إن عثمان قتل مظلوماً فاطلبوا بدمه»<sup>۲</sup> و «ینادی ألا إن الحق فی عثمان بن عفان و شیعتہ فإنه قتل مظلوماً فاطلبوا بدمه»<sup>۳</sup> بر به ناحق ریخته شدن خون خلیفه سوم دلالت می کنند و در حدیث سوم از مردم می خواهد که به خونخواهی عثمان برخیزند و این خونخواهی، زیر پرچم «سفیانی» - که از دودمان بنی امیه است - بیان می شود.

روایت سوم که از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده، از

جهت سند، معتبر است.

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۹، باب ۱۴، حد ۲۰.

۳. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹.

دسته دوم: احادیثی که بیان کننده ادعای حقانیت و رستگاری است. هشت روایت با عبارت‌های: «ألا إن الحق مع عثمان و شيعته»،<sup>۱</sup> «إن فلاناً و شيعته على الحق يعنى رجلاً من بنى امية»،<sup>۲</sup> «ألا ان الحق فى السفیانی و شيعته»،<sup>۳</sup> «إن فلاناً و شيعته هم الفائزون لرجل من بنى امية»،<sup>۴</sup> «ألا إن الحق فى عثمان و شيعته»،<sup>۵</sup> و «ألا إن عثمان و شيعته هم الفائزون»<sup>۶</sup> بر حقانیت عثمان و سفیانی و پیروانشان دلالت می‌کنند و مراد از پیروان عثمان، همان سفیانی و پیروانش هستند. از میان این هشت حدیث، شش روایت از حیث سند معتبرند که عبارت‌های اول، سوم، چهارم، پنجم، ششم و حدیث سوم دسته اول که با عبارت «ألا إن الحق فى عثمان بن عفان و شيعته» بر این مطلب دلالت می‌کرد، از آنها نقل شده‌اند.

نویسنده‌ای در نقد محتوای ندای ابلیس قائل به این است که: آن‌چه صحیح به نظر می‌رسد؛ همان ندای جبرئیل به نام و نسب مهدی علیه السلام است و این که جبرئیل از علی علیه السلام و ابلیس از عثمان سخن بگویند، قابل پذیرش نیست. دلایل این سخن چنین است:

الف. آن‌چه از علی علیه السلام و عثمان سخن می‌گوید، فقط سه روایت است؛ چون هر دو مربوط به پاسخ امام ششم به مردی

۱. «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۳۵، حد ۴۲۵؛ «الارشاد»، ص ۳۵۸؛ «کشف النعمة»، ج ۲، ص ۴۵۹.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۷.

۳. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۵۷، حد ۱۴.

۴. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۸.

۵. «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۵۴، حد ۴۶۱.

۶. «الکافی»، ج ۸، ص ۲۵۸، حد ۴۸۴.

همدانی است. دیگری خبری است که شیخ مفید و شیخ طوسی آورده‌اند. البته در این خبر، نام عثمان به صورت مطلق آمده؛ از این رو بعضی احتمال داده‌اند که مراد، «عثمان بن عنبسه»، یعنی سفیانی است، ولی ثبوت این نام برای سفیانی، محل تردید، بلکه غیر قابل قبول است و با توجه به مقابله آن با نام علی علیه السلام نمی‌تواند غیر از «عثمان بن عفان» باشد. در غیر این چند روایت - که البته اسناد مختلفی دارند، ولی مضمون آنها دو مورد بیشتر نیست - به نام عثمان تصریح نشده است، بلکه در چند روایت، «فلان» آمده و در دو روایت، تعبیر «مردی از بنی امیه» اضافه شده است که به نظر می‌رسد تفسیر راوی است نه گفتار معصوم.... در مجموع به نظر می‌رسد یا کلمه علی علیه السلام و عثمان از اضافه‌ها و اشتباه‌های راویان باشد و یا مراد از «کسی که مظلوم کشته شده» یا «مردی از بنی امیه» همان سفیانی است؛ نه عثمان بن عفان که در نقل شیخ صدوق به آن تصریح شده است؛ زیرا شیخ صدوق، ندای ابلیس را این‌گونه نقل کرده که می‌گوید: «حق با سفیانی و طرفداران اوست».

ب. امروز - که نزدیک به چهارده سده از نزاع طرفداران امیر مؤمنان (شیعه علی = الشیعه) و هواداران عثمان (شیعه عثمان = العثمانیه) گذشته است - تقریباً بیشتر مردم جهان از این دو گروه، اطلاع لازم و کافی را ندارند؛ چه رسد در هنگام ظهور که معلوم نیست با وجود ظلم و فساد فراوان، چه اندازه مسلمان وجود داشته باشد تا علی علیه السلام و عثمان بن عفان را بشناسند. پس چگونه ممکن است جبرئیل و ابلیس، فریادی

بزنند که اکثریت مخاطبان، آن را نمی‌فهمند و به منظور آنان پی نمی‌برند؟! به علاوه، چرا معاویه در مقابل علی علیه السلام قرار داده نشده یا دو نفر دیگر که مدار حق و باطلند، معرفی نشده‌اند؟...

ج. به طور کلی، روایت‌هایی که ندای جبرئیل را مربوط به علی علیه السلام و ندای ابلیس را مربوط به عثمان می‌داند، با احادیثی که ندای جبرئیل را درباره معرفی قائم و ندای ابلیس را انحراف مردم از او می‌داند، توان مقابله ندارد؛ چون این روایت‌ها انسجام دارد....<sup>۱</sup>

### نقد و بررسی سخن وی

اولاً، به نظر می‌رسد محوریت ندای شیطانی، معرفی کردن سفیانی به عنوان چهره بر حق است، اما برای اصالت دادن و اثبات حقانیت حرکت سفیانی، نام عثمان بن عفان، خلیفه سوم در ندا مطرح و حقانیت و مظلومیت او بیان می‌شود تا سفیانی که خود را از پیروان او و دودمان بنی امیه معرفی می‌کند، با این پشتوانه، وجاهتی در میان مسلمانان پیدا کند و آنان دنباله‌رو سفیانی شوند.

ثانیاً، ندای ابلیس، واکنشی در برابر ندای آسمانی است تا تأثیر اولیه آن را که ایمان و تسلیم همگان بود - از آن بگیرد و حداقل، عده‌ای را دچار شک و تردید کند و آنان را از حمایت حضرت مهدی علیه السلام باز دارد. و بهترین وسیله برای ایجاد تردید میان مسلمانان با توجه به اکثریت آنان که سنی

۱. تاملی در روایت‌های علائم ظهور؛ «فصلنامه انتظار»، سال سوم، ش ۹ و ۸، ص ۳۳۰.

هستند و اعتقاد به خلفای چهارگانه دارند، مطرح کردن پیراهن خونین عثمان است؛ گرچه قرن‌ها از این جریان می‌گذرد، ولی سفیانی که از دودمان بنی امیه است، برای اثبات حقانیت خود، دستمایه‌ای بهتر از این ندارد و گرچه ندای آسمانی، همگانی است و تمامی مردم جهان، آن را می‌شنوند، ولی مرکز ثقل تحرکات و نبردها و مشخص شدن جبهه پیروز منطقه خاورمیانه است و در این منطقه که تقریباً تمامی مردم، مسلمان هستند، حضرت علی علیه السلام و عثمان بن عفان را به خوبی و به عنوان خلیفه سوم و چهارم می‌شناسند. همچنین اختلافاتی میان شیعه و سنی وجود دارد و مشاهده می‌شود هم اکنون این اختلاف‌ها تا حد تکفیر و حلال شمردن ریختن خون مسلمانان وجود دارد.

ثالثاً، در شش روایت، ادعای مظلومیت یا حقانیت «عثمان» مطرح شده است و نام او را آورده‌اند که از میان اینها چهار روایت با سند صحیح از کتاب‌های معتبر نقل شده است. از طرف دیگر، نه روایت، حقانیت یا رستگاری علی علیه السلام و شیعیانش را در محتوای ندای آسمانی آورده‌اند که سند شش حدیث از آنها معتبر است و نمی‌توان به راحتی این روایات را کنار گذاشت.

رابعاً، اگر این‌گونه مطالب را در احادیث، به اشتباه راویان یا اضافات آنان نسبت دهیم؛ به خصوص احادیثی که با سند معتبر در کتاب‌های معتبر آمده‌اند، آیا می‌توان دیگر به حدیثی اعتماد کرد؟! همچنین به سبب یک روایت که در آن به جای «عثمان»، کلمه «سفیانی» آمده است، آیا می‌توان گفت این یک روایت درست است، ولی تعداد زیادی از احادیث که کلمه

«عثمان» دارند، اشتباه است. اگر بنا بر اشتباه بودن باشد، باید این یک حدیث را اشتباه بدانیم و آن را بر احادیث دیگر حمل کنیم.

### ۵. تشبیه ندای شیطانی

دو روایت، ندای ابلیس را شبیه به ندای او در جمره عقبه دانسته‌اند. در بخش اول، فصل چهارم (بحث پیشینه تاریخی ندای آسمانی در اسلام) به ندای ابلیس در جمره عقبه اشاره شد.

این دو روایت با عبارت‌های:

ینادی ابلیس لعنه الله من الارض کما نادى برسول الله ﷺ

ليلة العقبة؛ ابلیس لعنه الله از زمین ندا می‌دهد همان‌طور که

شب عقبه بر ضد رسول خدا ﷺ ندا داد.<sup>۱</sup>

و: إن الشيطان لا يدعهم حتى ینادی کما نادى برسول الله ﷺ

یوم العقبة؛ همانا شیطان، آنها را به حال خود وا نمی‌گذارد و

ندا می‌دهد؛ همان‌طور که در روز عقبه بر ضد رسول

خدا ﷺ ندا داد.<sup>۲</sup>

روایت اول از میمون البان از امام محمد باقر علیه السلام و روایت دوم از زرارة

بن اعین از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است.

حدیث دوم از حیث سند، معتبر است، اما حدیث اول با نقل تاریخی،

سازگارتر است؛ زیرا زمان ندای ابلیس را روایت اول شب بیان می‌کند و در

نقل‌های تاریخی، زمان ندا، شب مطرح شده است، ولی در روایت دوم، زمان

۱. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۵، باب ۵۷، حد ۴.

۲. «الفیبة نعمانی»، ص ۲۷۳، باب ۱۴، حد ۲۹.

آن را روز می‌داند؛ مگر این که بگوییم مراد از «یوم»، روز در مقابل شب نیست، بلکه مراد، زمان است. یعنی همان‌طور که در زمان عقبه، شیطان هنگام بیعت اهل یثرب با پیامبر گرامی اسلام ندا داد، بعد از ندای آسمانی هم ندا می‌دهد.

هر دو معنا برای «یوم» در کتاب‌های لغت آمده است. راغب اصفهانی می‌نویسد:

اليوم يعبر به عن وقت طلوع الشمس إلى غروبها و قد يعبر به عن مدة من الزمان أي مدة كانت؛ مراد از یوم، از وقت طلوع شمس تا غروب آن است و گاهی یوم به مدتی از زمان، هر مقدار که باشد، اطلاق می‌شود.<sup>۱</sup>

### دوم: هدف از ندای شیطانی

ندای ابلیس در پایان روزی که ندای آسمانی در آن رخ می‌دهد، نشان دهنده واکنش سریع اهل باطل به سرکردگی ابلیس است و هدف آن، یعنی جلوگیری از تأثیر ندای آسمانی و تردید و شک در دل شنوندگان آن مشخص است. در دو روایت به این هدف ندای ابلیس با عبارتهای: «لیشکک الناس و یفتنهم»<sup>۲</sup> و «یشکک الناس»<sup>۳</sup> اشاره شده است. در حدیث دوم که از حیث سند، معتبر است، زرارة بن اعین از امام جعفر صادق علیه السلام می‌پرسد:

آیا ندا، همگانی است یا گروه خاصی می‌شنوند؟ امام پاسخ

۱. «المفردات فی غریب القرآن»، ص ۵۵۳، کتاب الیاء.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

۳. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷، حد ۸.

می‌دهد: همگانی است و هر قومی با زبانش، آن را می‌شنود. باز می‌پرسد: پس چه کسی با قائم علیه السلام مخالفت می‌کند؛ در حالی که به نامش ندا داده شده است؟ امام پاسخ می‌دهد: ابلیس، آنان را رها نمی‌کند تا این که ندا می‌دهد و در مردم، ایجاد تردید می‌کند.

### سوم: تأثیر ندای شیطانی

تأثیر ندای ابلیس بر اهل باطل است. آنها با شنیدن ندای آسمانی، در برابر این معجزه آسمانی، سر تسلیم فرود می‌آورند، ولی وقتی ندای ابلیس را می‌شنوند، دگرگون شده و نظر اولشان را کنار می‌گذارند. در احادیث ندا به واکنش آنان بعد از شنیدن ندای شیطانی اشاره شده است. بیان آنها:

#### ۱. شک و تردید در ندای آسمانی

چهار حدیث که دو مورد آن دارای سند معتبر است، با عبارت «فغند ذلک یرتاب المبطلون»،<sup>۱</sup> شک و تردید اهل باطل را بعد از شنیدن ندای ابلیس بیان می‌کنند و در روایتی از ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام می‌خوانیم:

فکم فی ذلک الیوم من شک متحیر قد هوی فی النار؛ چه بسا شک‌کنندگان سرگردانی که در آن روز به آتش می‌افتند.<sup>۲</sup>

و در حدیث دیگری که از جهت سند معتبر است، از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام آمده است:

۱. «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۳۵، حد ۴۲۵ و ص ۴۵۴، حد ۴۶۱؛ «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۵۷، حد ۱۴؛ «الارشاد»، ص ۳۵۸.  
 ۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.



و یرتاب یومئذ الذین فی قلوبهم مرض و المرض و الله  
 عداوتنا؛ و در آن روز، کسانی که در دل‌هایشان بیماری است،  
 به شک می‌افتند و مرض به خدا قسم، دشمنی با ماست.<sup>۱</sup>

با توجه به این احادیث می‌توان گفت که تردیدکنندگان در ندای آسمانی،  
 کسانی جز اهل باطل و دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام نیستند. آنها وقتی ندای  
 ابلیس را می‌شنوند، دلگرم شده و در پی مقابله با ندای آسمانی و اهل حق  
 برمی‌آیند.

## ۲. بازگشت از ندای آسمانی

وقتی ندای دوم داده می‌شود، اهل باطل، بعد از تردید در ندای حق، از آن باز  
 می‌گردند و اعمال آنان باعث گمراهی‌شان می‌شود و حتی پا را فراتر گذارده  
 و نسبت سحر و جادو به اهل بیت علیهم‌السلام و پیروان آنان می‌دهند. دو حدیث با  
 عبارت‌های:

فیرجع من اراد الله عزوجل بهم سوءاً و یقولون هذا سحر  
 الشیعة و حتی یتناولونا و یقولون؛ هو من سحرهم و هو قول  
 الله عزوجل؛ و ان یروا آیه یعرضوا و یقولوا سحر مستمر؛  
 کسانی که خداوند برای آنان (به سبب اعمالشان) بدی  
 می‌خواهد، (از ندای آسمانی) باز می‌گردند و می‌گویند: آن از  
 جادوی شیعه است و حتی پا را فراتر گذاشته و می‌گویند آن  
 از سحر آنان (اهل بیت علیهم‌السلام) است و این، همان کلام خدای

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹.

عزوجل است: وقتی آیه و معجزه‌ای می‌بینند، روی بر می‌گردانند و می‌گویند سحر پایدار است.<sup>۱</sup>

فعند ذلك يتبرؤون منا و يتناولونا فيقولون: إن المنادى الأول سحر من سحر اهل البيت ثم تلا أبو عبد الله عليه السلام قول الله عزوجل: و إن يروا آية يعرضوا و يقولوا سحر مستمر؛ و در آن هنگام (وقت شنیدن ندای ابلیس) از ما بیزاری می‌جویند و پا را فراتر گذاشته و می‌گویند: همانا منادی اول، سحری از جادوی اهل بیت (علیهم السلام) است. سپس امام صادق عليه السلام قول خدای عزوجل را تلاوت فرمود: وقتی آیه‌ای می‌بینند، روی بر می‌گردانند و می‌گویند سحر، پایدار است.<sup>۲</sup>

حدیث دوم که از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق عليه السلام نقل شده، از جهت سند، معتبر است.

ندای شیطانی، تأثیری بر اهل حق جز ثابت قدمی بیشتر آنان ندارد؛ زیرا آنان با شناختی که از دو ندا و محتوایشان دارند و پیدا می‌کنند، متوجه می‌شوند که ندای حق، همان ندای آسمانی است.

در ذیل، روایت عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق عليه السلام - که به قسمتی از آن در بالا اشاره شد - آمده است:

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۹، باب ۱۴، حد ۲۰.

۲. قمر (۵۴): آیه ۲.

۳. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۹۲، باب ۲۶، حد ۴۰.

فیثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت علی الحق و هو النداء  
الأول؛ خداوند، اهل ایمان را بر قول ثابت بر حق، ثابت قدم،  
نگاه می‌دارد و آن، همان ندای اول است.

## فصل سوم: وظیفه مخاطبان ندای آسمانی

ندای آسمانی، اعلان ظهور حضرت مهدی علیه السلام از آسمان برای آگاهی و هدایت اهل ایمان و اتمام حجتی برای دشمنان اهل بیت علیهم السلام است. حال در قبال آن، وظایفی متوجه ماست که در این قسمت به بیان وظیفه‌های مخاطبان می‌پردازیم:

### الف. شناخت ندای آسمانی

هر عملی که با شناخت و آگاهی قبل از آغاز، توأم نباشد، بعید است به نتیجه برسد، اما برای شناخت درست ندای آسمانی و تشخیص آن از ندای شیطانی، روش‌هایی از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است که در این جا بدان‌ها می‌پردازیم:

### یکم: اول بودن ندای آسمانی

مراد از اول بودن ندای آسمانی، این است که قبل از ندای ابلیس، واقع می‌شود و اگر ندای آسمانی، دو ندای متوالی باشد، محتوایشان هدایت به سوی حضرت مهدی علیه السلام است که در یکی، خود حضرت و در دیگری راه و پیروان حضرت معرفی می‌شوند و دو ندا به سوی یک شخص دعوت

می‌کنند؛ ولی این ندای ابلیس است که با نداهای قبلی خود تقابل دارد و بعد از آنها واقع می‌شود.

در سه حدیث به اول بودن ندای آسمانی با عبارتهای ذیل اشاره شده است:

«فان الصوت الاول هو صوت جبرئیل الروح الامین عليه السلام و... و الصوت الثانی من الارض و هو صوت ابلیس»،<sup>۱</sup> «فیؤمن اهل الارض جميعاً للصوت الاول»<sup>۲</sup> و «فیثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت علی الحق و هو النداء الاول»<sup>۳</sup>. لازم به ذکر است که روایت سوم از حیث سند، معتبر است.

### دوم: شناخت قبلی

اگر انسان از قبل با موضوعی آشنا باشد هنگام مواجهه با آن، راه درست را سریع تشخیص می‌دهد. این مطلب در احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز آمده است که در این جا به پنج مورد از آن اشاره می‌کنیم:

۱. قلت: فمن يعرف الصادق من الكاذب؟ قال: يعرفه الذین كانوا یروون حدیثنا و یقولون: إنه یكون قبل أن یكون و یعلمون أنهم هم المحقون الصادقون؛<sup>۴</sup> زرارة بن اعین می‌گوید: از امام جعفر صادق عليه السلام پرسیدم: ندای صادق از ندای کاذب چگونه شناخته می‌شود؟ فرمود: کسانی که حدیث ما را روایت می‌کنند آن را می‌شناسند و می‌گویند: این مطلب قبل از

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۹، باب ۱۴، حد ۲۰.

۳. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۷، باب ۱۴، حد ۱۹.

۴. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۸.

این که واقع شود، مشخص بوده است و آنان می‌دانند که خودشان بر حق و صادق می‌باشند.

۲. و یصدق بها اذا كانت من كان مؤمناً يؤمن بها قبل أن تكون، قال: إن الله عزوجل يقول: «أفمن يهدى إلى الحق أحق أن يتبع أمن لا يهدى إلا ان يهدى فما لكم كيف تحكمون»؛<sup>۱</sup> عبدالرحمن بن مسلمه می‌گوید: به امام جعفر صادق علیه السلام گفتم: مردم، ما را نگوئید که می‌کنند و می‌گویند: از کجا حق را از باطل تشخیص می‌دهید وقتی دو تاست؟ فرمود: شما چه پاسخی می‌دهید؟ گفتم: جوابی به آنان نمی‌دهیم. فرمود: به آنان بگویید: آن را کسی که اهل ایمان باشد و به آن قبل از واقع شدنش اعتقاد داشته باشد، تصدیق می‌کند. همانا خدای عزوجل می‌فرماید: آیا کسی که به راه حق، هدایت می‌کند، سزاوارتر است که از او پیروی شود یا کسی که راه نمی‌یابد مگر آن که راه برده شود، شما را چه می‌شود، چگونه داوری می‌کنید؟

۳. إن الذی اخبرنا بذلك و أنت تنکر أن هذا یکون هو الصادق؛<sup>۲</sup> هشام بن سالم می‌گوید به امام جعفر صادق علیه السلام گفتم: جریری برادر اسحاق به ما می‌گوید: شما می‌گویید: دو ندا است. پس کدام یک صادق و کدام یک دروغ است. امام صادق علیه السلام فرمود: به او بگویید: به درستی که آن کسی که ما

۱. «الکافی»، ج ۸، ص ۲۰۸، حد ۲۵۲؛ «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۴، باب ۱۴، حد ۳۲.

۲. سوره یونس؛ ۱۰، آیه ۳۵.

۳. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۳، باب ۱۴، حد ۳۰.

را از آن آگاه کرد، او صادق است؛ در حالی که تو نمی‌پذیری  
آن واقع می‌شود.

۴. و «یعرفها من کان سمع بها قبل أن تکون»<sup>۱</sup> در حدیث  
دیگری، هشام بن سالم می‌گوید از امام جعفر صادق علیه السلام  
پرسیدم: چگونه این از آن شناخته می‌شود؟ فرمود: کسی که  
قبل از واقع شدنش، آن را شنیده باشد - که واقع می‌شود - آن  
را می‌شناسد.

و حدیث پنجم موقوفه است و از داود بن فرقد نقل شده<sup>۲</sup> و مشابه حدیث  
دوم است. از میان این روایات، احادیث اول، سوم و چهارم از جهت سند  
معتبر هستند. در روایت اولی، امام، راویان حدیث اهل بیت علیهم السلام را دارای  
شناخت ندای بر حق معرفی می‌کند و در حدیث دوم، گرچه سؤال از شناخت  
ندای حق از باطل است، ولی چون پرسش سؤال کنندگان: از روی انکار است  
و نمی‌خواهند بپذیرند، امام پاسخ می‌دهد: کسی که قبل از واقع شدنش به  
آن ایمان داشته باشد، آن را تصدیق می‌کند. یعنی علاوه بر آگاه بودن،  
اعتقاد به رخ دادن ندای آسمانی نیز لازم است. در حدیث سوم، باز چون  
سؤال از روی انکار است، امام پاسخ می‌دهد آن کسی که ما را از آن آگاه  
کرد و تو آن را انکار می‌کنی، او صادق است، یعنی اهل بیت علیهم السلام، خبری از  
آینده داده‌اند و شرط پذیرش آن، صادق دانستن‌اش آن است و گویا برخی از  
عامه با این سؤال به دنبال استهزا و عدم تصدیق کلام اهل بیت علیهم السلام بوده‌اند

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۷۴، باب ۱۴، حد ۳۱.

۲. «الکافی»، ج ۸، ص ۱۷۷، حد ۲۵۳.

و در حدیث چهارم، شناخت ندای حق از باطل را منوط به شناخت قبلی می‌دانسته و حدیث پنجم، مشابه حدیث دوم است. در نتیجه، در این مورد، انسان می‌بایست دین‌شناس باشد و خود از راویان حدیث اهل بیت علیهم‌السلام باشد و یا از آنان بپرسد و از مسائل مهم دین خود آگاه شود.

### سوم: شناخت از روی محتوا

ندای آسمانی، مردم را به حضرت مهدی علیه‌السلام دعوت می‌کند. یعنی کسی که مسلمانان، او را شناخته و می‌دانند از اهل بیت علیهم‌السلام است. در حالی که ندای ابلیس، مردم را به سوی فردی از نسل بنی امیه فرامی‌خواند؛ یعنی کسانی که در طول تاریخ اسلام، در برابر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام ایستادند. بنابراین، نباید شناخت ندای حق از باطل، مشکل باشد؛ مگر این که خود انسان، اهل باطل و دنباله‌روی باطل صفتان باشد.

در روایت ابوبصیر از امام محمد باقر علیه‌السلام آمده است:

و علامة ذلك أنه ينادي باسم القائم و اسم ابيه؛ و نشانه ندای

حق، آن است که ندا به اسم قائم و اسم پدرش می‌دهد.<sup>۱</sup>

### چهارم: پرسش از عالمان دین

انسان باایمان یا باید خودش، کارشناس دین باشد و یا این که از کسانی که دین را می‌شناسند، مسائل دینی را بیاموزد و از آن جا که ندای آسمانی از جمله مباحث مربوط به حضرت مهدی علیه‌السلام است و آن حضرت، امام زمان ماست، باید از چگونگی آن آگاه باشیم و یا در صورت رخ دادن، چگونگی آن

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.



را از آگاهان مسائل دینی پرسیم. چرا اهل بیت (علیهم السلام)، ما را به آنان ارجاع داده‌اند. چنان که وقتی زرارة بن اعین از امام جعفر صادق علیه السلام می‌پرسد:

فمن يعرف الصادق من الكاذب؟؛ پس چه کسی ندای صادق را از ندای کاذب می‌شناسد؟ امام پاسخ می‌دهد: يعرفه الذين كانوا يروون حديثنا؛ کسانی که احادیث ما را روایت می‌کنند آن را می‌شناسند.

گویا امام با این جمله، مسیر را مشخص کرده است؛ یعنی یا از راویان حدیث و عالمان دین باش یا از آنان که می‌شناسند، پرس.

### ب. پیروی از ندای آسمانی

بعد از شناخت ندای حق و پذیرش آن لازم است تا اگر در زمان ما آن اتفاق رخ داد، دنباله‌رو و پیرو دستورات وی باشیم و با شنیدن آن، خود را برای یاری و همراهی‌اش آماده کنیم.

عبارت‌هایی مانند: «فرحم الله من اعتبر بذلك الصوت فاجاب»،<sup>۲</sup> «فلا تشكوا في ذلك و اسمعوا و اطيعوا»،<sup>۳</sup> «فاتبعوا الصوت الاول»،<sup>۴</sup> «فاذا نادى فالنفيр النفيр، فوالله لكأني انظر اليه بين الركن و المقام»<sup>۵</sup> از احادیث اهل بیت علیهم السلام، بر این مطلب دلالت می‌کنند و لازمه پیروی از ندای حق،

۱. «الغيبة نعمانی»، ص ۲۷۲، باب ۱۴، حد ۲۸.

۲. «الغيبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۰، باب ۲۵، حد ۹۶.

۳. همان.

۴. «كمال الدين و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۵۷، حد ۱۳.

۵. «الغيبة نعمانی»، ص ۲۷۰، باب ۱۴، حد ۲۲؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۵، باب ۲۵، حد ۱۰۳.

بی‌اعتنایی نسبت به ندای باطل است که اهل بیت علیهم‌السلام ما را از دنبال‌ه‌روی آن بر حذر داشته‌اند: «إياكم و الأخر أن تفتنوا به»<sup>۱</sup>.

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حدیث ۱۳؛ «معجم احادیث الامام المهدي علیه‌السلام»، ج ۳، ص ۲۵۳.

---

**بخش سوم:**

**نماهای آسمانی دیگر**

---

## الف. ندای بعد از بیعت

جبرئیل امین علیه السلام بعد از بیعت با حضرت مهدی علیه السلام، ندایی سر می‌دهد که در چهار حدیث به این مطلب اشاره شده است. و این ندا در روز دهم محرم واقع می‌شود.

### حدیث اول:

«اول من یبایع القائم علیه السلام جبرئیل ینزل فی صورة طیر ابيض فیبایعه ثم یضع رجلاً علی بیت الله الحرام و رجلاً علی بیت المقدس ثم ینادی بصوت طلق تسمعه الخلائق، «أتی امر الله فلا تستعجلوه...»؛ اولین بیعت کننده با قائم علیه السلام، جبرئیل است که به شکل پرنده سفیدی نازل می‌شود و با او بیعت می‌کند، سپس یک پا بر بیت الله الحرام و پای دیگر بر بیت المقدس گذارده و با صدای بلندی که آفریدگان، آن را

می شنوند، ندا می دهد: امر خدا آمد؛ پس با شتاب، آن را  
نخوانید.<sup>۱</sup>

حدیث دوم:

... لکأنی به فی یوم السبت العاشر من المحرم قائماً بین  
الرکن و المقام جبرئیل علیه السلام عن یدیه الیمنی ینادی البیعة لله  
فتصیر الیه شیعتہ من اطراف الارض تطوی لهم طیباً حتی  
یبایعوه...؛ گویا به او می نگریم، در حالی که در روز شنبه  
دهم محرم، میان رکن و مقام ایستاده و جبرئیل علیه السلام طرف  
راست اوست که ندا می دهد «البیعة لله». در آن هنگام؛  
پیروان او از اطراف زمین، با طی الارض به سوی او می آیند و  
با او بیعت می کنند.<sup>۲</sup>

حدیث سوم:

... فعند ذلک ینادی باسم القائم عنه السلام فی لیلة ثلاثة و عشرين  
من شهر رمضان و یقوم فی یوم عاشوراء فکأنی انظر الیه  
قائماً بین الرکن و المقام و ینادی جبرئیل بین یدیه، البیعة لله  
فتقبل الیه شیعتہ؛ در آن هنگام، در شب بیست و سوم ماه  
مبارک رمضان به اسم قائم عنه السلام ندا می دهد و در روز عاشورا  
قیام می کند، گویا به او می نگریم؛ در حالی که میان رکن و

۱. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۸۹، باب ۵۸، حدیث ۹؛ «تفسیر العیاشی»، ج ۲، ص ۲۵۴، حدیث ۳  
— به جای «طلق» کلمه «رفیع» دارد.

۲. نحل (۱۶): آیه ۱.

۳. «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۷۹؛ «کشف النعمة»، ج ۲، ص ۴۶۲ و ص ۵۳۴.

مقام ایستاده است و جبرئیل در مقابل او ندا می‌دهد:  
«البيعة لله»؛ پس پیروان او به سویش می‌آیند.<sup>۱</sup>

حدیث فوق را شیخ حر عاملی و میرلوحی از «مختصر اثبات الرجعه»  
فضل بن شاذان نقل کرده‌اند. این کتاب در مجله «تراثنا» آمده است.  
حدیث چهارم:

كأني بالقائم يوم عاشورا يوم السبت قائماً بين الركن و المقام  
بين يديه جبرئيل عليه السلام، ينادي البيعة لله، فيملأها عدلاً كما ملئت  
ظلماً و جوراً؛ گویا می‌نگرم قائم عليه السلام، روز شنبه روز عاشورا  
بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل عليه السلام، پیشاپیش او ندا  
می‌دهد: «البيعة لله»؛ پس آن را پر از عدل می‌کند؛ همان‌طور  
که پر از ظلم و ستم شده بود.<sup>۲</sup>

روایت اول از ابان بن تغلب و حدیث دوم از ابوبصیر و روایت سوم از  
محمد بن مسلم از امام جعفر صادق عليه السلام نقل شده است و حدیث آخر از علی  
بن مهزیار از امام محمد جواد عليه السلام به دست ما رسیده است.

حدیث اول و سوم از حیث سند معتبر هستند. البته می‌توان روایت سوم  
را بنا بر پذیرش اعتبار کتاب «مختصر اثبات الرجعه» معتبر دانست. حدیث  
اول، نزول جبرئیل عليه السلام را به صورت پرنده سفیدی بیان می‌کند که با احادیث  
عامه<sup>۳</sup> در این مورد مشابهت دارد و همچنین محتوای ندا در این روایت، آیه

۱. «اثبات الهداة»، ج ۳، ص ۵۷۰، باب ۳۲، حد ۶۸۷؛ «کفایة المهتدی»، ص ۲۸۶، ذیل حد ۳۹؛ «تراثنا»،

سال چهارم، ش دوم، ص ۲۱۷، حد ۲۰.

۲. «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۵۳، حد ۴۵۹.

۳. این روایات در بخش چهارم ذکر می‌شود.

اول سوره نحل است که با محتوای معرفی شده در سه روایت دیگر که «البيعة لله» است، تفاوت دارد. روایت اول، خبر از آمدن امر الهی، یعنی ظهور حضرت مهدی علیه السلام به وسیله آیه می دهد و احادیث دیگر، دیگران را به بیعت فرا می خوانند.

در روایت اول، این ندا، همگانی معرفی شده است و عبارت «بصوت طلق (رفیع) تسمعه الخلائق» بر آن دلالت می کند، ولی در روایات دیگر، سخنی از همگانی بودن ندا نیست؛ گویا این ندا برای یاوران حضرت مهدی صلوات الله علیه و جمع آوری آنان از اطراف زمین است. این ندا از علایم حتمی محسوب نمی شود و حتی نمی توان آن را علامت قیام از کنار کعبه دانست؛ زیرا بعد از آن واقع می شود.

### ب. ندای در ماه رجب

یکی از ندهای مطرح شده در روایات ندای آسمانی، ندای در ماه رجب است. در این مورد، دو حدیث به دست ما رسیده که راوی یکی از آنها، از عامه است و از حضرت علی علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام نقل شده، و دیگری، حدیث حسن بن محبوب از امام علی رضا علیه السلام است. این روایت گرچه از جهت سند معتبر است اما نقل های متفاوتی از آن به دست ما رسیده است و همین امر باعث سلب اعتماد در مورد واقع شدن ندا در ماه رجب شده است. در این قسمت به بحث درباره این احادیث می پردازیم:

روایت اول:

«قال امیر المؤمنین علیه السلام، سمعت رسول الله صلوات الله علیه يقول: ... کأنی

بهم آیس من کانوا ثم نودی بندااء یسمعه من البعد کما

يسمعه من القرب يكون رحمة على المؤمنين و عذاباً على المنافقين. قلت: و ما ذلك النداء قال: ثلاثة أصوات في رجب، اولها: الا لعنة الله على الظالمين، الثاني: أزفت الآزفة. و الثالث: ترون بدنأ بارزاً مع قرن الشمس ينادى؛ الا ان الله قد بعث فلان بن فلان - حتى ينسبه إلى علي - فيه هلاك الظالمين فعند ذلك يأتي الفرج و...<sup>۱</sup>؛ گویا می بینم آنان از وضعشان مأیوس شده اند، سپس ندایی داده می شود که از دور، مانند از نزدیک شنیده می شود و آن، رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای منافقان می باشد. پرسیدم آن ندا چیست؟ فرمود: سه صوت در ماه رجب است. اولین صدا: «ألا لعنة الله على الظالمين»<sup>۲</sup> است و دومین آن: «أزفت الآزفة»<sup>۳</sup> می باشد و سومین آن: صورت نمایانی همراه خورشید می بینند که ندا می دهد: هم اکنون خداوند، فلان، بن فلان را - و نسب او را به حضرت علی عليه السلام می رساند - بر انگیخت تا ستم گران را نابود کند و در آن وقت، گشایش می آید.

روایت دوم:

«حدثنا الحسن بن محبوب الزرادي، قال: قال لي الرضا عليه السلام: ... كأني به آيس ما كانوا، قد نودوا نداءً يسمعه من بالبعد كما يسمعه من بالقرب، يكون رحمة على المؤمنين و عذاباً على

۱. «كفاية الاثر»، ص ۱۵۶؛ «بحار الانوار»، ج ۱، ص ۱۰۸، باب ۱، حد ۴۲.

۲. هود (۱۱): آیه ۱۸.

۳. النجم (۵۳): آیه ۵۷.



الکافرین، فقلت: بأبی و أمی أنت و ما ذلک النداء؟ قال: ثلاثة اصوات فی رجب؛ «أولها: الا لعنة الله علی الظالمین» و الثانی: «أزفت الآزفة یا معشر المؤمنین» و الثالث: یرون یبدأ بارزاً مع قرن الشمس ینادی: «الا ان الله قد بعث فلاناً علی هلاک الظالمین» فعند ذلک یأتی المؤمنین الفرج و...؛ گویا می بینم از وضعشان مأیوس شده اند که ندایی داده می شود و کسی که دور است مانند کسی که نزدیک است، آن را می شنود. آن رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران است. پرسیدم: پدر و مادرم فدای شما، آن نداء چیست؟ فرمود: سه صوت در ماه رجب است؛ اولین آنها: «ألا لعنة الله علی الظالمین» و دومی: «أزفت الآزفة یا معشر المؤمنین» و سوم: دست آشکاری همراه خورشید می بینند که ندا می دهد: آگاه باشید همانا خداوند، فلانی را برای نابودی ستم گران فرستاد و در آن وقت، گشایش مؤمنان می آید.<sup>۱</sup>

این حدیث با نقل های متفاوت از یک راوی آمده است.<sup>۲</sup> شیخ طوسی بعد از نقل حدیث به اسنادش از حسن بن علی زیتونی از احمد بن هلال عبرتایی از حسن بن محبوب از امام رضا علیه السلام می گوید: در نقل عبدالله بن جعفر حمیری از احمد بن هلال عبرتایی... این گونه آمده است و نقل متفاوتی ذکر می کند. در این قسمت به بیان تفاوت نقل ها می پردازیم:

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۱۸۶، باب ۱۰، حد ۲۸.

۲. «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۳۹، حد ۴۳۱؛ «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۹، باب ۳۵، حد ۳؛ «اثبات الوصیه»، ص ۲۸۱؛ «دلایل الامامة»، ص ۲۴۵؛ «عیون الاخبار»، ج ۲، ص ۶، حد ۱۴.

۱. نقل نعمانی و شیخ طوسی، صوت اول را «الا لعنة الله على الظالمين» دانسته، ولی نقل مسعودی، آن را «أزفت الازفة يا معشر المؤمنين» می‌داند و بالتبع، صوت دوم در نقل شیخ طوسی و نعمانی، بر عکس نقل مسعودی است.

۲. در نقل نعمانی، هنگام شمردن صوت سوم می‌نویسد: «یرون یداً بارزاً»، ولی در نقل شیخ طوسی، «یرون بدنأ بارزاً» آورده است.

۳. در نقل نعمانی، محتوای صوت سوم را «ألا ان الله قد بعث فلاناً علی هلاک الظالمین» دانسته، ولی نقل شیخ طوسی در توصیف «بدنأ بارزاً» آورده است. «هذا امیر المؤمنین قد کر فی هلاک الظالمین» و گویا محتوای صوت را این می‌داند و خود او می‌نویسد در نقل حمیری درباره صوت سوم چنین آمده است:

و الصوت (الثالث) بدن یری فی قرن الشمس، یقول: إن الله قد بعث فلاناً فاسمعوا له و اطیعوا.

۴. مهم‌ترین تفاوت با توجه به یکی بودن راویان؛ نقل شیخ صدوق با نقل شیخ طوسی و نعمانی است و آن، ذکر نکردن محتوای سه ندا و عدم ذکر بودن سه ندا و ذکر نکردن بودن ندا در ماه رجب توسط شیخ صدوق است؛ در حالی که این روایت را هر سه از عبدالله بن جعفر حمیری از احمد بن هلال عبرتایی از حسن بن محبوب از امام رضا علیه السلام نقل می‌کنند. و با توجه به این که مسعودی نیز بودن نداها را سه‌گانه در ماه رجب را نیاورده و فقط محتوای نداها را آورده است، نمی‌توان به این حدیث اعتماد کرد و با

این، بودن ندا در ماه رجب ثابت نمی‌شود.<sup>۱</sup>

### ج. ندای خسف بیداء

یکی از علامت‌های قیام حضرت مهدی علیه السلام، خسف بیداء است که سپاه سفیانی در حالی که به دنبال حضرت مهدی علیه السلام - بعد از غارت شهر مدینه - رهسپار شهر مکه است، در بیابانی به نام بیداء به امر الهی در زمین فرو می‌رود. مفسران در تفسیر آیه ۵۱ سوره سبأ: «و لو تری إذ فزعوا فلا فوت و اخذوا من مکان قریب»، مراد از آن را خسف بیداء دانسته‌اند.

در تفسیر نمونه چنین آمده است:

اگر می‌بینیم در روایات فراوانی که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده، این آیه تطبیق بر خروج سفیانی و لشکر او شده است که آنها به هنگام حرکت به سوی مکه به قصد تسخیر آن در صحرا گرفتار می‌شوند و زمین لرزه‌شدیدی سبب شکافتن زمین و فرورفتن آنها در آن می‌شود، در حقیقت، بیان یکی از مصادیق «اخذوا من مکان قریب» است که آنها از نقطه‌ای که زیر پایشان است، گرفتار عذاب الهی می‌شوند. مضمون این حدیث را ابن عباس، ابن مسعود، ابوهریره، ابوحنیفه، ام سلمه و عایشه، مطابق آنچه در کتب اهل سنت

۱. اگر گفته شود در نقل احادیث، اصل عدم زیاده بر اصل عدم نقیصه، مقدم است و به دلیل ذکر نشدن نیمی از روایت در نقل شیخ صدوق، نقل شیخ طوسی و نعمانی بر آن مقدم است و با این بیان، ندای آسمانی در ماه رجب توسط این حدیث ثابت می‌شود، می‌گوییم: در مورد یک یا دو کلمه یا یک جمله، احتمال غفلت و افتادگی از راوی یا نسخ است، ولی نمی‌توان پذیرفت که ذکر نکردن چندین سطر توسط شیخ صدوق از روی غفلت باشد، مگر این که بگوییم شیخ صدوق به دلیل عدم اعتماد به بقیه حدیث به دلیل اختلاف در نقل‌ها از آوردنش صرف نظر کرده است.

آمده، از پیامبر گرامی اسلام نقل کرده‌اند و بسیاری از مفسرین، مانند: تفسیر قمی، مجمع البیان، نور الثقلین و صافی و جمعی از مفسران اهل سنت، مانند: نویسندگان تفاسیر، روح المعانی، روح البیان و قرطبی در ذیل آیات مورد بحث آورده‌اند.<sup>۱</sup>

اما آنچه به بحث ما مربوط است، دو روایتیست که خسف را به دنبال ندا یا صدایی از آسمان معرفی می‌کنند. این احادیث با عبارت‌های: و ينزل امير جيش السفیانی البیداء فینادی مناد من السماء؛ یا بیداء ابیدی القوم، فیخسف بهم؛ فرمانده سپاه سفیانی در سرزمین بیداء فرود می‌آید، پس منادی از آسمان ندا می‌دهد: ای بیداء قوم را فروگیر و زمین آنان را می‌بلعد.<sup>۲</sup>

و:

فی قوله تعالی: و لو تری اذ فزعوا، قال: من الصوت و ذلك الصوت من السماء و أخذوا من مكان قریب، قال: من تحت اقدامهم خسف بهم؛ و درباره کلام خدای متعال «و لو تری اذ فزعوا» فرمود: ترس آنان از صداست و آن صدا از آسمان است و «اخذوا من مكان قریب» فرمود: آنان از زیر پاهایشان فرو می‌روند.<sup>۳</sup>

بر این مطلب دلالت می‌کنند. روایت اول که از جابر بن یزید از امام

۱. «تفسیر نمونه»، ج ۱۸، ص ۱۵۳.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۸۸، باب ۱۴، حدیث ۶۷ «تفسیر العیاشی»، ج ۱، ص ۲۴۴، حدیث ۱۴۷.

۳. «تفسیر قمی»، ج ۲، ص ۲۰۵.

محمد باقر علیه السلام نقل شده و از جهت سند، معتبر است، ندای خسف را از آسمان و دارای محتوا می‌داند و محتوای آن را خطاب به سرزمین بیداء دانسته که دستور بلعیدن سپاه سفیانی را به آن زمین می‌دهد و حدیث دوم که از ابی الجارود از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است، ترس آنان را ناشی از صدایی از آسمان می‌داند. به هر صورت، این صدا را سپاه سفیانی مانند رعد وحشتناکی می‌شنوند و سپس، زمین، آنان را درون خود فرو می‌برد. در کتاب‌های عامه نیز به این ندا اشاره شده است.<sup>۱</sup>

### د. ندای باد

در روایتی از ابان بن تغلب از امام جعفر صادق علیه السلام، ندایی به عنوان ندای باد مطرح شده است که در تمام نقاط زمین، ندا می‌دهد و این ندا پس از خروج حضرت مهدی علیه السلام از کنار کعبه ذکر شده است و محتوای این ندا را «هذا المهدي يقضي بقضاء داود و سليمان و لايريد عليه بيّنة»<sup>۲</sup> معرفی می‌کند. در این حدیث آمده است:

سیأتي في مسجد كم ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً - یعنی مسجد مکه - يعلم اهل مکه انه لم يلد لهم آباؤهم و لا اجدادهم... فیبعث الله تبارک و تعالی ریحاً فتنادی بكل واد...؛ به زودی در مسجد شما سیصد و سیزده مرد جمع می‌شوند، اهل مکه می‌دانند آنان فرزندان پدران و اجدادشان نیستند... پس خدای تبارک و تعالی، بادی می‌فرستد و آن در

۱. «الفتن لابن حماد»، ص ۲۲۷، حد ۸۹۱ «البدء و التاريخ»، ج ۲، ص ۱۷۹.

۲. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۹۰، باب ۵۸، حد ۱۰.

هر وادی ندا می‌کند: این مهدی است که به داوری داود و سلیمان، قضاوت می‌کند و بر آن گواه نمی‌خواهد.

سند این روایت، معتبر است و این حدیث با سند دیگری از ابان بن تغلب در کتاب نعمانی آمده است و از جهت محتوا، شبیه روایت بالا است. در این حدیث آمده است:

... و یبعث الله الريح من كل واد تقول: هذا المهدي يحكم بحکم داود و لا یرید بینة.<sup>۱</sup>

گرچه روایت بالا از حیث سند، معتبر است، ولی منفرد است و روایت دیگری با این محتوا وارد نشده است.

### هـ ندای قبل از پایان دنیا

جدا شدن اهل حق از اهل باطل، پیش از پایان دنیا، در آموزه‌های ادیان الهی وجود دارد و تبلور آن در دین اسلام، همان ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه است که می‌آید و اهل حق را بر زمین حاکم می‌کند و اهل باطل را از میان بر می‌دارد. در دو حدیث، ندایی با عنوان جدا کننده اهل حق از اهل باطل، قبل از پایان دنیا مطرح شده است:

حدیث اول: ابان بن تغلب می‌گوید: شنیدم امام جعفر صادق عجل الله فرجه فرمود:  
لا تذهب الدنيا حتى ینادی مناد من السماء؛ یا اهل الحق  
اجتمعوا، فیصیرون فی صعيد واحد، ثم ینادی مرة اخرى؛ یا  
أهل الباطل اجتمعوا، فیصیرون فی صعيد واحد، قلت: فیستطیع

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۳۲۸، باب ۲۰، حد ۷.

هؤلاء أن يدخلوا في هؤلاء؟ قال: لا والله و ذلك قول الله عزوجل؛ ما كان الله ليذر المؤمنين على ما أنتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب؛ دنيا به پایان نمی‌رسد، مگر این‌که منادی از آسمان ندا می‌دهد: ای اهل حق، جمع شوید. پس آنان در یک مکان جمع می‌شوند، سپس بار دیگر ندا می‌دهد: ای اهل باطل جمع شوید، پس آنان در یک خاک جمع می‌شوند. پرسیدم: آیا آنان می‌توانند در آنان در آمیزند؟ فرمود: نه به خدا قسم و آن قول خدای عزوجل است: خداوند، مؤمنان را به حالی که شما دارید، رها نمی‌کند؛ مگر آن‌که پاک را از پلید، جدا کند.<sup>۱</sup>

حدیث دوم: این روایت از عجلان ابی صالح از امام ششم علیه السلام نقل شده و از جهت محتوا، شبیه حدیث اول است. قسمت اول حدیث، این است:  
لا تمضي الأيام و الليالي حتى ينادي مناد من السماء يا اهل الحق اعتزلوا، يا اهل الباطل اعتزلوا، فيعزل هؤلاء من هؤلاء...؛ ترجمه: روزها و شب‌ها تمام نمی‌شود تا این‌که منادی از آسمان ندا می‌دهد: ای اهل حق، کنار گیرید، ای اهل باطل جدا شوید. پس آنان از آنها جدا می‌شوند.<sup>۲</sup>

این دو روایت به زمان این جدایی، اشاره‌ای ندارد و آن را به صورت کلی، قبل از پایان دنیا می‌داند، یعنی یکی از امور قطعی و سنت الهی، جدایی اهل

۱. «الغيبة نعمانی»، ص ۳۳۵، باب ۲۱، حدیث ۹؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۳۶۵، باب ۲۷، حدیث ۱۴۵.

۲. آل عمران (۳): آیه ۱۷۹.

۳. «تفسیر العیاشی»، ج ۱، ص ۲۰۷، حدیث ۱۵۷؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۲۲، باب ۲۵، حدیث ۸۶.

حق از باطل است و امکان ندارد دنیا پایان یابد و این امر، اتفاق نیفتد.  
حدیث اول از جهت سند، معتبر، و روایت دوم به صورت مرسل نقل شده  
است. و این روایات می‌تواند به جدایی حق از باطل و صفبندی آنان در  
مقابل همدیگر اشاره داشته باشد.



---

**بخش چهارم:**

**ندای آسمانی از نگاه عامه**

---

روایاتِ دالّ بر صیحه یا ندای آسمانی در کتاب‌های عامه، سه صوت را مطرح می‌کنند: اولی، صوتی در ماه مبارک رمضان است که اغلب این احادیث، آن را صدایی ترسناک و بدون محتوا می‌دانند. دومی، ندایی است که به بیان نام و نسب حضرت مهدی علیه السلام و بر حق بودن ایشان و اطاعت و پیروی از او می‌پردازد و سومی، ندای بعد از خروج حضرت مهدی علیه السلام است که فرشته‌ای در بالای سر او ندا می‌دهد.

در این بخش به صورت جداگانه به بررسی سه دسته از روایات مطرح

شده می‌پردازیم.

## فصل اول:

### بررسی صوت در ماه مبارک رمضان

این صدا با تعابیر: «تكون هدة في شهر رمضان»،<sup>۱</sup> «في شهر رمضان الصوت»،<sup>۲</sup> «يكون صوت في رمضان»،<sup>۳</sup> «يكون في رمضان صوت»،<sup>۴</sup> «إذا كانت صيحة في رمضان»،<sup>۵</sup> «تنادوا... في شهر رمضان»،<sup>۶</sup> «الفرجة في شهر رمضان»،<sup>۷</sup> «إذا كان الصوت في شهر رمضان»،<sup>۸</sup> «صوت يسمع من السماء في النصف من شهر رمضان»،<sup>۹</sup> «يسمع في شهر رمضان صوت من السماء»،<sup>۱۰</sup> «في رمضان هدة»،<sup>۱۱</sup>

- 
۱. «المستدرک علی الصحیحین»، ج ۴، ص ۵۶۳، حد ۸۵۸۰ «عقد الدرر»، ص ۱۴۶.
  ۲. «المعجم الكبير للطبرانی»، ج ۱۹، ص ۱۲۳، حد ۲۸۳؛ «مجمع الزوائد و منبع الفوائد»، جلد ۷، ص ۳۱۰.
  ۳. «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵، حد ۶۱۴؛ «کنز العمال»، ج ۱۱، ص ۱۹۴.
  ۴. «السنن الواردة في الفتن»، ص ۲۳۸، حد ۵۲۰ و ۵۱۹؛ «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۰، حد ۶۱۳؛ «المعجم الكبير للطبرانی»، ج ۱۸، ص ۳۳۲، حد ۸۵۳.
  ۵. «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۱، حد ۶۱۹؛ «عقد الدرر»، ص ۱۴۱.
  ۶. «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۰۴، حد ۲۵۴؛ «کنز العمال»، ج ۱۴، ص ۲۵۱، حد ۳۹۶۷۲.
  ۷. «عقد الدرر»، ص ۱۴۳.
  ۸. «البرهان متقی هندی»، ص ۷۴، باب ۱، حد ۷؛ «عقد الدرر»، ص ۱۴۴.
  ۹. «عقد الدرر»، ص ۱۳۹.
  ۱۰. «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۱۵، حد ۲۶۴.
  ۱۱. «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۳، حد ۶۲۳.

«صوت فی رمضان»<sup>۱</sup> «فی شهر رمضان صوت»<sup>۲</sup> و «تکون فی رمضان هدّة»<sup>۳</sup> در احادیث اهل سنت، بر بودنش در ماه رمضان دلالت می‌کند. معنای واژه‌های «صوت، صیحه، فزعه، نداء، هدّة» در بخش اول بیان شد. اینک به بررسی زوایای مختلف صوت در ماه مبارک رمضان خواهیم پرداخت.

## الف. ویژگی‌های صوت ماه مبارک رمضان

### یکم: زمان صوت

سه حدیث در مورد زمان صوت ماه رمضان مطالبی را ذکر کرده‌اند که در پی خواهد آمد:

۱. نیمه ماه مبارک رمضان: سه حدیث با عبارتهای: «هدّة فی النصف من رمضان»<sup>۴</sup> «فی النصف من شهر رمضان»<sup>۵</sup> بر وقوع صدا در نیمه ماه مبارک رمضان دلالت می‌کنند.

این روایات از عبدالله بن مسعود و همچنین فیروز الدیلمی از رسول خدا ﷺ و از ابو حمزه ثمالی نقل شده‌اند.

۲. شب جمعه: دو روایت از سه حدیث بالا با عبارت «لیلة جمعة» و «لیله

۱. «الفتن لابن حماد»، ص ۱۴۹، حد ۶۱۲.

۲. «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۱۴، حد ۲۶۳؛ «عقد الدرر»، ص ۱۴۴.

۳. «عقد الدرر»، ص ۱۴۶.

۴. «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۱، حد ۶۱۹؛ «عقد الدرر»، ص ۱۴۱.

۵. «المعجم الكبير للطبرانی»، ج ۱۸، ص ۳۳۳، حد ۸۵۳؛ «السنن الواردة فی الفتن»، ص ۲۳۸، حد ۵۱۹؛ «عقد الدرر»، ص ۱۳۹.

الجمعة» بر وقوع این صوت در شب جمعه نیمه ماه مبارک رمضان دلالت می‌کنند.

۳. بعد از طلوع فجر: روایت عبدالله بن مسعود، زمان آن را بعد از نماز صبح معرفی می‌کند و می‌گوید:  
فاذا صلیتم الفجر من یوم الجمعة... فاذا حسستم بالصیحة؛  
وقتی نماز فجر روز جمعه را خواندید... پس وقتی صیحه را  
حس کردید....

### دوم: مکان صوت

برخی از احادیث بر آسمانی بودن صیحه دلالت می‌کنند و با عبارتهای:  
«یکون صوت من السماء»،<sup>۱</sup> «یسمع فی شهر رمضان صوت من السماء»،<sup>۲</sup> «هاد  
من السماء»<sup>۳</sup> و «صوت یسمع من السماء»<sup>۴</sup> بر این مطلب اشاره دارند. این  
روایات از فیروز دیلمی از رسول خدا ﷺ و ابوهریره و شهر بن حوشب و  
ابوحمزه ثمالی نقل شده‌اند.

### سوم: ندا دهنده

برخی از روایات، این صدا را از جبرئیل امین علیه السلام با عبارتهای: «فالصوت  
الأول صوت جبرئیل»،<sup>۵</sup> «هو صوت جبرئیل الروح الامین علیه السلام»<sup>۶</sup> و «انه صوت

۱. «مجمع الزوائد و منبع الفوائد»، ج ۷، ص ۳۱۰؛ «عقد الدرر»، ص ۱۳۹.

۲. «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۱۵، حد ۲۶۴.

۳. «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۱۴، حد ۲۶۳؛ «عقد الدرر»، ص ۱۴۴.

۴. «عقد الدرر»، ص ۱۳۹.

۵. «السنن الواردة فی الفتن»، ص ۲۳۸، حد ۵۱۹؛ «المعجم الکبیر للطبرانی»، ج ۱۸، ص ۳۳۲، حد ۸۵۳.

۶. «البرهان متقی هندی»، ص ۱۰۹، باب ۴، حد ۲۱؛ «عقد الدرر»، ص ۶۴۵.

جبرئیل<sup>۱</sup> می‌دانند. روایت اول، همان حدیث فیروز دیلمی از پیامبر اسلام، و دو روایت دیگر از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است.

### چهارم: محتوای صیحه

احادیث عامه، صوت در ماه مبارک رمضان را فقط صدای شدیدی مانند رعد از آسمان معرفی می‌کنند. وقتی عبدالله بن مسعود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره «صیحه» سؤال می‌کند؟ حضرت پاسخ می‌دهد: «هدة فی النصف من رمضان»<sup>۲</sup> یا در روایت شهر بن حوشب که تابعی است، آمده: «قیل له: و ما الصوت؟ قال: هاد من السماء».<sup>۳</sup> در این دو حدیث از صیحه و صوت به «هدة» و «هاد» تعبیر شده و در کتاب‌های لغت، این دو به معنای صدای شدیدی است که از افتادن دیوار یا قسمتی از کوه یا صدای شدیدی که ساحل‌نشینان از طرف دریا می‌شنوند، ترجمه شده است.

در این میان، تنها یک روایت - که از اصبع بن نباته از حضرت علی علیه السلام نقل شده است - صدای ماه مبارک رمضان را دارای محتوا می‌داند. در این حدیث آمده است:

تنادوا عند اصطلام اعداء الله باسمه و اسم ابیه فی شهر رمضان ثلاثاً؛ در ماه مبارک رمضان، سه بار به نام او و نام پدرش، هنگام ریشه کن شدن دشمنان خدا ندا می‌دهند.<sup>۴</sup>

۱. «البرهان متقی هندی»، ص ۷۴، باب ۱، حد ۷: «عقد الدور»، ص ۱۴۴.

۲. «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۱، حد ۶۱۹: «عقد الدور»، ص ۱۴۱.

۳. «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۱۴، حد ۲۶۳.

۴. «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۰۴، حد ۲۵۴: «کنز العمال»، ج ۱۴، ص ۲۵۱، حد ۳۹۶۷۲.

این حدیث از جهت واژه و دارای محتوا دانستن صیحه با احادیث دیگر عامه تفاوت دارد. در روایات دیگر از واژه‌های «صوت»، «صیحه»، «هده» و «فزه» استفاده شده، ولی در این حدیث، از واژه «تنادوا» به کار رفته است. «تنادوا» از باب تفاعل است و اگر به معنای مشارکت باشد که بیشتر در این باب به این معناست، در این صورت معنای آن چنین می‌شود: یکدیگر را با خبر کردند و در این صورت، مراد از آن ندای آسمانی نیست، ولی قید «فی شهر رمضان ثلاثاً»، بیان‌گر این است که باید چیزی فراتر از خبر کردن همدیگر باشد.

اتفاقاً یکی از معانی باب تفاعل، معنای ثلاثی مجرد آن فعل است، یعنی «تنادوا» به معنای «نادوا» است. و جمع آمدن آن می‌تواند به دلیل تکرار ندا باشد. در نتیجه، ندای مطرح شده در حدیث، همان ندای آسمانی به اسم حضرت و نام پدرش است. این حدیث از این جهت که ندای ماه مبارک رمضان را دارای محتوا می‌داند، با احادیث شیعه سازگار است.

### پنجم: مخاطبان صوت

احادیث صوت در ماه مبارک رمضان، تنها اشاره به صدایی بلند و ترسناک در این ماه دارند و هیچ‌گونه قیدی بر این که عده خاصی، مخاطب صیحه باشند،

ندارند و در یک روایت - که از شهر بن حوشب نقل شده است - آمده:

یسמעہ الناس کلہم فلا یجیء رجل من أفق من الآفاق إلا

حدث أنه قد سمعه؛ صوت را تمامی مردم می‌شنوند و فردی

از گوشه‌ای از جهان نمی‌آید؛ مگر این که می‌گوید آن صدا را شنیده است.<sup>۱</sup>

### ششم: تأثیرات صیحه

در روایات عامه، تأثیراتی برای صوت ماه مبارک رمضان بیان شده که نشان‌دهنده ترسناکی این صدای هولناک است. برخی از تأثیرات این طلیعه عبارتند است:

#### ۱. بیدار شدن افراد خواب

عبارت «توقظ النائم» در احادیث ابوهریره<sup>۲</sup> و عبدالله بن مسعود<sup>۳</sup> از پیامبر گرامی اسلام ﷺ و روایات ابوهریره<sup>۴</sup> و کعب الاحبار<sup>۵</sup> آمده و عبارت «یوقظ النائم» در حدیث شهر بن حوشب<sup>۶</sup> نقل شده است. این دو عبارت، نشان‌گر تأثیر صیحه بر افراد خواب و بیدار کردن آنها است.

#### ۲. وحشت افراد بیدار

عبارت «تفزع اليقظان» که به معنای وحشت افتادن افراد بیدار بر اثر شنیدن صداست، در حدیث ابوهریره از پیامبر اکرم ﷺ و روایت کعب الاحبار آمده است و عبارت «یفزع اليقظان» در روایت شهر بن حوشب نقل شده است.

۱. «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۱۴، حد ۲۶۳.

۲. «المستدرک علی الصحیحین»، ج ۴، ص ۵۶۳، حد ۸۵۸۰.

۳. «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۱، حد ۶۱۹.

۴. «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۳، حد ۶۲۳.

۵. «عقد الدرر»، ص ۱۴۶.

۶. «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۱۴، حد ۲۶۳.



## ۳. خارج شدن دختران پرده‌نشین

دختران و زنانی که به طور معمول از خانه‌ها و اتاق‌های مخصوص خود بیرون نمی‌آیند، بر اثر شنیدن این صوت بیرون می‌آیند. در حدیث عبدالله بن مسعود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «و تخرج العواتق من خدورهن». همچنین روایت ابوهریره: «و تخرج العواتق من خدورها» و در روایت شهر بن حوشب نیز آمده است: «و یخرج الفتاة من خدرها». این مطلب، نشان از تأثیر فوق العاده صوت بر مخاطبان دارد که حتی کسانی که به طور معمول بیرون نمی‌آیند، خارج می‌شوند تا بفهمند چه خبر است. مأخذ این روایات و احادیث مورد قبلی در پاورقی‌های تأثیر اولی صیحه آمد.

## ۴. نشستن افراد ایستاده

از وحشت صیحه آسمانی، افراد ایستاده، می‌نشینند. عبدالله بن مسعود از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «و تقعد القائم»<sup>۱</sup> و یکی از تأثیرات صوت را نشستن افراد ایستاده معرفی می‌کند.

در میان احادیث «صیحه»، «هدة»، «صوت»، روایت فیروز دیلمی از رسول خدا صلی الله علیه و آله تأثیراتی را ذکر می‌کند که در احادیث دیگر دیده نمی‌شود و می‌توان گفت این روایت در مطالبش منفرد است. در این حدیث آمده است: یصعق له سبعون ألفاً و یخرس سبعون ألفاً و یعمی سبعون ألفاً و یصم سبعون ألفاً؛ از شنیدن آن هفتاد هزار نفر، بیهوش

۱. «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۱، حد ۶۱۹

می‌شوند و هفتاد هزار نفر، لال می‌شوند و هفتاد هزار نفر،  
کور می‌شوند و هفتاد هزار نفر، کر می‌شوند.<sup>۱</sup>

در نسخه دیگر همین روایت، مطالب دیگری به صورت اضافه آمده است  
که عبارتند از:

«یتیه سبعون الفاً» و «ینفتق فیه سبعون الف عذراء».<sup>۲</sup>

### ب. حوادث قبل و بعد از صوت

برای شناخت درست زمان صیحه لازم است حوادث پیرامون آن را بشناسیم.

#### یکم: حوادث قبل از صیحه

تنها در روایت اصبع بن نباته از حضرت علی علیه السلام، سخن از هرج و مرج و  
کشتار قبل از وقوع ندا در ماه مبارک رمضان است و گفتیم این روایت در  
میان احادیث صیحه از جهت قائل شدن محتوا برای صوت ماه مبارک  
رمضان، منفرد است. در این روایت آمده است:

بعد هرج و قتال، وضنک و خبال، و قیام من البلاء علی ساق؛

بعد از هرج و مرج و کشتار و فلاکت باری و فساد و

فراگیری بلا و سختی به نامش و نام پدرش در ماه رمضان،

سه بار ندا می‌دهند.<sup>۳</sup>

۱. «المعجم الكبير للطبرانی»، ج ۱۸، ص ۳۳۲، حد ۸۵۳

۲. «السنن الواردة فی الفتن»، ص ۲۳۸، حد ۵۱۹

۳. «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۰۴، حد ۲۵۴؛ «کنز العمال»، ج ۱۴، ص ۲۵۱، حد ۳۹۶۷۳

## دوم: حوادث بعد از صیحه

تعدادی از روایات صیحه برای بعد از ماه مبارک رمضان - که صوت در آن واقع می‌شود - نشانه‌هایی را برای هر ماه تا ماه محرم برشمرده‌اند و برخی از آنها، ماه محرم را ماه ظهور معرفی می‌کنند.

روایات شهر بن حوشب<sup>۱</sup> و فیروز دیلمی<sup>۲</sup> از رسول گرامی اسلام ﷺ و احادیث ابوهریره<sup>۳</sup> بر این مطلب دلالت دارند. در روایتی از شهر بن حوشب، این توالی به وضوح بیان شده است.

شهر بن حوشب می‌گوید:

بلغنی أن رسول الله صلى الله عليه وسلم، قال: يكون في رمضان صوت و في شوال مهمة و في ذي القعدة تحارب القبائل و في ذي الحجة ينتهب الحاج و في المحرم ينادى مناد من السماء ألا إن صفوة الله من خلقه فلان فاسمعوا له و اطيعوا؛ در ماه رمضان، صوت می‌باشد و در ماه شوال، بازداشتن (بر اساس برخی روایات «معمعة»، یعنی گرمای شدید یا جنگ و آشوب) و در ماه ذی قعدة، جدا شدن قبائل (و طبق برخی روایات «تحارب»، یعنی جنگ میان قبایل) و در ماه ذی الحجة، حاجیان غارت می‌شوند و در ماه محرم، منادی از آسمان ندا می‌دهد: آگاه باشید همانا برگزیده خدا از میان بندگانش فلانیست؛ به فرمان او گوش دهید و از او اطاعت کنید.<sup>۴</sup>

۱. «السنن الواردة في الفتن»، ص ۲۳۹، حد ۵۲۰؛ «العرف الوردی»، ص ۱۰۵، حد ۲۲۶.

۲. «المعجم الكبير للطبرانی»، ج ۱۸، ص ۳۳۲، حد ۸۵۳؛ «السنن الواردة في الفتن»، ص ۲۳۸، حد ۵۱۹.

۳. «الملاحم لابن المنادي»، ص ۳۱۵، حد ۲۶۴؛ «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۳، حد ۶۲۳.

۴. «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۰، حد ۶۱۳؛ «کنز العمال»، ج ۱۴، ص ۱۲۲، حد ۳۸۷۰۲.

### ج. وظیفه مخاطبان صوت

وظایفی برای مردم در هنگام وقوع صیحه آسمانی در دو حدیث عبدالله بن مسعود<sup>۱</sup> و فیروز دیلمی<sup>۲</sup> از پیامبر گرامی اسلام بیان شده که به شرح ذیل است:

اول: در خانه ماندن؛ هر دو حدیث با عبارت‌های: «من لزم بینه» و «فادخلوا بیوتکم» بر این مطلب اشاره دارند. البته حدیث عبدالله بن مسعود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اضافاتی دارد و آن، این‌که:

فادخلوا بیوتکم و اغلقوا ابوابکم و سدوا کواکم و دثروا انفسکم و سدوا آذانکم؛ وقتی نماز صبح را روز جمعه خواندید، داخل خانه‌هایتان شوید و درب‌ها و پنجره‌ها را ببندید و خود را بپوشانید و گوش‌هایتان را بگیرید.

دوم: سجده کردن؛ وظیفه دومی که هر دو حدیث به آن اشاره می‌کنند، پناه بردن به خداوند به وسیله سجده است. عبارت‌های «فاذا حسستم بالصیحة فخرؤا لله سجداً» و «تعوذ بالسجود» از آنها نقل شده است.

سوم: ذکر گفتن؛ روایت فیروز دیلمی با عبارت «و جهر بالتکبیر» از مردم می‌خواهد هنگام وقوع صیحه، صدا به تکبیر بلند کنند و حدیث عبدالله بن مسعود آورده است:

و قولوا: سبحان القدوس، سبحان القدوس، ربنا القدوس؛ وقتی به سجده رفتید، بگویید: سبحان القدوس، سبحان القدوس، ربنا القدوس.

۱. «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۱، حد ۶۱۹؛ «عقد الدرر»، ص ۱۴۱.

۲. «السنن الواردة فی الفتن»، ص ۲۳۸، حد ۵۱۹؛ «مجمع الزوائد و منبع الفوائد»، ج ۷، ص ۳۱۰.

هر دو روایت، برای نجات از صیحه آسمانی، این دستور العمل‌ها را به مردم می‌دهند و در آنها آمده است:

من فعل ذلک نجا و من لم یفعل ذلک هلک؛ هر کس، اینها را انجام دهد، نجات یابد و هر کس، انجام ندهد، هلاک شود.

و در حدیث دوم، وقتی فیروز دیلمی از رسول خدا ﷺ می‌پرسد: «فمن السالم من امتک؟»؛ پس چه کسی از امت تو سالم می‌ماند؟ حضرت، دستور العمل‌های بالا را بر اساس این حدیث ارائه می‌دهد.

## فصل دوم: بررسی ندای آسمانی از نگاه عامه

این ندا در روایات عامه با تعبیر «ینادی مناد من السماء»،<sup>۱</sup> «نادی مناد من السماء»،<sup>۲</sup> «مناد ینادی من السماء»،<sup>۳</sup> «منادیا من السماء»،<sup>۴</sup> «یسمع صوت من السماء»،<sup>۵</sup> «مناد من السماء»،<sup>۶</sup> «ینادی مناد»<sup>۷</sup> و «لینادین باسم رجل من السماء»<sup>۸</sup> مطرح شده است. در این بخش به بررسی ابعاد مختلف ندای آسمانی می‌پردازیم.

- 
۱. «السنن الواردة فی الفتن»، ص ۲۶۸، حد ۵۹۷؛ «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۰، حد ۶۱۳ و ص ۲۳۸، حد ۹۳۸ و ص ۲۳۵، حد ۹۲۵ و ۹۲۶ و ۹۲۷ و ۹۲۸ و ص ۲۳۶ حد ۹۲۹ و ۹۳۰ و ۹۳۱؛ «مجمع الزوائد و منبع الفوائد»، ج ۳، ص ۳۳۵؛ «المعجم الاوسط للطبرانی»، ج ۵، ص ۶۰.
  ۲. «الملاحم لابن المنادی»، ص ۱۹۶، حد ۱۴۳؛ «عقد الدرر»، ص ۱۴۴ و ص ۱۸۴؛ «الفتن لابن حماد»، ص ۲۶۶، حد ۹۸۹.
  ۳. «عقد الدرر»، ص ۷۹ و ص ۱۵۰.
  ۴. «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۵، حد ۹۲۷.
  ۵. «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۷، حد ۹۳۵؛ «العرف الوردی»، ص ۸۵، حد ۱۶۵.
  ۶. «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۹، حد ۹۴۱؛ «العرف الوردی»، ص ۸۰، حد ۱۴۷.
  ۷. «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۶، حد ۹۳۳؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۷۵؛ «العرف الوردی»، ص ۸۵، حد ۱۶۴.
  ۸. «العرف الوردی»، ص ۳۹، حد ۳۲؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۷۲، حد ۳.

## الف. ویژگی‌های ندای آسمانی

## یکم: زمان ندا

در میان احادیث ندای آسمانی، سه روایت، زمان مشخصی را برای آن مطرح می‌کنند. روایت اول، حدیثی است که از شهر بن حوشب از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است. این حدیث با سه تعبیر متفاوت و هر سه در کتاب الفتن ابن حماد مروزی به عنوان اولین مصدر آن آمده است. و زمان ندا در هر سه حدیث، ماه محرم معرفی شده است که با عبارت «و فی المحرم ینادی مناد من السماء»<sup>۱</sup> به بیان آن می‌پردازد. البته شهر بن حوشب، خود نمی‌تواند از پیامبر گرامی اسلام نقل حدیث کند؛ زیرا از تابعین است.

حدیث دوم که از اصبع بن نباته از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده است، زمان ندای آسمانی را ماه مبارک رمضان می‌داند.<sup>۲</sup>

روایت سوم، زمان ندا را هنگام موسم حج می‌داند. این حدیث از ابن شهاب نقل شده است:

فاذا كانوا بالموسم سمعوا منادياً من السماء؛ پس وقتی مردم در موسم حج هستند، می‌شنوند منادی از آسمان ندا می‌دهد.<sup>۳</sup>

## دوم: مکان ندا

تقریباً تمام احادیث مربوط به ندا، مکان آن را آسمان معرفی می‌کنند و این

۱. «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۰، حد ۶۱۳ و ص ۲۳۶، حد ۹۳۱ و ص ۲۳۸، حد ۹۳۸؛ «کنز العمال»، ج ۱۴، ص ۱۲۲، حد ۳۸۷۰۲.

۲. «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۰۴، حد ۲۵۴.

۳. «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۵، حد ۹۲۷.

امکان وجود دارد که قید آسمانی بودن ندا به دلیل پخش شدن آن از آسمان یا از طرف خداوند بودن آن و یا هر دو باشد.

### سوم: ندا دهنده

تنها در یک حدیث به ندادهنده اشاره شده و آن را جبرئیل امین علیه السلام معرفی کرده است و آن روایت مرسلی است که از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده و «مقدسی شافعی»، آن را از کتاب‌های حدیثی شیعی نقل کرده است.<sup>۱</sup>

### چهارم: محتوای ندا

عبارت‌های مختلفی به عنوان محتوای ندای آسمانی در روایات عامه آمده است و محوریت در آنها معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و حقانیت اوست و همچنین بیان امارت و حکومت و پیروی از او.

در این جا به بیان عبارت‌های مختلف محتوای ندای آسمانی خواهیم

پرداخت:

۱. شهر بن حوشب از پیامبر ص نقل می‌کند: «الا إن صفوة

الله من خلقه فلان فاسمعوا له و اطيعوا»؛ آگاه باشید همانا

برگزیده خدا از آفریدگانش، فلانی است، سخنش را بشنوید و

از او اطاعت کنید.<sup>۲</sup>

۲. «إن الحق فی آل محمد». ابی رومان از حضرت علی علیه السلام و جابر جعفی

۱. «عقد الدرر»، ص ۱۴۵؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۱۰۹، حد ۲۱؛ «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

۲. «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۰، حد ۱۳۶، ص ۲۳۶، حد ۹۳۱.



از ابی جعفر علیه السلام آورده‌اند.<sup>۱</sup>

۳. «الا ان الامیر فلان» و «ان امیرکم فلان»، از زهری و سعید بن مسیب و ابن شهاب و عمار یاسر و از طلحة بن عبید الله از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده‌اند.<sup>۲</sup>

۴. «الا ان اولیاء الله اصحاب فلان یعنی المهدی» از زهری نقل شده است.<sup>۳</sup>

۵. حدیقه از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: ... محتوای ندا چنین است:

ایها الناس ان الله عزوجل قد قطع عنکم مدة الجبارین و المنافقین و اشیاعهم و اتباعهم و ولاکم خیر امة محمد صلی الله علیه و آله، فالحقوا به بمكة فانه المهدی و اسمه احمد بن عبدالله؛ ای مردم! همانا خدای عزوجل، زمان حکومت جباران و منافقان و پیروانشان را پایان داد و برترین فرد از امت محمد صلی الله علیه و آله ولی شماسست در مکه به او ملحق شوید و نام او احمد بن عبد الله است.<sup>۴</sup>

۶. «علیکم بفلان» از سعید بن مسیب و ام مغیره بن عبدالرحمن نقل شده است.<sup>۵</sup>

۱. «الملاحم لابن المنادی»، ص ۱۹۶، حد ۱۴۳؛ «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۵ حد ۹۲۶ و ص ۲۳۷ حد ۹۳۴.

۲. «المعجم الاوسط للطبرانی»، ج ۵، ص ۶۰؛ «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۵، حد ۹۲۵ و ۹۲۷ و ص ۲۳۶، حد ۹۳۲ و ص ۲۳۹، حد ۹۴۱.

۳. «العرف الوردی»، ص ۸۵ حد ۱۶۵، عقد الدرر، ص ۱۴۴؛ «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۷، حد ۹۳۵.

۴. «السنن الواردة فی الفتن»، ص ۲۶۸، حد ۵۹۷؛ «العرف الوردی»، ص ۱۰۳، حد ۲۲۵.

۵. «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۵، حد ۹۲۸ و ۹۲۹؛ «العرف الوردی»، ص ۸۴ حد ۱۶۱؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۱۴، حد ۸.

در احادیث دیگر اشاره شده است که به اسم حضرت مهدی علیه السلام ندا می‌دهد یا به اسم مردی از فرزندان ابوطالب<sup>۲</sup> و یا به اسم حضرت مهدی علیه السلام و نام پدرش<sup>۳</sup> و یا به اسم مردی از آسمان<sup>۴</sup> ندا می‌دهد.

حدیث پنجم، قسمتی از محتوا را بیان اسم حضرت و نام پدرش با عنوان «و اسمہ احمد بن عبد اللہ» عنوان می‌کند. این حدیث که از منابع عامه، وارد کتب شیعه شده، بدون ذکر این قسمت از حدیث و با اندکی تفاوت در کتاب‌های شیعه آمده است.<sup>۵</sup> برای مثال در منبع شیعه، لفظ «قائم» در اول حدیث آمده، ولی در نقل عامه به جای آن در محتوای ندا، نام «مهدی» اضافه شده است و این مطلب حاکی از این است که بر اساس اختلاف عقیده، حدیث تغییر کرده است؛ چون لقب «قائم» را عامه در مورد حضرت مهدی علیه السلام نمی‌آورند.

### پنجم: مخاطبان ندای آسمانی

تنها یک حدیث در میان احادیث عامه، در همگانی بودن مخاطبان ندای آسمانی صراحت دارد و آن حدیثی است که مقدسی شافعی از ابی جعفر محمد بن علی علیهما السلام در کتاب خود آورده است. این حدیث چنین است: «فیسع من بالشرق و من بالمغرب».<sup>۶</sup> این روایت از منابع حدیثی

۱. «عقد الدرر»، ص ۱۴۵ و ص ۱۸۵؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۱۰۹، حد ۲۱.

۲. «عقد الدرر»، ص ۱۵۰.

۳. «الملاحم لابن المنادی»، ص ۳۰۴، حد ۲۵۴؛ «کنز العمال»، ج ۱۴، ص ۲۵۱، حد ۳۹۶۷۲.

۴. «العرف الوردی»، ص ۳۹، حد ۳۲؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۷۲، حد ۳.

۵. «الاختصاص»، ص ۲۰۸؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۳۰۴، باب ۲۶، حد ۷۳.

۶. «عقد الدرر»، ص ۱۴۵؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۱۰۹، حد ۲۱.

شیعه توسط ایشان نقل شده است.<sup>۱</sup> حدیث دیگری که از آن می‌توان استفاده همگانی بودن مخاطبان ندای آسمانی را کرد، روایت حذیفه بن یمان از پیامبر گرامی اسلام ﷺ است که در بیان محتوای ندای آسمانی آورده است: «ایها الناس...»<sup>۲</sup> و اطلاق ناس، دال بر همگانی بودن مخاطبان آن است. علاوه بر این، در روایات دیگر، مخاطبان مخصوصی برای ندا معرفی نشده است.

### ب. حوادث قبل از ندای آسمانی

قبل و بعد از ندای آسمانی، جهان در چه وضعی خواهد بود و چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ با شناسایی این مطالب، دوران ظهور و زمان ندای آسمانی برای ما بهتر نمایان می‌شود.

#### ۱. ظهور سفیانی و حاکمیت او بر دمشق

در حدیث حذیفه از رسول خدا ﷺ آمده است: سفیانی بعد از فساد علنی که در مسجد دمشق انجام می‌دهد و مرد مسلمانی، او را از آن کار زشت نهی می‌کند و می‌گوید: «إن هذا لایحل»، او آن مرد مسلمان و همفکران وی را در همان مسجد به قتل می‌رساند. در آن هنگام، منادی از آسمان ندا می‌دهد:

فعدن ذلك ینادی مناد من السماء؛ ایها الناس إن الله عزوجل

قد قطع عنکم مدة الجبارین و... فالحقوا به بمكة فإنه

۱. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۰، باب ۲۵، حد ۹۶.

۲. «السنن الواردة فی الفتن»، ص ۲۶۸، حد ۵۹۷؛ «العرف الوردی»، ص ۱۰۳، حد ۲۲۵.

المهدی؛<sup>۱</sup> در آن هنگام، منادی از آسمان ندا می‌دهد: ای مردم، همانا خدای عزوجل، مدت حکومت جباران و منافقان و پیروانشان را برداشت و ولی شما برترین امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. به او در مکه ملحق شوید؛ همانا او مهدی است.

۲. سلسله حوادثی که از ماه رمضان شروع می‌شود و در ماه محرم ندای آسمانی داده می‌شود

در حدیث شهر بن حوشب از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به این مطلب اشاره شده است.<sup>۲</sup> این حدیث در فصل قبل در حوادث بعد از صیحه مطرح شد.

۳. ظهور فتنه و خاموش نشدن آن

در چند حدیث به فتنه‌ای اشاره شده است که فروکش نمی‌کند و در آن هنگام، منادی از آسمان ندا می‌دهد.

از طلحة بن عبید الله از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل شده است: ستکون فتنة لا یهدأ منها جانب إلا جاش منها جانب حتی ینادی...؛ فتنه‌ای خواهد آمد که گوشه‌ای از آن آرام نمی‌گیرد؛ مگر این که گوشه دیگر آن شعله‌ور می‌شود تا این که منادی ندا می‌دهد.<sup>۳</sup>

در روایت دیگری، وقتی مغیره بن عبدالرحمن به مادرش می‌گوید: در فتنه عبدالله بن زبیر، مردم هلاک می‌شوند، مادر او پاسخ می‌دهد:

۱. «السنن الواردة فی الفتن»، ص ۲۶۸، حد ۵۹۷؛ «العرف الوردی»، ص ۱۰۳، حد ۲۲۵.  
 ۲. «الفتن لابن حماد»، ص ۱۵۰، حد ۶۱۳؛ «کنز العمال»، ج ۱۴، ص ۱۲۲، حد ۳۸۷۰۲.  
 ۳. «المعجم الاوسط للطبرانی»، ج ۵، ص ۶۰؛ «مجمع الزوائد و منبع الفوائد»، ج ۳، ص ۳۳۵.

کلا یا بنی و لکن بعدها فتنه یهلک فیها الناس لایستقیم  
 امرهم حتی ینادی مناد من السماء علیکم بفلان؛ هرگز چنین  
 نیست فرزندانم، ولی فتنه‌ای خواهد آمد که مردم در آن هلاک  
 می‌شوند و امرشان سامان نمی‌یابد تا این که منادی از آسمان  
 ندا می‌دهد بر شماست پیروی از فلانی.<sup>۱</sup>

و در حدیث دیگری که از سعید بن مسیب نقل شده، به ظهور این فتنه  
 قبل از ندا اشاره شده است.<sup>۲</sup>

#### ۴. وقوع خسف قبل از ندا

در حدیثی از ابی رومان از حضرت علی علیه السلام، ندای آسمانی، بعد از خسف  
 مطرح شده است، ولی مشخص نیست آیا خسف بیداء، مراد است یا خسف  
 دیگری. اما به دلیل مشهور بودن خسف بیداء در روایات عامه و شیعه در  
 میان خسف‌ها می‌توان مراد از خسف را در این روایت، خسف بیداء دانست.  
 عبارت حدیث:

بعد الخسف ینادی مناد من السماء...؛ بعد از خسف، منادی  
 از آسمان ندا می‌دهد.<sup>۳</sup>

#### ۵. هنگام مواجهه سپاه حضرت مهدی علیه السلام و سفیانی

در حدیثی، «زهری»، وقت ندا را هنگام رویارویی سپاه سفیانی و حضرت

۱. «العرف الوردی»، ص ۸۴ حد ۱۶۱؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۷۴، حد ۸؛ «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۵، حد ۹۲۸.

۲. «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۶، حد ۹۲۹ و ۹۳۰ و ۹۳۳؛ «کنز العمال»، ج ۱۱، ص ۲۵۸، حد ۳۱۴۴۴.

۳. «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۵، حد ۹۲۵؛ «الملاحم لابن طاووس»، ص ۵۶، باب ۱۲۲.

مهدی عجل الله فرجه معرفی می کند:

إذا التقى السفیانی و المهدی للقتال یومئذ یسمع صوت من السماء ألا إن اولیاء الله اصحاب فلان یعنی المهدی؛ وقتی سفیانی و حضرت مهدی برای جنگ با هم روبه رو می شوند؛ در آن هنگام، صدایی از آسمان شنیده می شود که آگاه باشید همانا اولیای خدا یاوران فلانی، یعنی مهدی هستند.<sup>۱</sup>

## ۶. قتل نفس زکیه

بر اساس نقلی که از عمار بن یاسر شده است، ندای آسمانی را بعد از قتل نفس زکیه معرفی می کند و می دانیم که قتل نفس زکیه، پانزده روز قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله فرجه رخ خواهد داد. در این حدیث آمده است:

إذا قتل النفس الزکیة و اخوه، یقتل بمکة ضیعة، نادی مناد من السماء إن امیرکم فلان و ذلک المهدی الذی یملاً الارض حقاً و عدلاً؛ وقتی نفس زکیه و برادرش کشته می شوند، در مکه، خونشان بی جهت می ریزد، منادی از آسمان ندا می دهد قطعاً امیر شما فلانی است و آن مهدی است؛ کسی که زمین را سرشار از حق و عدل می کند.<sup>۲</sup>

این حدیث از منابع عامه در منابع حدیثی شیعه وارد شده است. البته شیخ طوسی، آن را با اضافات و مقداری اختلاف، از عمار بن یاسر نقل کرده است.<sup>۳</sup>

۱. «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۷، حد ۹۳۵؛ «العرف الوردی»، ص ۸۵، حد ۱۶۵؛ «عقد الدرر»، ص ۱۴۴.

۲. «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۶، حد ۹۳۲؛ «العرف الوردی»، ص ۸۵، حد ۱۶۳؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۱۱۲.

۳. «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۶۳، حد ۴۷۹؛ «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۰۷، باب ۲۵، حد ۴۵.

## ج. پی آمدهای ندای آسمانی

یکم: ظهور حضرت مهدی علیه السلام

ندای آسمانی، خود، اعلان آمدن حضرت مهدی علیه السلام است که با محتوای ندا این مطلب روشن می شود. عباراتی چون: «ولا کم خیر امة محمد صلى الله عليه وآله فالحقوا به بمكة فإنه المهدي» و «الا ان صفوة الله من خلقه فلان فاسمعوا له و اطيعوا» یا «إن امیرکم فلان» یا «علیکم بفلان»، همگی بر ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آن زمان دلالت دارند. مردم نیز بعد از ندا، ظهور و دیدن حضرت مهدی را می طلبند و حرف آمدن او بین دهانها می چرخد و عشق او از دلها لبریز می شود.

در روایتی از ابی رومان از حضرت علی علیه السلام آمده است که فرمود:

إذا نادى مناد من السماء إن الحق فى آل محمد فعند ذلك يظهر المهدي على افواه الناس و يشربون حبه و لا يكون لهم ذكرٌ غيره؛ وقتى منادی از آسمان ندا می دهد: همانا حق با آل محمد است. در آن هنگام، ذکر مهدی بر دهانهای مردم ظاهر می شود و عشق به او را می نوشند و غیر از او را یاد نمی کنند.<sup>۱</sup>

تنها در یک روایت - که به صورت مرسل از حضرت علی علیه السلام نقل شده -

به ظهور حضرت مهدی علیه السلام بعد از ندای آسمانی اشاره شده است:

إذا نادى منادى من السماء إن الحق فى آل محمد فعند ذلك يظهر المهدي؛

۱. «الملاحم لابن المنادى»، ص ۱۹۶، حد ۱۴۳؛ «کنز العمال»، ج ۱۴، ص ۲۴۹، حد ۳۹۶۵۸؛ «عقد الدرر»،

ص ۸۳؛ «البیان فی اخبار صاحب الزمان»، ص ۷۸، حد ۴۸.

وقتی منادی از آسمان ندا می‌دهد: قطعاً حق از آن آل محمد است؛ در آن هنگام، مهدی ظاهر می‌شود.<sup>۱</sup>

### دوم: ندای شیطانی

از طرف دیگر اهل باطل بیکار نمی‌نشینند و شیطان بر آنان ندایی می‌دهد و آنها را به دنبال خود می‌کشد. در روایات عامه به صورت محدود و مجمل به ندای ابلیس اشاره شده است.

در حدیث ابی رومان از حضرت علی علیه السلام آمده است:

بعد الخسف ینادی مناد من السماء ان الحق فی آل محمد فی اول النهار، ثم ینادی مناد فی آخر النهار، ان الحق فی ولد عیسی و ذلك نخوة من الشیطان؛ بعد از خسف، منادی از آسمان ندا می‌دهد: قطعاً حق با آل محمد است و این در اول روز است. پس در آخر روز منادی ندا می‌دهد همانا حق با فرزندان عیسی است و آن فریبی از طرف شیطان است.<sup>۲</sup>

در روایت دیگری از جابر بن یزید جعفی از ابوجعفر محمد بن علی علیه السلام

می‌خوانیم:

ینادی مناد من السماء، ألا ان الحق فی آل محمد و ینادی مناد من الأرض ألا ان الحق فی آل عیسی أو قال: لعباس - انا اشک فیه - و انما الصوت الأسفل من الشیطان لیلبس علی

۱. «عقد الدرر»، ص ۱۴۴ و ص ۱۸۴.

۲. «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۷، حد ۹۳۴؛ «الملاحم لابن طاووس»، ص ۵۶، باب ۱۲۲؛ «الصراط

المستقیم»، ج ۲، ص ۲۵۹.



الناس، شک ابو عبدالله نعیم؛ منادی از آسمان ندا می دهد آگاه باشید، همانا حق با آل محمد است و منادی از زمین ندا می دهد: آگاه باشید، همانا حق با آل عیسی است یا این که (ابو جعفر علیه السلام) گفت: حق با عباس است - من در آن شک دارم - و همانا صوت پایین از شیطان است تا مردم را گمراه کند. ابو عبدالله نعیم این شک را دارد.<sup>۱</sup>

در دو حدیث دیگر که از زهری و ابن شهاب توسط ابن حماد نقل شده است، نیز اشاره‌ای به ندای زمینی دارند.<sup>۲</sup>

این احادیث، ندا را از جانب شیطان و زمینی و در آخر روز معرفی می کنند و حدیث دوم، دلیل ندای شیطانی را مشتبه کردن امر بر مردم بعد از ندای آسمانی می داند و محتوای ندای زمینی را اعلان حق برای آل و فرزندان عیسی علیه السلام معرفی می کنند؛ هر چند، روایت دوم، شکی در این مورد مطرح می کند. اما در مقابل صوت آسمانی در ماه رمضان، روایت فیروز دیلمی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مطلبی دارد که نشان از صوت شیطان در مقابل صدای جبرئیل امین علیه السلام است. در این حدیث آمده است:

... و يتبعه (معه) صوت آخر، فالصوت الأول صوت جبرئیل و الصوت الثانی صوت الشیطان فالصوت فی رمضان...؛ و به دنبال آن، صوت آسمانی، صدای دیگری است؛ پس صدای

۱. «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۵، حد ۹۲۶؛ «العرف الوردی»، ص ۸۴، حد ۱۶؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۱۴، حد ۶

۲. «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۵، حد ۹۲۷ و ص ۲۳۹، حد ۹۴۱.

اول، صوت جبرئیل و صدای دوم، صوت شیطان است و صدا در رمضان است.<sup>۱</sup>

گرچه روایات صوت و این حدیث، محتوایی برای صوت ماه مبارک رمضان نیاورده‌اند، ولی این عبارت می‌رساند که صوت در ماه مبارک رمضان باید دارای محتوا باشد که شیطان در مقابل آن، صوتی مطرح می‌کند. البته این روایت، تأثیرات عجیبی برای صوت ماه مبارک رمضان نقل می‌کند که در فصل اول بدان پرداختیم. به هر صورت، همان‌طور که مشاهده می‌شود به سبب جانبداری از بنی امیه، نامی از «سفیانی» در ندای شیطان مطرح نیست و به جای آن، «آل عیسی» و «بنی عباس» مطرح می‌شوند.

### د. وظیفه مخاطبان ندای آسمانی

وقتی ندای آسمانی داده شد، مردم چه وظیفه‌ای در مقابل آن دارند؟ روایاتی از عامه، وظایفی را برای مخاطبان ندای آسمانی مطرح می‌کنند که در این قسمت به آنها می‌پردازیم:

#### یکم: رفتن به سوی مکه

در روایت حدیفه از رسول خدا صلی الله علیه و آله، در محتوای ندای آسمانی، دستور رفتن به مکه با این عبارت «فالحقوا به بمکه»<sup>۲</sup> آمده است، یعنی در مکه به او ملحق شوید و در برپایی حق، او را یاری کنید.

۱. «المعجم الكبير للطبرانی»، ج ۱۸، ص ۳۳۲، حد ۸۵۳؛ «السنن الواردة فی الفتن»، ص ۲۳۸، حد ۵۱۹.

۲. «السنن الواردة فی الفتن»، ص ۲۶۸، حد ۵۹۷؛ «العرف الوردی»، ص ۱۰۳، حد ۲۲۵.

دوم: اطاعت و پیروی از حضرت مهدی علیه السلام

در حدیث شهر بن حوشب از پیامبر گرامی اسلام در محتوای ندای آسمانی، اطاعت و پیروی از حضرت مهدی علیه السلام مطرح شده است. در این حدیث آمده است: «فاسمعوا و اطیعوا»<sup>۱</sup> یعنی حرف او را بشنوید و از او اطاعت کنید.

البته در دو حدیث که از منابع شیعه به منابع عامه راه یافته، اجابت ندای آسمانی در پیروی از حضرت مهدی علیه السلام مطرح شده است. در یکی از این دو روایت آمده است:

فرحم الله عبداً سمع ذلك الصوت فأجاب؛ خدا رحمت کند

بنده‌ای را که به آن صدا گوش دهد و آن را اجابت کند.<sup>۲</sup>

علاوه بر این، عباراتی چون «علیکم بفلان»<sup>۳</sup> که به عنوان محتوای ندای

آسمانی مطرح شده‌اند، دال بر لزوم پیروی از حضرت مهدی علیه السلام هستند.

۱. «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۶، حد ۹۳۱؛ «کنز العمال»، ج ۱۴، ص ۱۲۲، ح ۳۸۷۰۲.

۲. «عقد الدرر»، ص ۱۴۵ و ص ۱۵۰؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۱۰۹، حد ۲؛ «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۲، باب ۱۴، حد ۱۳.

۳. «الفتن لابن حماد»، ص ۲۳۵، حد ۹۲۸ و ۹۲۹؛ «العرف الوردی»، ص ۸۴، حد ۱۶۱.

## فصل سوم:

### ندای بعد از خروج حضرت مهدی علیه السلام

چند روایت به ندای فرشته‌ای بعد از خروج حضرت مهدی علیه السلام در احادیث عامه اشاره دارند.

عبدالله بن عمرو از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود:  
یخرج المهدي على رأسه عمامة، فيها ملك ينادي، هذا  
المهدي خليفة الله فاتبعوه.<sup>۱</sup>

در نقل دیگر به جای «عمامة»، «غمامة» ذکر شده و به جای «ملک»،  
«مناد» آمده است.<sup>۲</sup>

ترجمه حدیث: حضرت مهدی علیه السلام خارج می‌شود درحالی که بر روی  
سرش، عمامه‌ای (ابر سفیدی) است و در آن، فرشته‌ای (منادی) ندا می‌دهد:  
این مهدی، خلیفه خداست؛ از او پیروی کنید.

در روایت دیگری با همین سند آمده است:  
یخرج المهدي و على رأسه ملك ينادي إن هذا المهدي

---

۱. «عقد الدرر»، ص ۱۸۳؛ «العرف الوردی»، ص ۳۸، حد ۳۰؛ «الکامل ابن عدی»، ج ۵، ص ۲۹۶.  
۲. «البيان في اخبار صاحب الزمان»، ص ۷۶، حد ۴۶؛ «فرائد السمطين»، ج ۲، ص ۳۱۶، باب ۶۱ حد ۵۶۸.

فاتبعوه: حضرت مهدی علیه السلام خارج می شود و بر روی سرش،  
فرشته‌ای است که ندا می دهد همانا این مهدی است؛ از او  
پیروی کنید.<sup>۱</sup>

این ندا که در منابع عامه مطرح شده، شبیه ندای بعد از بیعت در احادیث  
شیعه است که در بخش سوم مطرح شد. البته این حدیث در منابع شیعه نیز  
راه یافته است، و سند آن نشان می دهد که نقل از کتاب‌های عامه است.  
عبدالرحمن بن ابی لیلی از حضرت علی علیه السلام و ایشان از رسول گرامی  
اسلام صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود:

... فیخرج من الیمن من قرية یقال لها أکرعه، علی رأسه  
عمامة متدرع بدرعی متقلد بسیفی ذی الفقار و مناد ینادی  
هذالمهدی خلیفة الله فاتبعوه...؛ حضرت مهدی از یمن از  
روستایی به نام أکرعه خارج می شود، بر روی سرش عمامه‌ای  
است؛ در حالی که زره مرا پوشیده و شمشیر مرا - ذوالفقار -  
به کمر بسته است و منادی ندا می دهد این مهدی، خلیفه  
خداست؛ از او پیروی کنید.<sup>۲</sup>

و یا اربلی از عبدالله بن عمر از رسول خدا صلی الله علیه و آله - حدیث دومی را که  
مطرح شد - می آورد.<sup>۳</sup> البته اختلاف در «ابن عمر» بودن یا «ابن عمرو»  
بودن عبدالله در منابع عامه نیز مشاهده می شود.

۱. «العرف الوردی»، ص ۳۸، حد ۳۱؛ «البیان فی اخبار صاحب الزمان»، ص ۷۷، حد ۴۷؛ «البرهان متقی  
هندی»، ص ۷۲، باب اول، حد ۲؛ «مسند الشامیین»، ج ۲، ص ۷۲، حد ۹۳۷.  
۲. «کفایة الاثر»، ص ۱۴۷؛ «بحار الانوار»، ج ۳۶، ص ۲۳۳، باب ۴۱، حد ۱۹۵؛ «میزان الاعتدال»، ج ۲، ص ۶۸۰.  
۳. «کشف الغمة»، ج ۲، ص ۴۷۱؛ «بحار الانوار»، ج ۳۶، باب ۴۱ و ج ۵۱، ص ۸۱، باب ۱۰.

## نکته پایانی

در پایان متذکر می‌شویم روایات دیگری در مورد ندای آسمانی را مقدسی شافعی در کتاب «عقد الدرر» آورده است که به نظر می‌رسد ایشان از منابع شیعه گرفته باشد و جزء احادیث عامه محسوب نمی‌شود. برای مثال به روایتی از حضرت علی علیه السلام به صورت مرسل اشاره می‌کند<sup>۱</sup> که در ذیل آیه ۴ سوره شعراء حضرت مراد از «آیه» را «فزع» معرفی می‌کند. این حدیث در منابع شیعه از داوود دجاجی از امام محمد باقر علیه السلام از حضرت علی علیه السلام نقل شده است.<sup>۲</sup>

یا در حدیث دیگری، صاحب عقد الدرر برای حضرت مهدی عجل الله فرجه پنج علامت به نقل از امام حسین علیه السلام آورده است که:

عن ابی عبدالله الحسین بن علی علیهما السلام، أنه قال:  
للمهدی خمس علامات السفیانی و الیمانی و الصیحة من  
السماء و الخسف بالیداء و قتل النفس الزکیة.<sup>۳</sup>

ولی این روایت از امام جعفر صادق علیه السلام است که به دلیل یکی بودن کنیه ایشان با امام حسین علیه السلام، «مقدسی شافعی» خیال کرده مراد از «ابی عبدالله»، امام حسین علیه السلام است؛ به خصوص این که در منابع شیعه به دلیل کثرت روایات از امام جعفر صادق علیه السلام، کنیه ابو عبدالله، برای امام جعفر صادق علیه السلام علم شده است و فقط ایشان را با این کنیه و بدون ذکر نام

۱. «عقد الدرر»، ص ۱۴۳، باب چهارم، فصل سوم.

۲. «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۰، باب ۱۴، حد ۸.

۳. «عقد الدرر»، ص ۱۵۱، باب چهارم، فصل سوم؛ «البرهان متقی هندی»، ص ۱۱۴.

می آورند. همین روایت را منابع شیعی از امام جعفر صادق علیه السلام به صورت متعدد نقل کرده‌اند.<sup>۱</sup>

البته ایشان نیز قائل به وجود دو نداست و نظر خود را در باب شمارش علامات قیام، این‌گونه بیان می‌کند:

و نداء من السماء یعمّ اهل الارض و یسمع کل اهل لغة بلغتهم  
و مسخ قوم من اهل البدع و خروج العبيد عن طاعة ساداتهم  
و صوت فی لیلة النصف من رمضان یوقظ النائم و یفزع  
الیقظان و...؛ و ندایی از آسمان که تمام اهل زمین را فرا  
می‌گیرد و هر کسی با زبان خود آن را می‌شنود و مسخ  
گروهی از اهل بدعت و خروج بندگان از اطاعت مولاهایشان  
و صدایی در شب نیمه ماه رمضان که افراد خواب را بیدار و  
افراد بیدار را به وحشت می‌اندازد.<sup>۲</sup>

۱. «کمال الدین و تمام النعمة»، ج ۲، ص ۵۵۶، باب ۵۷ حد ۷؛ «الغیبة شیخ طوسی»، ص ۴۳۶، حد ۴۲۷؛ «الغیبة نعمانی»، ص ۲۶۱، باب ۱۴، حد ۹.

۲. «عقد الدرر فی اخبار المنتظر»، ص ۱۵۵، باب چهارم، فصل سوم.

---

**خاتمه**

---



با وجود کثرت روایات شیعه در مورد ندای آسمانی و دو برابر بودن آن نسبت به احادیث عامه و حتمی معرفی شدن ندا نزد شیعه، در بسیاری از موارد، شیعه و عامه در مورد ندای آسمانی و اصل وقوع آن اشتراک نظر دارند. در این جا به نقاط اشتراک و افتراق شیعه و عامه در مورد ندای آسمانی می پردازیم:

### الف. اشتراکات شیعه و عامه در مورد ندا و صیحه آسمانی

۱. با وجود حدود صد روایت از شیعه و عامه، اصل ندای آسمانی برای هر دو اثبات پذیر است.
۲. هر دو قائل به وجود صوت در ماه مبارک رمضان هستند.
۳. ندادهنده، جبرئیل امین علیه السلام است.
۴. تأثیرات صیحه که عبارتند از: بیدار شدن افراد خواب، وحشت افراد بیدار، نشستن افراد ایستاده و خارج شدن دختران پرده نشین.
۵. وقوع هرج و مرج و کشتار و ناامیدی قبل از وقوع ندای آسمانی.
۶. اشاره به بودن قیام از کنار کعبه در محرم، بعد از وقوع صیحه آسمانی.
۷. محتوای ندا، معرفی حضرت مهدی علیه السلام و بیان حقانیت و خواندن مردم به سوی اوست.

۸. تمامی مردم، مخاطبان ندا هستند.
۹. ظهور حضرت مهدی علیه السلام بعد از ندای آسمانی.
۱۰. ندای شیطانی به عنوان پی‌آمدی برای ندای آسمانی.
۱۱. وظیفه مخاطبان در رفتن به سوی مکه و پیروی از حضرت مهدی علیه السلام.

### ب. افتراقات شیعه و عامه در مورد ندا و صیحه آسمانی

۱. غالب روایات عامه، صیحه در ماه مبارک رمضان را بدون محتوا و صدای شدیدی چون صدای رعد می‌دانند و ندای آسمانی که زمان آن به صورت دقیق مشخص نیست، را دارای محتوا می‌دانند، ولی در احادیث شیعه، صیحه ماه مبارک رمضان با محتوا معرفی می‌شود که در آن به بیان نام و نسب حضرت مهدی علیه السلام می‌پردازد.
۲. روایات عامه، زمان صیحه را نیمه ماه مبارک رمضان می‌دانند، ولی در احادیث شیعه، این زمان، شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان معرفی می‌شود.
۳. در احادیث شیعه، از مخاطبان خواسته شده تا از صیحه ماه مبارک رمضان پیروی کرده و به آن گوش دهید؛ ولی در روایات عامه چون آن را بدون محتوا و شدید می‌دانند، دوری از آن و گرفتن گوش‌ها مطرح است.
۴. در روایات عامه، دو نداء و صوت، یکی بدون محتوا و دیگری بامحتوا معرفی می‌شود، ولی در احادیث شیعه، ندای آسمانی، با محتوا معرفی می‌شود.
۵. زمان ندای آسمانی بامحتوا در روایات عامه در حدیثی، ماه محرم و در

روایت دیگر، ماه رمضان است و در حدیث دیگری، هنگام موسم معرفی می‌شود، ولی احادیث شیعه، فقط ماه مبارک رمضان را به عنوان زمان ندا معرفی می‌کنند.

۶. ندای ابلیس به عنوان پی‌آمدی برای ندای آسمانی در احادیث شیعه - که به بیان حقانیت عثمان و بیان مظلومیت او و حقانیت سفیانی می‌پردازد - مطرح است، ولی در روایات عامه، ندا از شیطان معرفی می‌شود؛ نه ابلیس. و محتوای آن، بیان حقانیت فرزندان عیسی است و به صورت محدود در چند حدیث آمده است.

۷. به صورت کلی، ندای آسمانی به صورت دقیق‌تر و شفاف‌تر در احادیث شیعه آمده و تمام مطالب در مورد آن به صورت ریز مطرح شده است، ولی این شفافیت در روایات عامه مشاهده نمی‌شود.

## کتابنامہ

قرآن کریم.

۱. آیتی، نصرت اللہ، سفیانی از ظہور تا افول، قم، ثانی عشر، ۱۳۸۴ ش.
۲. ابن بابویہ (شیخ صدوق)، محمد بن علی، عیون الاخبار الرضا، بی جا، جهان، ۱۳۷۸ ق.
۳. ابن بابویہ (شیخ صدوق)، محمد بن علی، النخصال، ترجمہ علی اکبر غفاری، قم، ج ۷، نشر اسلامی، ۱۴۲۶ ق.
۴. ابن بابویہ (شیخ صدوق)، محمد بن علی، علل الشرایع، قم، مکتبہ داوری، بی تا.
۵. ابن بابویہ (شیخ صدوق)، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمہ، منصور پهلوان، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۰ ش.
۶. ابن بابویہ (شیخ صدوق)، محمد بن علی، معانی الاخبار، قم، نشر اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۷. ابن بابویہ (شیخ صدوق)، محمد بن علی، من لایحضرہ الفقیہ، قم، نشر اسلامی، ج ۳، ۱۴۱۳ ق.
۸. ابن حنبل، احمد، احادیث المہدی من مسند احمد بن حنبل، قم، نشر اسلامی، ج ۵، ۱۴۰۹ ق.
۹. ابن عدی، عبد اللہ، غزاوی، یحیی مختار، الکامل، لبنان، دارالفکر، ج ۳، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. ابن فارس، احمد، معجم المقاییس اللغۃ، لبنان، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، لبنان، دارصادر، بی تا.
۱۲. ابن نعمان (شیخ مفید)، محمد بن محمد، الارشاد، قم، کنگرہ شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

۱۳. ابن هاشم، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، ج ۳، مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۱۵. اختصاص؛ قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۱۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۱۷. اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواة، قم، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ ق.
۱۸. اموی دانی، عثمان بن سعید، السنن الواردة فی الفتن، اردن، بیت الافکار الدولية، [بی تا].
۱۹. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
۲۰. بحرانی، سید هاشم، میلانی، محمد منیر، المحجة فیما نزل فی القائم الحجة، قم، بینا، بی تا.
۲۱. جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی علیه السلام، قم، بوستان کتاب، ج ۳، ۱۳۸۲ ش.
۲۲. جوینی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطین، لبنان، مؤسسه المحمودی، ۱۳۹۸ ق.
۲۳. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، لبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
۲۴. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة، قم، مطبعة العلمیه، بی تا.
۲۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، لبنان، دار احیاء التراث العربی، ج ۶، ۱۴۱۲ ق.
۲۶. حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۲۷. حسین بن علی، ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
۲۸. حسینی استرآبادی، سید شرف الدین، تاویل الآیات الظاهرة، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۲۹. حمیری (ابن هشام)، عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، لبنان، دارالمعرفة، بی تا.
۳۰. حمیری عبد الله بن جعفر، قرب الاسناد، تهران، کتابخانه نینوا، تهران، بی تا.
۳۱. حیصبی، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى، لبنان، البلاغ، ۱۴۱۹ ق.
۳۲. خراسانی، جواد، مهدی منتظر علیه السلام، تهران، لاهوت، ج ۴، ۱۳۸۴ ش.
۳۳. خزار قمی، علی بن محمد، کفایة الاثر، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ ق.

۳۴. دمشق، اسماعیل بن عمر بن کثیر، *البداية والنهاية*، لبنان، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
۳۵. ذهبی، ابی عبد الله محمد بن احمد، *میزان الاعتدال*، لبنان، دارالمعرفة، ۱۳۸۲ق.
۳۶. راغب اصفهانی، الحسین بن محمد، *المفردات غریب القرآن*، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
۳۷. راوندی، قطب الدین، *الخرائج والجرائج*، قم، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۳۸. راوندی، قطب الدین، *قصص الانبیاء*، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۴۰۲ق.
۳۹. رضوانی، علی اصغر، *موعود شناسی و پاسخ به شبهات*، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۴ش.
۴۰. سلیمان، کامل، *یوم الخلاص*، لبنان، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ج ۶، ۱۴۱۵ق.
۴۱. سید بن طاووس، *الملاحم والفتن*، قم، نشر گنج معرفت، ۱۴۲۵ق.
۴۲. سید شرف الدین، *المجالس الفاخرة فی مصائب العترة الطاهرة*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۱ق.
۴۳. سیوطی، جلال الدین، *العرف الوردی فی اخبار الامام المهدی علیه السلام دمشق*، دارالکوثر، ۱۴۲۲ق.
۴۴. شیخ آقا بزرگ تهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۴۵. شیخ طوسی، *اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)*، قم، آل البیت، ۱۴۰۴ق.
۴۶. صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر*، قم، مؤلف، ۱۴۲۲ق.
۴۷. صدر، سید محمد، *تاریخ الغیبه الکبری*، لبنان، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۲ق.
۴۸. صدر، سید محمد، *تاریخ ما بعد الظهور*، لبنان، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۲ق.
۴۹. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، نشر اسلامی، ج ۵، ۱۴۱۷ق.
۵۰. طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الأوسط*، عربستان، دارالحرمین، ۱۴۱۵ق.
۵۱. طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الکبیر*، مصر، مکتبه ابن تیمیه، ۱۹۸۳م.
۵۲. طبرانی، سلیمان بن احمد، *مسند الشامیین*، لبنان، مؤسسه الرسالة، ج ۲، ۱۴۱۷ق.
۵۳. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج*، مشهد مقدس، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۵۴. طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام الوری*، تهران، دارالکتاب اسلامی، ج ۳، بی تا.
۵۵. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الامم والملوک*، لبنان، دار التراث، ج ۲، ۱۳۸۷ق.

۵۶. طبری، محمد بن جریر، *دلائل الامامة*، قم، دار الذخائر للمطبوعات، ج ۱.
۵۷. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی، ج ۲، ۱۳۶۲ ش.
۵۸. طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن الحسن، *الغیبة*، عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، المعارف الاسلامیه، ج ۳، ۱۴۲۵ ق.
۵۹. طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه احمد قصیر عاملی، لبنان، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۶۰. طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن، *التهدیب*، تهران، دار الکتاب اسلامیه، ج ۴، ۱۳۶۵ ش.
۶۱. طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن، *رجال الطوسی*، ترجمه جواد قیومی، قم، نشر اسلامی، ج ۲، ۱۴۲۰ ق.
۶۲. طوسی، محمد بن الحسن، قم، چاپخانه ستار، ۱۴۱۷ ق.
۶۳. طوسی، محمد بن حسنی، *الفهرست*، جواد قیومی، بی جا، مؤسسه نشر الفقاهد، ج ۲، ۱۴۲۲ ق.
۶۴. عاملی، سید جعفر مرتضی، *دراسة فی علامات الظهور و الجزیرة الخضراء*، قم، جبل عامل الاسلامی، ۱۴۱۲ ق.
۶۵. عروسی، عبد نلی بن جمعة، *تفسیر نور الثقلین*، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، قم، دارالتفسیر، ۱۳۸۲ ش.
۶۶. فانی اصفهانی، سید علی علامه، *بداء از نظر تسبیح*، ترجمه سید محمد باقر بنی سعید لنگرودی، تهران، دُرسا، ج ۲، ۱۳۷۴ ش.
۶۷. فتال نیشابوری، محمد، *روضه الواعظین*، مترجم غلام حسین مجیدی و مجتبی فرجی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۱ ش.
۶۸. فراهیدی، الخلیل بن احمد، *الهمین*، بی جا، دارالهجرة، ج ۲، ۱۴۰۹ ق.
۶۹. *فصلنامه تخصصی*، تراثنا، قم، مؤسسه آل البيت، سال چهارم، عدد دوّم، ش ۱۵.
۷۰. *فصلنامه علمی تخصصی انتظار*، ویژه امام مهدی علیه السلام، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
۷۱. فقیه، محمد، حسینی، سید شاهپور، *سفیناتی و نشانات های ظهور*، تهران، موعود، ۱۳۸۵ ش.
۷۲. فیض کاشانی، محسن، *تفسیر الصافی*، لبنان، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ج ۲، ۱۴۰۲ ق.

۷۳. قزوینی، سید محمد کاظم، الامام المهدي عليه السلام من المهد الى الظهور، قم، محلاتی، ۱۳۸۰ ش.
۷۴. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، قم، الشریف الرضی، ج ۲، ۱۳۷۵ ش.
۷۵. کتاب مقدس.
۷۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، علی اکبر غفاری، لبنان، دارالأضواء، ۱۴۰۵ ق.
۷۷. کنجی شافعی، ابو عبدالله محمد، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ترجمه مهدی احمد فتلاوی، لبنان، دارالمحجة البيضاء، ۱۴۲۱ ق.
۷۸. کورانی، علی و دیگران، معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۷۹. کورانی، علی، المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدي عليه السلام، قم، بی نا، ۱۴۲۶ ق.
۸۰. گرگانی، امیر فریدون، گنجینه ای از تلمود، کهن، تهران، چاپخانه زیبا، ۱۳۵۰ ش.
۸۱. گرینستون، جولوس، انتظار مسیحا در این یهود، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷ ش.
۸۲. متقی هندی، علی بن حسام الدین، البرهان فی علامات مهدی اخر الزمان، تهران، شرکت رضوان، ۱۳۹۹ ق.
۸۳. مجلسی (علامه مجلسی)، محمد باقر، بحار الانوار، لبنان، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۸۴. مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، لبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ ق.
۸۵. مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیه، لبنان، دار الأضواء، ج دوم، ۱۴۰۹ ق.
۸۶. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۴۱۶ ق.
۸۷. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء والتاریخ، بی جا، مکتبه بور سعید، بی تا.
۸۸. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتاب اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۸۹. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عليه السلام، قم، نسل جوان، ج ۳، ۱۳۸۴ ش.
۹۰. منادی، احمد بن جعفر، الملاحم، قم، دارالسیره، ۱۴۱۸ ق.
۹۱. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، حائری قزوینی، سید مهدی، مکیال المکارم، قم، ایران نگین، ۱۳۸۱ ش.
۹۲. موسوی الخوئی، سید ابوالقاسم، معجم الرجال الحدیث، قم، مدینه العلم، ج ۴، ۱۴۰۹ ق.



۹۳. موسوی سبزواری، میر لوحی، *کفاية المهتدي*، قم، دارالتفسیر، ۱۳۸۴ ش.
۹۴. نباطی بیاضی، علی بن یونس، *الصراط المستقیم*، عراق، کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۴ ق.
۹۵. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، ترجمه سید موسی شبیری زنجانی، قم، نشر اسلامی، ج ۶، ۱۴۱۸ ق.
۹۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، فارس حسون کریم، قم، مدین، ۱۴۲۶ ق.
۹۷. نوری طبرسی، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، لبنان، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ج ۲، ۱۴۰۸ ق.
۹۸. نیلی نجفی، علی نب عبدالکریم، *منتخب الانوار المفیئة*، قم، چاپخانه خیام، ۱۴۰۱ ق.
۹۹. هندی، المتقی بن حسام الدین، *کنز العمال*، لبنان، دارالکتب العلمیه، ج ۲، ۱۴۲۴ ق.
۱۰۰. هیشمی، علی بن ابی بکر، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، لبنان، دارالکتب العربی، ج ۳، ۱۴۰۲ ق.